

رشد

۵۲

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای معلمان، مدرسان و دانشجویان
دوره شانزدهم | شماره ۱ | پاییز ۱۳۹۷ | ۸۰ صفحه | ۲۶۰۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۹
www.roshtdmag.ir



خواص تصویری حروف و
نشانه‌نویسته

محمد علی فرز بود؛

مدرس هنر آذربایجانی

هر مسافر يك عكاس است!

نخستین مرکز رسمی آموزش

هنرهای سنتی در دوره معاصر





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: کاوه تیموری
هیئت تحریریه:
مرضیه پناهیان‌پور
علاءالدین کیالاشکی
مهدی الماسی
مجتبی بابائیان
حمید قاسم‌زادگان
محمود حاجی‌آقایی
مهسا قباپی
مدیر داخلی: مارال یغمایان
ویراستاران: جعفر ربانی
افسانه طباطبایی
طراح گرافیک: مجید کاظمی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۵
تلفن ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱-۰۲۱ (داخلی ۳۷۴)
نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶
وبگاه: www.roshdmag.ir
پایام‌نگار: honar@roshdmag.ir
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
پایامک: ۰۲۱-۸۹۹۵۰۹
شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه
چاپ و توزیع: شرکت افست



روی جلد: عطیه ضیغمی

سرمقاله

گفت و گو

آیین در پژوهش

هنر در استان

مقاله

گزارش

معرفی هنرمند

معرفی کتاب

گفت و گو

عکاسی

مقاله

مقاله

مقاله

گزارش

معلمان هنرمند

معرفی نرم‌افزار

نوید تغییر / سردبیر / ۲

خواص تصویری حروف و نشانه‌نویشته، گپ‌گفتی با دامون خانجانه‌زاده، طراح گرافیک و

نشانه‌نویشته/ هیئت تحریریه رشد آموزش هنر / ۴

تحلیل شیوه‌ها و روند ارزشیابی درس‌های فرهنگ‌وهنر و کاروفناوری پایه هفتم، در

استان خراسان رضوی / مجتبی خاکشور، مهران هوشیار، محسن شهرستانی / ۱۳

هنر در ساحل همیشه آفتابی، گفت‌وگو با دبیران هنر استان بوشهر/ هیئت تحریریه رشد آموزش هنر / ۱۶

روش‌های صمیمانه در تدریس هنر / محمدعلی اشرفی / ۲۸

گزارشی از جشنواره تجربیات برتر در آموزش هنر، گامی در گسترش تجربه‌ها/ مجتبی

بابائیان / ۳۴

محمدعلی فرزبود؛ مدرس هنر آذربایجان / کاوه تیموری / ۳۶

دانش صداسازی / مارال یغمائیان / ۴۴

کاربردی کردن هنر در کلاس درس، گفت‌وگو با هومان عباسی دبیر هنر مدارس شیراز/

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر / ۴۶

هر مسافر یک عکاس است! / مهسا قباپی / ۴۸

نخستین مرکز رسمی آموزش هنرهای سنتی در دوره معاصر / اکرم نجفی‌پور / ۵۲

فنون و روش‌های ساخت هنر مینای خانه‌بندی معاصر / زهرا احمدی خطیر / ۶۰

مروری بر ساخت و تزیینات روی قلمدان در دوره صفوی / محرمعلی بهرامی / ۶۶

تأثیر جنگ در افغانستان بر نقوش فرش افغان‌ها / فرزانه جعفری / ۷۰

با معرفی عطیه ضیغمی و حجت مجرد / ۷۴

طراحی فرش و گلدوزی با کمک نرم‌افزار / مصطفی سهرابلو / ۷۶

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مجله رشد آموزش هنر، آثار هنرمندان، استادان و صاحب‌نظران، به‌ویژه معلمان و مدرسان هنر و نیز، هنرجویان و دانشجویان رشته‌های هنری را که در نشریات عمومی منتشر نشده باشد، برای چاپ می‌پذیرد. ● مطالب ارسالی باید با اهداف کلان آموزش هنر در نظام آموزشی کشور هم‌خوان باشد و به حل مشکلات ریز و درشت آموزش هنر در مدارس و مراکز رسمی آموزش کمک کند. ● مطالب باید با خطی خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شود و حاشیه صفحه و فاصله سطرها برای اعمال ویرایش مناسب باشد. ● حجم مقالات از ۱۵ صفحه دست‌نویس و ده صفحه حروف‌چینی شده بیشتر نباشد. ● اگر مطلبی، عکس یا تصویر و جدول و نمودار دارد، جای قرار گرفتن آن‌ها در حاشیه صفحات مشخص شود و تمام موارد به‌صورت لوح فشرده (با فرمت tif یا jpeg و dpi حداقل سیصد) همراه متن فرستاده شود. ● کپی صفحات اصلی متن ترجمه ضمیمه شود تا در صورت لزوم، بررسی صحت ترجمه و همخوانی آن با متن اصلی ممکن باشد. ● اهداف مقاله و چکیده آن همراه پنج کلیدواژه در صفحه‌ای مجزا ضمیمه شود. ● معرفی کوتاه پدیدآورنده، همراه نشانی و مخصوصاً شماره تلفن او در برگه‌ای جدا پیوست باشد. ● پی‌نوشت‌ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، مترجم، نام کتاب، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه باشد. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. ● مطالب چاپ‌شده، لزوماً بیانگر دیدگاه گردانندگان مجله نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی با پدیدآورنده است. ● دفتر مجله از نگهداری یا بازگرداندن مطالب رد شده، جز در موارد خاص، معذور است. ● ترتیب چاپ مطالب به معنای درجه‌بندی و ارزش‌گذاری نیست، بلکه بر حسب ملاحظات فنی و رعایت تناسب و تنوع است.

نوید تغییر

بهار تعلیم و تربیت را به همکاران ارجمند هنر تبریک می‌گوییم. امیدوارم با انرژی فراوان و سرشار از شوق تدریس، سال تحصیلی را آغاز کنید. ضمن تقدیر از خدمات سخت‌کوشانه حجت‌الاسلام محمدیان، در سال ۹۷ با حضور دکتر حیدر تورانی در سازمان پژوهش، شوق نگاه تازه در حال و هوای فعالیت‌ها قوت گرفته است. تأکید دکتر تورانی داشتن دیدگاه‌های نوین و تصویر کلان از تعلیم و تربیت و رفتن به سوی آن محور اساسی و درون‌مایه اندیشه ایشان است. این تصویر کلان چیزی جز تحول، در نظام برنامه درسی، نیست. بر این اساس است که باید تمام نیروها برای این هدف مهم و این چشم‌انداز آینده‌بخش بسیج شوند. نقطه کانونی این چشم‌انداز متوجه آینده است و شوق بهتر شدن همان موتور محرک برای امیدبخشی و انگیزه‌آفرینی است.^۱ اینکه در کجا هستیم امری بایسته است و اینکه باید به کجا برویم امری حیاتی است لذا همیشه باید با در نظر داشتن آن تصویر کلان، برنامه‌ریزی لازم را داشته باشیم. خوشبختانه در سال جاری چرخه تألیفات هنری تکمیل و کتاب‌های فرهنگ و هنر هفتم، هشتم و نهم و درس اختیاری هنر در سال‌های دهم و یازدهم نهایی شد و به این ترتیب تکلیف دبیران هنر برای این مهم مشخص گردید.

به همین سان برپایی نشست‌های گروه‌های آموزشی هنر، جشنواره الگوهای برتر تدریس، جشنواره درس‌پژوهی در هنر و جشنواره تجارب برتر تدریس هنر، نشان می‌دهد که درس هنر مقوله‌ای پراهمیت و تثبیت‌شده است که می‌تواند با اهتمام ویژه معلمان در تدریس، کارکرد و وظیفه شایسته خود را در جهت شکوفایی حس زیبایی‌شناختی در دانش‌آموزان به خوبی انجام دهد. تجربه‌های میدانی ما در دیدار از کلاس‌ها و گفت‌و شنود با دبیران هنر نشان می‌دهد که بنا بر اقتضای درس هنر، روش تدریس فعال و فعالیت درسی مناسب در جریان یاددهی و یادگیری رونق دل‌چسب و جاذبه‌داری یافته است. تدریس فعال تدریسی است که در آن، بر فعالیت شاگرد و دانش‌آموز تأکید می‌شود و در این فرآیند آن‌ها نقش پویا و جستجوگرانه‌ای را عهده‌دار هستند. آن‌ها با راهنمایی و محوریت معلم به کسب تجربه می‌پردازند و تعامل دوسویه به بالندگی و رشد آن‌ها منجر می‌شود. به همین سان آرام‌آرام و با شیبی ملایم دبیران تخصصی هنر جای دبیران غیرتخصصی را می‌گیرند و کار به دست کاردان در کلاس هنر می‌افتد. یافته‌های یکی از تحقیقات که در خراسان رضوی انجام شده نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از حجم نمونه شامل دبیران هنر اذعان داشته‌اند که داشتن تخصص و تحصیلات مرتبط در رشته هنر علت اصلی

تدریس آن‌هاست و ۲۰ درصد نیز گفته‌اند که علاقه‌مندی و داشتن مهارت موجب تدریس آن‌ها در رشتهٔ فرهنگ و هنر است و بالاخره و خوشبختانه فقط ۱۰ درصد اظهار کرده‌اند که برای تکمیل ساعات درس و از روی ناچاری به تدریس هنر پرداخته‌اند. این نکته بیانگر آن است که درس هنر دیگر در آموزش و پرورش ما درسی تزئینی و برنامه‌پرکن نیست؛ و اینکه جایگاه مقولهٔ فرادرسی هنر در نظام تعلیم و تربیت تثبیت شده است و این همان **تصویر کلانی** است که تمام دبیران هنر می‌توانند به آن اهتمام کنند.

خوشبختانه دبیران توانمند هنر، از صاحبان تجربه‌های هنری والا گرفته تا معلمان جوان باذوق و انگیزه، هیچ‌گاه کلاس را از ایده‌یابی و ایده‌سازی خالی نگذاشته‌اند. هر بار که به شوق دیدار دبیران هنر به استان‌های کشور می‌روم تجربه‌ها و موضوعات ناشنیده و نادیده‌ای می‌بینم که شور و شوق مضاعفی را در من زنده می‌کند و با خود می‌گویم ای کاش دانش آموز بودم و افتخار شاگردی چنین معلمانی را پیدا می‌کردم؛ زیرا احساس می‌کنم که چقدر این درس لذت‌بخش و لذت‌آفرین شده است. یقین دارم که ایجاد توانمندی در هنر خلاق و زایش هنری در بین دانش‌آموزان مستلزم همین توانایی و شایستگی در دبیران هنر است. درس هنر و درون‌مایه‌های متنوع و متعدد آن بیانگر این واقعیت است که «**یادگیری فقط از کتاب درسی نیست**» و طبیعت بهترین زمینه‌ساز و بزرگ‌ترین آموزگار برای درس هنر است. بی‌دلیل نیست که آن دبیر هنر خوش‌ذوق سروسنانی^۱ برای درس عکاسی مراحل مختلف از کاشت بذر گیاهان مراحل تکوین و رشد آن‌ها را سوژهٔ کلاس عکاسی خود قرار داده است. همان روشی که تمام وجود دانش‌آموزان را با عجایب طبیعت و فراز و فرودش تسخیر کرده است و درنهایت به برپایی نمایشگاه عکس از مراحل رشد گیاه انجامیده است. نمایشگاهی که حس زیبایی‌شناختی را به‌خوبی تلطیف می‌کند.

بیاییم با استفاده از ظرفیت گروه‌های آموزشی تصویر کلان تعلیم و تربیت هنری را استفاده از دبیران مجرب و متخصص هنر قرار دهیم و با برپایی دوره‌های آموزشی و کارگاه‌ها و نشست‌های هنری دبیران غیرمتخصص را در تجربیات و داشته‌های خود سهیم کنیم. این کار گرچه امری زمان‌بر و طاقت‌فرسا خواهد بود اما می‌تواند **رایحهٔ تغییر** را در کادرسازی هنری به مشام ما برساند. زیرا تغییر حرکتی است که به آینده نظر دارد. به‌طور حتم هم‌فکری گروه‌های آموزشی در سطح ملی و اهتمام پایگاه کشوری درس هنر به این مهم راهگشا خواهد بود. برای همهٔ همکاران ارجمند در سال تحصیلی جدید آرزوی توفیق می‌کنم.

۱. برگرفته از سخنان دکتر تورانی
مورخ ۹۷/۷/۵
۲. محمدهادی سلطانی دبیر هنر
سروستان، مورخ ۹۷/۲/۶



خواص تصویری حروف و نشانه‌نویسته

گپ‌وگفتی با دامون خانجانبازاده،
طراح گرافیک و نشانه‌نویسته

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

اشاره

عنصر نوشتار در گذرگاه زمان از مراحل تصویری، اندیشه‌نگار به مرحله آوانگار رسیده است اما با اوج‌گیری ارتباطات تصویری، عناصر نوشتاری علاوه بر ابلاغ مفهوم و معنا به لحاظ فرم و خواص ظاهری در جایگاه تصویر نیز ایفای نقش می‌کنند. نشانه‌های نوشتاری یا عنوان‌نویسته‌ها امروزه در حال افزایش‌اند و اهل گرافیک با سفارش‌های رو به تزاید برای این‌گونه هنری مواجه‌اند. اینکه کارکرد نشانه‌نویسته و مزایای کیفیت آن چیست و در روند تحول نگاه‌های هنری چگونه می‌توان

معیارهای لازم را برای آن مورد توجه قرار داد، محور اصلی گفت‌وگو با دامون خانجانبازاده، طراح گرافیک و نشانه‌نویسته، است. موضوع نشانه‌نویسته در رشته گرافیک سال سوم هنرستان‌های هنری مورد توجه قرار گرفته است. در عین حال، صحبت‌های خانجانبازاده در پیوند با مباحث روزآمد نشانه‌نویسته است. از این منظر، او دبیران و مدرسان هنر را با آخرین دیدگاه‌ها در این مورد آشنا می‌کند. رشد آموزش هنر از همکاران گرامی دعوت می‌کند که موضوع نشانه‌نویسته‌ها را به‌عنوان یکی از قالب‌های هنری و مهم گرافیک در تحقیقات و مطالعات خود مورد توجه قرار دهند و آثار قلمی و نتایج آن را به‌منظور چاپ در اختیار مجله آموزش هنر بگذارند.

با استعانت از خداوند بزرگ و با عرض سلام خدمت دوستان حاضر، تشکر می‌کنیم از آقای دامون خانجانه‌زاده و همچنین اعضای محترم هیئت تحریریه، آقای مجتبی بابائیان (کارشناس ارشد گرافیک) و آقای کاظمی (کارشناس ارشد گرافیک) و سرکار خانم یغمائیان مدیر داخلی مجله رشد آموزش هنر. محور بحثی را که امروز در خدمت شما خواهیم بود، مروری بر تاریخچه «عنوان‌نویسه» است که البته به آن «آرم‌نویسه»، «سرلوحه»، «لوگوتایپ» و «نشانه‌نویسه» هم می‌گویند. طبیعی است که هدف ما بحث کاربردی به لحاظ ارتباط تصویری در فضای هنری است و اینکه دبیران هنر با این موضوع بسیار مهم آشنا شوند. چون می‌دانیم که یک روند رو به تزایدی برای استفاده از نشانه‌نویسه وجود دارد. مطابق روال مصاحبه‌هایی که ما انجام می‌دهیم، تقاضایم از جنابعالی این است که به اجمال خود را معرفی فرمایید که عزیزان مخاطب ما بدانند پشتوانه بیانات و صحبت‌هایی که می‌خوانند، چه تجربه‌های عینی و عملی است. در حین بحث، دوستان هم با بیان نکاتی که به ذهنشان می‌رسد طرح مسئله کنند که ما بتوانیم نهایت استفاده را بکنیم.

محل زندگی‌ام محله دربان نو، در خیابان ستارخان است. دوره ابتدایی را در مدرسه امیرکبیر گذراندم. در دوره راهنمایی به مدرسه مفتوح رفتم و دبیرستان را در مدرسه پیام دانش، دوره متوسطه را در نظام قدیم، در رشته ریاضی، رشته‌ای کاملاً بی‌ربط با کاری که الان دارم، انجام می‌دهم، گذراندم؛ با تجدیدی‌ها و

افتادن‌های مکرر. درسم خیلی بد بود و تقریباً شاگرد یکی مانده به آخر کلاس بودم.

علاقه‌مندی شما به رشته گرافیک از همان موقع شروع شد یا اینکه چون از آن رشته ناکام شدید، به رشته گرافیک رو آوردید؟

در سال اول دبیرستان آگهی‌ای در روزنامه دیدم که برای نساجی بروجرد یک لوگو (نشانه‌نویسه) می‌خواهند. کاری کردم و برای روزنامه فرستادم. فراخوان بود و من کاری ابتدایی با مداد رسم کرده بودم. بعد از مدتی پاسخ کارها را فرستادند و کار من جزء هیچ‌کدام از کارهای اول و دوم و سوم نبود. در آنجا متوجه شدم که اصلاً نشانه چیست. من نقاشی فرستاده بودم. خط را می‌دانستم؛ چون از کودکی شاگرد استاد فرادی بودم. منتها اینجا بحث نشانه تصویری بود. آن‌ها در حقیقت می‌خواستند به یک نشانه آیکونیک برسند؛ نوشتاری هم نبود. اگر نوشتاری بود باز هم نمی‌دانستم که باید نوشتاری کار کنم. من احساس کردم که منطقه‌ای از کار هنری است که من خیلی دوستش دارم. احساس کردم عرصه طراحی نشانه، گنجاندن بحر در کوزه است؛ یعنی شما باید تمام منظوره‌های کارفرما را چه ارگان باشد، چه شخص در یک فضای کوچک به نام نشانه بگنجانید. آن‌ها کار برتر را فرستادند و من با دیدن کار برگزیده متوجه شدم که نشانه اصلاً این است و آن کاری که من کرده‌ام اصلاً کار اشتباهی بوده است. موقع تعیین رشته که شد، با یکی از مطبوعاتی‌های سابقه به نام سیروس علی‌نژاد که از نسل استاد فرید قاسمی و محمد گلگون هستند مشورت کردم. ایشان به من گفت که تو الان (سال اول دبیرستان، سال ۶۶-۶۵) تخصصی داری که در سال‌های آینده با ر کود و انحطاط مواجه می‌شوی.

سرطان پایان زندگی نیست. ۰۱۲۳۴۵۶۷۸۹

یعنی خودفرما یا خویش فرما بود. در طراحی گرافیک کارهای تک نکته‌ای که تکثیر نمی‌شوند، تولید انبوه نمی‌شوند. کارهای خویش‌فرمایی و تک نکته‌ای را خود طراح برای خودش سفارش می‌دهد؛ مثلاً من می‌توانم در دفتر خودم بنشینم و برای کودکان کار در آفریقا پوستر تهیه کنم. این را کسی به من سفارش نداده است؛ خودم به خودم سفارش داده‌ام.

تأثیرات تحصیلات دانشگاهی شما از چه زمانی شروع شد؟

تحصیلات دانشگاهی من از سال ۷۳ شروع شد؛ در دانشکده هنرهای زیبا که با استادان مبرز روزگار مثل استاد ممیز و استاد احصایی آشنا شدم. در سال‌های اول دانشکده متوجه لطفی شدم که این بزرگان به من داشتند. می‌گفتند واحدها حتی اگر تصویرگری یا تصویرسازی یا چیز دیگری است، تو با خط کار کن؛ تو کار خودت را بکن.

یعنی در کار ارتباط تصویری به جای دایره و مربع و مستطیل و سایر موارد دست‌مایه شما عناصر خط بود؟

عناصر نوشتاری بود؛ چون باید روی خوشنویسی هم فرایندی انجام بشود تا به یک کار گرافیک تبدیل شود. خوشنویسی برای همه مهارت‌ها هنر بسیار حاصلخیزی است. طرف پرتره را می‌گذارد و یک نوشتاری روی صورت می‌نویسد و این به شدت پای غربی‌ها را شل می‌کند. حق هم دارند؛ در هیچ جای دنیا ما نظیر هفت دستگاه موسیقی، هفت دستگاه خط نداریم. ما هفت دستگاه مستقل خط داریم. خطوط مختلف داریم که هر یک از آن‌ها برای منظور متفاوتی است. کارکردهای خاصی دارند. حتی جالب است از هماغوشی و همسایگی چند خط یک اتفاق دیگر باز بیفتد. در سال‌های آغازین تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا مرحوم ممیز به من گفتند که این تخصص را شما می‌توانید ادامه دهید. تحلیلی که دارید می‌کنید گرافیک است و پیشینه و گذشته‌ای که دارید، مرحله ممتاز خوشنویسی است. می‌توانید با ترکیب این‌ها به جای خوشنویسی کار خلاق‌تری بکنید. چون خوشنویسی به‌زعم من یک مهارت است؛ یعنی اگر امروزه ما انسان باهوشی داشته باشیم که بتواند خلاق‌ترین ترکیب‌ها را در خوشنویسی انجام بدهد، چیزهای خارق‌العاده‌ای به ذهنش برسد اما دستش عرق کند، نمی‌تواند بنویسد. به خاطر همین، با یک عذر پزشکی این آدم نمی‌تواند خط بنویسد. پس،

نشانه مجله آدینه را برای من مثال زد و گفت در سالیان آینده تخصص فعلی شما به درد نخواهد خورد. طوری که بعداً هم به این قضیه رسیدم که خوشنویسی صرف برای گذراندن زندگی واقعی انسان امروزی چیزی در حقیقت دلی است. در حقیقت، جامعه خیلی جلوتر از خوشنویسان است. چیزهایی که ما امروز تحت عنوان قطعات خوشنویسی می‌بینیم، به آن منظور گذشتگان نیست که می‌گفتند: «قطعه خوشنویسی چیزی است که از لحاظ ابعاد در آغوش یک آدم جا بگیرد؛ مثل فرزند است.» من فکر می‌کنم آن یک مهارت است که ارزش‌گذاری خودش را دارد.

آیا فرمایش آقای علی‌نژاد این تأثیر را روی شما گذاشت؟

ما را با حرفه گرافیک آشنا کرد؛ طراحی گرافیک یا همان گرافیک دیزاین. در حقیقت، یک منطقه فوق تخصصی از گرافیک دیزاین را به من نشان داد. گفت که «طراحی نشانه» عرصه زورآزمایی یک طراح گرافیک است. اگر کسی بتواند طراحی نشانه را به سامان برساند، به معنای واقعی طراح (دیزاینر) است. چون هیچ ابزاری در به سامان رساندن یک نشانه به شما کمک نمی‌کند. گاهی در پوستر، در طرح جلد کتاب، در بروشور در همه این‌ها نوعی از نرم‌افزارها و تصاویر و در حقیقت جلوه‌هایی وجود دارد که حتی فکر را منحرف هم می‌کند. مدار تفکر شما را جهت نمی‌دهد. مجری فکر شماست، اما نرم‌افزار و کامپیوتر به فکر شما جهت هم می‌دهد.

شما بعد از دیپلم ریاضی وارد دانشگاه شدید؟

بله.

آن سال‌ها در کنار کار عملی کار تجربی هم انجام می‌دادید؟

بله. کارهایی بود که طبیعتاً سفارش‌دهنده نداشت؛

تایپ فیس «دبیا»
اثر: دامون خانجانه



مجموعه آتود برای یک تایپ



یکی از
جدی ترین
طراحان نشانه
میرزا محمدرضا
کلهر، خطاط
معروف قاجار،
است

و نشانه‌نویشته را باز کردند و آن را در درون مایه هنری ما جاری کردند چه کسانی بودند؟

یکی از جدی ترین طراحان نشانه میرزا محمدرضا کلهر، خطاط معروف قاجار، است. نشانه‌نویشته روزنامه‌های آن دوره مثل تربیت، شرف، شرافت اثر کلهر بوده است؛ نقش و نگاری که مثلاً فرشته‌هایی بودند که به صورت قرینه در دو طرف قرار داشتند یا آن حرکت گیاهانی که دور این نشانه بودند، چیزی بوده که از غرب سفارش می‌دادیم و می‌آمد؛ یعنی در داخل ایران ساخته نمی‌شد. حتی شیر و خورشیدهایی که بالای کاخ سنگی استفاده می‌شده است، ریشه داخلی ندارد. ما به هیچ وجه در بالای یک بنای معماری دو فرشته با بال قرینه همدیگر نداریم. ما خط کوفی بنایی، کتیبه متقارن، کتیبه چهار فتحی و کتیبه دو فتحی داریم. اما تصویر فیگور به صورت مشخص نداریم.

البته خود مرحوم کلهر که نمی‌دانسته است دارد نشانه‌نویشته خلق می‌کند؟
به هیچ وجه. حتی نگاهی که امروزه کارهای میرزا غلامرضا اصفهانی را طراح گرافیکی می‌داند، بدون شالوده علمی و با تعصب است.

شما عنوان نویشته‌ها یا نشانه‌نویشته‌های قدیمی را در روزنامه‌ها ذکر کردید. بیایم جلوتر؛ در نظام دانشگاهی مثلاً از سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران شکل گرفت، چه کسانی عنوان نویشته را چه به شکل تجربی و چه در نظام آکادمی آغاز کردند؟

اگر بپذیریم که در دوره پهلوی اول و دوم، به خصوص در دوره دوم، تخصص‌هایی داشته وارد کشور ما می‌شده، بسیاری از این نام‌های غربی را مرحوم حسن زرین خط با خط نستعلیق نوشته است. حتی می‌توانم بگویم شاید آمار بیشترین نشانه‌نویشته -اگر آن را بهره‌گیری صرف از عناصر نوشتاری تعریف کنیم- به لحاظ تعداد، کار استاد زرین خط است. عناوین «اشنو ویژه»، «بانک ملی ایران»، «قیمت‌های روی اسکناس»، «دیوان حافظ» و خود حافظ کار ایشان است. وی مشاقتی بوده که به لحاظ اینکه حجره داشته محل مراجعه بوده است. زرین خط در دارالتعلیم خود، واقع در خیابان ناصر خسرو، شاگردهایی داشته که می‌رفته‌اند و نوشتار را یاد می‌گرفته‌اند. هم

خط هنر نیست؛ یک مهارت است؛ مثل هنرهای رزمی. خیلی هم محترم است ولی یک مهارت است.

شما در مرحله کارشناسی ارشد هم ادامه تحصیل دادید؟

من به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد ادامه دادم ولی به عللی انصراف دادم. پایان‌نامه‌ام را هم نوشتم ولی دفاع نکردم. موضوع پایان‌نامه‌ام تایپ، تصویر، پیام بود. عناصر نوشتاری و عناصر تصویری، که گرافیک به اعتبار ترکیب آن‌ها به وجود می‌آید. پیام‌رسانی؛ یعنی شما در حقیقت با به کارگیری عناصر نوشتاری و تصویری پیام را می‌رسانید. اگر موفق به پیام‌رسانی شدید، پس دیزاینر هستید. بر این اساس، صرف در کنار هم قرار گرفتن تصویر و نوشتار منجر به ایجاد گرافیک نمی‌شود.

سؤال من این است که عنوان نویشته یا نشانه‌نویشته را چه باید تعریف کنیم؟ تاریخچه مختصری هم از ایران و هم از دنیای غرب مطرح فرمایید.

به طور عمومی اگر بخواهیم درباره نشانه‌های نوشتاری صحبت کنیم، اصولاً نشانه سرآغاز آشنایی یک جامعه با یک فعالیت، یک ارگان، یک فرد یا یک تخصص است. معادل تصویری نام یک ارگان، یک شخص، یک مؤسسه یا یک محل می‌شود نشانه آن. در گذشته، انسان‌ها متناسب با تخصصشان یک انگشتی داشتند و آن انگشت به طور موز می‌توانست بگوید که آن آقا مثلاً لحاف‌دوز است و هم‌زمان با مرگ او این انگشت می‌شکست. من فکر می‌کنم که اگر این انگشت‌ها از بین نمی‌رفت، ما گنجینه‌ای غنی از این تخصص‌ها و اسم آن‌ها داشتیم. همان‌طور که در خوشنویسی داریم؛ مثلاً میرزا حیدر گنده‌نویس که تخصص او خطی بوده که می‌نویشته و خارج از آداب و محک و معیار خط، و بزرگ‌تر می‌نویشته است. یعنی ما تعریف خیلی جامعی از این آدم داریم. نشانه‌نویشته از گذشته به صورت عمومی در جامعه وجود داشته است. چون کتاب داشته‌ایم، فعالیت داشته‌ایم، همه این‌ها وجود داشته است اما به صورت مدرن و آکادمیک ما این‌ها را از حرفه گرافیک گرفتیم و با آن‌ها آشنا شدیم. در سه یا حتی پنج دهه اخیر ما تخصص نشانه را از غرب یاد گرفتیم و تمام درسش چیزی است که همراه با گرافیک به کشورمان آمده است.

استادانی که به آن قوام بخشیدند

شما وقتی به
تاریخ آموزش
وفضای آرمانی
آموزش و کلاس
ودانشکده‌ها
ومکتب و
مدرسه‌ها
نگاه می‌کنید،
می‌بینید که دو
تا تخصص مورد
غفلت قرار گرفته
است؛ یکی
طراحی تایپ و
طراحی حروف
(تایپوگرافی) و
دیگری طراحی
نشانه

بانک سامان

تایپ فیس قبلی بانک سامان که
از فونتی ساده استفاده شده بود

بانک سامان
SamanBank

تایپ فیس تازه بانک سامان که به
وسیله دامون خانجانه طراحی گردید



اینکه به این بزرگوار سفارش داده می‌شده است.

از ظرفیت خط نهایت استفاده را
می‌کرده و کار می‌گرفته است.
دوره پهلوی اوج استفاده از خط نستعلیق بوده است.

وقتی ایشان برای یک محصول
عبارات و نشانه‌هایی می‌نوشتند، آیا این را که
نوع نوشته‌شان با آن محصول ارتباط دارد، در
نظر می‌گرفتند؟

به نکته بسیار خوبی اشاره کردید که به نظر من یکی از
سوء تفاهم‌های طراحی گرافیک است. باید بپذیریم که هر
تعریفی، هر کلمه‌ای، هر معنایی را نمی‌شود ترجمه کرد؛
مثلاً می‌توانید بگویید برای کتابی با مضمون حماسی از
کدام خط استفاده کنیم ولی اینکه شما بگویید از یک
خطی استفاده کنیم که خورشید را برساند، این به نظر
من برای گول زدن مشتری است و هیچ‌کدام از آن‌ها
مبنای علمی ندارد. مرحوم زرین خط هم که در آن دوره
می‌نوشتند مثلاً اشنو ویژه یا هما فیلتردار، اگر آن خط
را مرور کنید متوجه می‌شوید که داشته کار آن کارفرما
را راه می‌انداخته است؛ چون آن موقع هنوز گرافیک به
شیوه تخصصی مطرح نبوده است. در آن زمان، حتی به
کسانی که کار گرافیک می‌کردند می‌گفتند نقاش‌های

تبلیغاتی؛ یعنی طراح گرافیک جایگاهی نداشته است و
هنوز هم ندارد. بعضی‌ها خودشان برای خودشان این
جایگاه را می‌سازند. هنوز هم در مورد طراح گرافیک
در یک کمپین می‌گویند که آن کسی که استراتژی
را تعیین می‌کند از همه بالاتر است. ببینید در نظام
دیرینه، طراح گرافیک که خیلی هم باید ساکت باشد،
آن ته نشسته است. وقتی آقایان استراتژیست و مدیر
و کپی رایتر حرف‌هایشان را زدند، به او می‌گویند یک
گوشه بنشین و برای ما یک لوگو طراحی کن؛ مثلاً بانک
سامان. برای خود من این اتفاق‌ها زیاد افتاده است. مثلاً
بنویس بانک سامان؛ چون شما لوگو کار می‌کنید و من
هم لوگوی آن را طراحی کردم.

در نظام دانشگاهی چه کسانی به
نشانه‌نویسه رنگ و لعاب بیشتری دادند و چه
تلاش‌هایی کردند؟

در نظام دانشگاهی به‌طور مشخص مرحوم صادق
بریرانی، استاد هوشنگ کاظمی، استاد مجید بلوچ
و استاد محمد بهرامی پیش‌گامان نسل اول طراحان
گرافیک بودند. نشانه نوشتن به‌طور طبیعی در کارشان
بوده است نه به‌طور تخصصی. به خاطر اینکه این‌ها
شرکت‌هایی داشتند. این شرکت‌ها که در حقیقت محل
سفارش بوده است. کسی می‌آمده آنجا که بروشور
داشته یا می‌خواسته است محصولاتش را به‌صورت
آگهی در روزنامه معرفی کند. به او می‌گفته‌اند که چرا
شما اصلاً لوگو ندارید و او می‌گفته است خوب خودتان
لوگو برایمان بسازید. مثل نشانه‌نویسه پودر شوینده
سپید که کار استاد بلوچ است. در محیط دانشگاهی
که شما فرمودید به‌طور مشخص می‌توان نام مرحوم
مرتضی ممیز را عنوان کرد. از همان زمانی که گرافیک
در کشور ما به‌عنوان یک رشته تحصیلی مطرح شد
(فکر می‌کنم سال ۴۷ بود) با مشورت با مرحوم ممیز
و استاد احصایی واحد خوشنویسی و طراحی حروف را
هم داشتیم. کارگاه‌های تخصصی نشانه و پوستر را هم
داشتیم. طرز تهیه طرح جلد کتاب را داشتیم؛ یعنی
آن‌ها آمده بودند تخصص‌های گرافیک را جدا و در آنجا
مشخص کرده بودند که مثلاً دو واحد نشانه، هشت
واحد طراحی حروف و غیره.

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود و
آن این است که به‌رغم اینکه ما از دهه ۱۳۵۰
واحد تخصصی نشانه‌نویسه داشته‌ایم، چرا
نشانه‌نویسه‌نگار قوی نداشته‌ایم؟ یعنی هر دهه



بتوانید یک جمله را به سروسامان برساند.

آیا نظر شما این است که در این قسمت آموزش نقش ندارد و ذاتی است؟

اولاً به صورت عام مشکل گرافیک ما مشکل آموزش است. حالا که ما داریم درباره نشانه و نشانه‌های نوشتاری صحبت می‌کنیم، دقیقاً جای اصلی قصور و کوتاهی را پیدا کردیم. ما باید سیستم جذب هنرجو را داشته باشیم. به نظر من سیستم کنکور ما اشتباه است؛ یعنی ماهرترین کسانی که آماده‌ترین ذهن‌ها را برای حرفه‌های هنری دارند، بیرون دانشکده‌ها هستند. شما کمتر آدم متخصصی را پیدا می‌کنید که در حرفه‌های تخصصی دکترا داشته باشد. دکترا و مدارک را معمولاً کسانی دارند که تخصصی ندارند. در حرفه گرافیک بزرگ‌ترین مشکل ما تخصص نشانه و طراحی اصول مربوط به دانشگاه است.

به نظر شما که به عنوان یک طراح «نشانه‌نویسته» با خوشنویسی هم مانوس هستید، اکنون ما چه دستورالعملی را باید ارائه بدهیم که همکاران فرهنگی‌مان بتوانند حس زیبایی‌شناسی را به درستی از بچه‌ها که بتوانند در نشانه‌نویسته قوی بشوند، منتقل کنند؟ چند محور عمده را معرفی می‌کنید؟

ما هیچ وقت نیامده‌ایم مثل کشورهای پیشرفته خواص تصویری و زیبایی‌شناسی خط را معرفی کنیم؛ یعنی خطوط ایرانی و خطوط اسلامی و خطوط هفت‌گانه که بیشترین ظرفیت زیبایی‌شناسی را دارند. تمام این‌ها در طبیعت قرینه تصویری دارند؛ مثلاً «ی» معکوس را می‌گویند بر اساس گریه‌ماهی است. پس، یکی آشنا کردن بچه‌ها نه فقط با نستعلیق بلکه با انواع خطوط است. تأکید ما بی‌اندازه روی خواص نوشتاری حروف است. تحصیل‌کرده‌ترین آدم‌های ما با خط بیگانه و از آن فراری هستند. برای همین، یک خوشنویس را که می‌بینند احساس عجیبی می‌کنند. اما دو نکته

باید منتظر باشیم که کسی که در این زمینه حس درستی از انتظار کارفرما دارد، مبتنی بر ارزش‌های بنیادی فرهنگ ما، چیزی خلق کند. با وجود این همه فارغ‌التحصیل گرافیک چرا این خلأ وجود داشته است؟ سؤال دیگری هم دارم؛ مرز نشانه‌نویسته با تایپوگرافی کجاست؟

در حرفه گرافیک هر مبحثی کاری تخصصی است. شما وقتی به تاریخ آموزش و فضای آرمانی آموزش و کلاس و دانشکده‌ها و مکتب و مدرسه‌ها نگاه می‌کنید، می‌بینید که دو تا تخصص مورد غفلت قرار گرفته است؛ یکی طراحی تایپ و طراحی حروف (تایپوگرافی) و دیگری طراحی نشانه. یک دلیلش این است که برای جذب بچه‌ها به حرفه گرافیک به هیچ‌وجه معیاری به نام مهارت حروف وجود ندارد. الان اگر کسی بخواهد در حرفه گرافیک مورد پذیرش آموزش عالی قرار بگیرد لزوماً فقط امتحان طراحی می‌دهد. ما خطوطی داریم که در حقیقت تحریری هستند و خود جامعه -آهنگر، لحاف‌دوز و این‌ها- این خط را به وجود می‌آورند و می‌دهند به دست نخبگان و نخبگان آن را به اوج می‌رسانند. خطوطی هم داریم که تزئینی هستند و خود نخبگان و در حقیقت خطاطان آن‌ها را به وجود می‌آورند.

استنباط می‌کنم که یکی از مشکلات این است که دانشجوی ما پیشینه خوشنویسی یا خطنگاری جامعه خودش را نمی‌شناسد.

هم نمی‌شناسد هم کار با عناصر نوشتاری کار مهمی است. تخصص طراحی حروف و طراحی تایپ تخصصی غریزی است و آدمی را می‌خواهد که هم بر ناخودآگاه مسلط باشد و هم بر خودآگاه. تخصص‌هایی مثل تخصص طراحی، تایپ و طراحی خط و در حقیقت دو یا چند تا تخصص را با هم و به طور موازی پیش ببرد. هوش و حواسی می‌خواهد که نزد همگان نیست؛ تخصص طراحی حروف و خوشنویسی و خطاطی. بین خطاطی و خوشنویسی و تایپوگرافی و این‌ها تفاوت هست. اصولاً کسی که کار خط و تولید طراحی خط می‌کند، باید هم مهارت‌های دیداری داشته باشد هم مهارت‌های نوشتاری. چون عناصر نوشتاری هم دیده می‌شوند و هم خوانده می‌شوند. من احساس می‌کنم شما باید تسلط خاصی داشته باشید تا بتوانید عناصری را به وجود آورید که هم در خواندن مشمول مطالعه سریع بشوند (به عنوان یک خط مطرح بشود) و هم اینکه در دیدار اوضاع درست و حسابی داشته باشد؛ یعنی



نشانه‌نویسته «شان اردیبهشت»



نشانه‌نویسته گروه فرهنگی «نون»



امضا شخصی طراح



نشانه‌نوشته خودروی «کوبیک»

شیوه‌ای داریم
که به آن فیوژن
(fusion)
می‌گویند؛ یعنی
تایپ و تصویر
با هم ترکیب
می‌شوند. یعنی
این دو یک
پیکره واحد
می‌شوند و
دیزاینی ارائه
می‌گردد

هست: تصویر از تایپ و تایپ از تصویر. یعنی حروف به مثابه تصویر (آراستن کلمه)؛ تصویر به مثابه حروف. ما چند نوع هم‌نشینی تصویر و نوشتار با هم داریم. عناصر تصویری، عناصر نوشتاری، تایپ، تصویر. یک نوع هم‌نشینی تایپ و تصویر داریم که به آن سپریشن (separation) می‌گویند؛ یعنی در یک محیط، در یک کار گرافیکی و در یک شیب گرافیکی که داریم، تایپ اینجا تصویر و در حکم یک پوستر است. این یک شیوه جداست، یعنی هر دو تا در یک پوستر وجود دارند ولی از هم جدا هستند. شیوه‌ای داریم که به آن فیوژن (fusion) می‌گویند؛ یعنی تایپ و تصویر با هم ترکیب می‌شوند. یعنی این دو یک پیکره واحد می‌شوند و دیزاینی ارائه می‌گردد. به یک شیوه دیگر می‌گویند که یک جایی شما آمدید یک گلی را همه‌اش را با حرف الف تزئین کردید مثل کارهای قربانعلی اجلی. در حقیقت، در سنت خوشنویسی ما شیوه گلزار داریم؛ به جای اینکه بیرون آن محیط، خط تصویر بشود همه آن عناصر می‌آید در دل اندام‌های خط. در جواب اینکه چه کنیم تا این کتاب‌ها غنی بشوند این است که باید درباره خواص الفبایی اشیا و در حقیقت برعکس آن خواص تصویری حروف و الفبا بحث کنیم. این دو تا و سوم اینکه انواع هم‌نشینی و هم‌جواری عناصر نوشتاری و عناصر تصویری را کار کنیم. یک معلم هنر که با کلاسش گرفتار است، همین سؤال و جواب آخری ما را ببیند راه برایش مشخص می‌شود. سال را می‌تواند سه قسمت کند؛ بخشی از سال را بر بحث نوشتاری تأکید کند. یک بخش دیگر هم، همان بحث نوشتاری را بگذارد وسط هم راجع به چیزهای دیگر صحبت کند.

عنوان‌نوشته خوب در فرهنگ ایرانی
چه مزایایی باید داشته باشد؟ به‌عنوان یک دبیر
هنر در یک عنوان‌نوشته قوی چه ویژگی‌هایی
را باید ارائه کنیم تا دارای مزایای زیباشناختی
باشد؟

نشانه‌نوشته همان‌طور که از اسمش هم مشخص است، در حقیقت دیزاینی است که روی حروف انجام می‌شود. رعایت دو نکته کلیدی می‌تواند نشان‌نوشته را به یک نشان‌نوشته اعلا تبدیل کند: ۱. هماهنگی و همخوانی با رسم‌الخط رسمی کشور؛ بسیاری از نشان‌نوشته‌های ایرانی با بریدن حروف لاتین درست شده‌اند. نشان‌نوشته‌هایی محکم هستند که به لحاظ استفاده از عناصر نوشتاری مطابق رسم‌الخط رسمی کشور و با توجه به خطوط کلاسیک پذیرفته شده در کشور

باشند؛ ۲. ساخت‌وساز این نشانه با منطق تجسمی و در حقیقت استدلال‌های منطقی تصویری باشد. مثلاً نشان‌نوشته نوشابه زمزم. زمزم زمانی که صادر شد برگشت خورد؛ چون به‌گونه‌ای خوانده می‌شد که معنای خوبی نداشت. منطق تجسمی و رعایت آن وجود داشته و طراحی هم زیبا بوده است ولی مطابق با رسم‌الخط کشور نیست. همان‌طور که شما «ط» را برعکس کنید «تی» نمی‌شود. در جنگ روسیه و افغانستان، افغان‌ها از حلب‌های ماشین‌ها و بمب‌ها و ترکش‌ها داس و چکش می‌ساختند و زندگی می‌کردند. ما آن جوری شدیم. اعراب بسیار بدتر؛ چون خط آن‌ها مهم‌تر است. به نظر من عربی زبان کامل دنیا و یکی از بهترین خطوط دنیاست. برای اینکه خطشان شبیه خط لاتین بشود آن را مضحکه کرده‌اند. واقعاً شش لاتین را برمی‌گردانند و «واو» می‌سازند!!

اگر اصول دیگری برای عنوان‌نوشته
قوی هست بفرمایید؟

۱. مطابق قوانین خطوط کلاسیک یک کشور و از همه مهم‌تر در مجموع مطابق شیوه خط رسمی کشور باشد. ۲. ساخت‌وساز این نشانه باید از منطق تجسمی بین‌المللی، منطق تجسمی دانشگاهی، و منطق محلی و لوژیک پیروی کند؛ مثلاً در شیشه سه‌جداره و پنجره سه‌جداره شما از چه خطی استفاده می‌کنید که بتوانید پنجره و سه‌جداره بودن را تداعی کنید و کالای شیشه را به جای فولاد نشان دهید؟ می‌توانیم بگوییم طراحی نشانه عرصه زورآزمایی در طراحی گرافیک است.

چگونه ویژگی‌های یک عنوان‌نوشته
را برای دانش‌آموزان تشریح و تدوین کنیم؟

اولاً نمونه‌هایی را باید برای بچه‌ها برشمرد که عمری از آن‌ها گذشته باشد. من ترجیحاً دوست دارم، معلم در کلاس نشانه‌هایی را توضیح بدهد که عمری از آن‌ها گذشته باشد و تغییر نکرده باشد؛ یعنی جامعه این‌ها را پذیرفته باشد. نشانه اکثر بانک‌های ما تغییر کرده است؛ یعنی جامعه امروز نمی‌تواند مثلاً نشانه بانک رفاه را بپذیرد. به نظر من روزنامه کیهان یکی از زیباترین نشانه‌هاست. اصلاً خط خالی نیست و پر از گرافیک است. سرکش کوتاه شده؛ الفی که به مد چسبیده بلند است اما اینجا کوتاه شده است. روزنامه کیهان و اطلاعات زیباترین نشانه‌های تاریخ مطبوعات در ایران هستند؛ چون هم منطق تجسمی‌اش را دارند، یعنی همان دو عامل، و هم مطابق خط کلاسیک مردم



یک آدم حافظه دیداری قوی است؛ یعنی یک معلم هنر باید مغزش بانک جامعی از اشارات تصویری و نوشتاری باشد.

شما چه منابعی را پیشنهاد می کنید؟
به نظر من هر کسی امروزه توانایی این را دارد از نشانه های نوشتاری شهر عکس برداری کند؛ به ویژه از نشانه های سی سال قبل.

شما چه منابعی را برای دبیران هنر که گفتید با ریشه های خوشنویسی آشنا نیستند معرفی می کنید تا بتوانند به آن ریشه ها بهتر دست پیدا بکنند؟

من طراحی هستم که اعتقاد دارم شما شهر را باید درست بشناسید. مردم اصلی کسانی هستند که توی مترو و اتوبوس نشسته اند. شما وقتی تایپ طراحی می کنید به عنوان یک تایپ دیزاینر احساس می کنید با آن تایپ قشر بخصوصی سر و کار دارند. شما فکری به حال چشم مردم بکنید. نوشتار را برای مردم ساده کنید. به نظر من سه جا در کشور در مورد نوشتار کوتاهی می کنند. اول انجمن خوشنویسان که باید از ابتدا تا به حال عملکرد خودش را روی میز بگذارد و بگوید که در این حوزه چه کار کرده است. بله، در هر کوی و برزن معلم خوشنویسی هست و دارد درس می دهد. یک سری ممتاز هستند ولی امروزه هر کسی با هر سطحی دارد خط درس می دهد. دوم دانشکده های گرافیک و سوم مهم تر از همه، آموزش و پرورش. ما باید متعجب باشیم که داریم از اقلام عربی برای کتاب های عادی مان استفاده می کنیم. تایپ شبکه سه و زیرنویس های شبکه های تلویزیونی هماهنگی با فرهنگ نوشتاری مردم ایران ندارد. می توان با برنامه ریزی به نوشتار و طراحی حروف بیشتر توجه کرد.

از شما برای شرکت در این گفت و گو تشکر می کنیم.

هستند. مطابق رسم الخط رسمی کشور هم هستند. هیچ چیز غلطی در آن ها نیست و جامعه آن ها را پذیرفته است. سال ها از عمر عنوان نوشته «کتاب اول» خط استاد احصایی گذشته و جامعه این را پذیرفته است. در تهران شما فرض کنید در خیابان آفریقا آدیداس، شرکت های هواپیمایی های مختلف، برندهای لباس و کالاهای مختلف را می بینید اما زیباترین نشانه در این راستا، نشانه طلافروشی گوهرین است؛ یک نستعلیق ساده ولی به غایت لاکچری. پرسیدند واقعاً خط لاکچری ما چیست؟ گفتم: «خط لاکچری و اشرافی ایرانی ها خط نستعلیق است». می دانید که در طلافروشی گوهرین قیمت ها خیلی بالاست. خط نستعلیق زیبایی با یک جلوه طلایی رنگ روی پیشانی آن مغازه است. شما که از این خیابان در حال رد شدن هستید، احساس می کنید هیچ کدام از کلمات «آدیداس»، «منگو»، «زارا»، «نایک» آن حسی را که درون مردم ما هست، ندارد. برای همین، وقتی هر کدام از آن ها را می خوانید، احساس می کنید که یک نمونه فارسی با خطوط انگلیسی درست شده است.

چرا نشانه نوشته رو به تزاید است؟ عنوان نوشته نه به مفهومی که همه مبانی زیباشناختی خط در آن رعایت شده باشد. اما یک حرکت جهانی داریم که نشانه نوشته بر اساس عناصر نوشتار رو به تزاید است. چرا؟

به خاطر اینکه صنعت در حال پیشرفت است و برندها در حال افزایش است. به خاطر اینکه الان برندها هم دارند می آیند. اگر شما بپذیرید هر فعالیتی اقتصادی دارد و آن اقتصاد باید به سامان باشد و روی پا بایستد، به غایت از تمام ظرفیت های تبلیغات استفاده می کند. یکی از اصلی ترین هایش نشانه نوشته است. بعضاً شما می بینید که مثلاً خیلی از مردم، تبلیغ یا تیزر خیلی از کالاها را یادشان نیست ولی لوگو و عنوان نوشته و نشانه نوشته یادشان است. این خیلی مهم است. به نظر من هر مقوله ای که اهمیت پیدا می کند و در حقیقت مشمول نظام بیزینس می شود، حتماً در کمپین و تبلیغات خودش ناچار و ناگزیر است که یک نشانه نوشته برای خودش داشته باشد.

سخن آخر با دبیران هنر درباره نشانه نوشته و جاری کردنش در کلاس!

لازم است دبیران هنر عناصر نوشتاری کشور خودشان را بیشتر بشناسند. بزرگ ترین منابع، بزرگ ترین سلاح

نشانه نوشته هایی
محکم هستند
که ۱. به لحاظ
استفاده از عناصر
نوشتاری مطابق
رسم الخط رسمی
کشور و با توجه به
خطوط کلاسیک
پذیرفته شده
در کشور باشند؛
۲. ساخت و ساز
این نشانه با
منطق تجسمی
و در حقیقت
استدلال های
منطقی تصویری
باشد



تحلیل

شیوه‌ها و روند ارزشیابی

درس‌های فرهنگ‌و‌هنر و کاروفناوری پایه هفتم،
در استان خراسان رضوی

مجتبی خاکشور

دبیر هنر منطقه کوه سرخ کاشمر

مهران هوشیار

هیئت علمی دانشگاه سوره

محسن شهرستانی

کارشناس ارشد پژوهش هنر

اشاره

در این تحقیق به مباحث ارزشیابی و تدریس درس‌های مرتبط با هنر و به‌خصوص رشته صنایع‌دستی در دو درس «فرهنگ و هنر» و «کار و فناوری» پایه هفتم، و نیز رویکردهای ارزشیابی معلمان، رویکردهای برنامه درسی ملی و اهداف و اصول ارزشیابی از دید کارشناسان و دبیران مربوطه پرداخته‌ایم. قلمرو مکانی تحقیق، استان خراسان رضوی و زمان آن سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بوده است.

علی‌رغم کیفی بودن این پایان‌نامه، برای نیل به هدف پژوهش، انجام کارهای آماری و بررسی ویژگی‌های معلمان هنر و کار و فناوری مورد نیاز بود. ارائه گزارشی از این روند و آگاهی از ویژگی‌های دبیران این درس‌ها، به‌خصوص معلمان هنر استان خراسان رضوی، می‌تواند به‌عنوان مُمّتی از خروار بیانگر ویژگی‌های این دبیران باشد. از این‌رو به نتایج حاصل از بررسی این ویژگی‌ها می‌پردازیم. ویژگی‌های مذکور از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شده و با کمک نرم‌افزار SPSS۲۳ مورد پردازش قرار گرفته است.

کلیدواژه: ارزشیابی، آموزش هنر، کتاب پایه هفتم فرهنگ و هنر

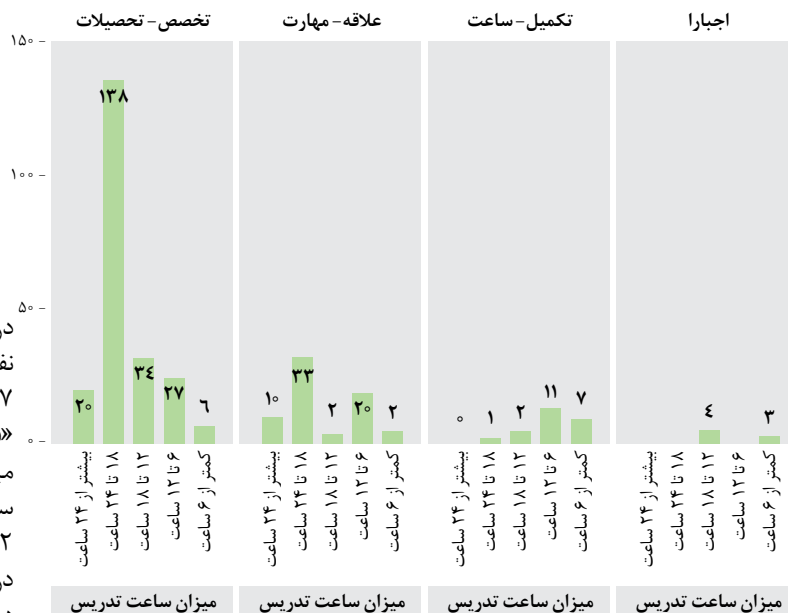
مقدمه

به‌خصوص ارزشیابی (که رکنی اساسی در روند آموزش است) و دادن یک مسیر مشخص و واضح و عملی به معلم در امر ارزشیابی، متناسب با سند تحول بنیادین و اهداف برنامه درسی، می‌تواند ضمن بالا بردن اعتبار ارزشیابی مدرس، به پیشرفت هر چه بیشتر دانش‌آموز و قرار گرفتن او در مسیر مشخص و درست، که هدف برنامه درسی است، منجر شود.

وجود شیوه‌ای مشخص و کارآمد در ارزشیابی سبب خواهد شد تا تمامی معلمان که به تدریس این دو درس مشغول‌اند بتوانند به شیوه‌ای اصولی و درست، روند ارزشیابی خود را پیش ببرند. به‌علاوه اگر معلم شیوه‌ای

با نگاهی به اهمیت درس‌های «فرهنگ و هنر» و «کار و فناوری» در زندگی آینده و تعیین شغل محصلان امروز می‌توان دریافت که شیوه تدریس و آموزش و همچنین ارزشیابی‌های صورت گرفته در روند این دو درس می‌تواند بر کشف علاقه و استعدادهای دانش‌آموزان کنونی و آینده‌سازان این جامعه بسیار مؤثر باشد. از سویی با تغییر نظام آموزشی کشور، کتاب‌های دو درس مذکور مورد بازنگری‌های اساسی قرار گرفته و دچار تغییرات کلی گردیده است.

به‌کارگیری یک شیوه منسجم و کارآمد در تدریس و



نمودار ۱. مقایسه رشته تحصیلی دبیران و ساعات تدریس آنان

درست را در ارزشیابی اتخاذ کند باید برای رسیدن به آن هدف شیوه تدریس درست و مناسبی را نیز انتخاب نماید تا به نتیجه مطلوب در ارزشیابی دست یابد.

روش

بر اساس آمار رسمی، در سال ۹۶-۱۳۹۵، در استان خراسان رضوی، در مجموع، ۱۰۹۷۰ کلاس درس در دوره متوسطه اول دایر بوده است با در نظر گرفتن این موضوع و اینکه ساعات موظف هر معلم در هفته ۲۴ ساعت است و همچنین ساعات مربوط به درس‌های «فرهنگ و هنر» و «کار و فناوری» در هفته، که ۲ ساعت است، می‌توان نتیجه گرفت که تقریباً ۹۱۲ معلم فرهنگ و هنر و ۹۱۲ معلم کار و فناوری و در مجموع ۱۸۲۴ نفر در این دو درس در استان مشغول به تدریس بوده‌اند. از این‌رو، با توجه به گستردگی تعداد جامعه آماری تحقیق و گستردگی جغرافیایی استان، بر اساس فرمول کوکران (هوشیار و افتخاری‌راد، ۱۳۹۱: ۱۵۸) تعداد ۳۲۰ نفر از معلمان فرهنگ و هنر و کار و فناوری در استان خراسان رضوی تعیین گردیدند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری

طبق یافته‌های پژوهش ۷۴ درصد از پاسخ‌دهندگان در محدوده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال بوده و ۱۳۲ نفر از کل جمعیت نمونه را معلمان با تخصص در تدریس هنر (تقریباً ۴۴ درصد) و ۱۴۱ نفر را معلمان متخصص در تدریس کار و فناوری (در حدود ۴۱ درصد) تشکیل می‌داده‌اند. سایر معلمان، در جامعه آماری، تخصصی در غیر از این دو درس داشته‌اند. تقریباً ۷۳ درصد معلمان بین ۱۵ تا ۳۰ سال سابقه تدریس داشتند و در نیمه دوم عمر کاری خود بودند.

حدود ۷۰ درصد معلمان دارای مدرک کارشناسی و ۲۱ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. همچنین از کل تعداد جامعه آماری، ۲۲۵ دبیر (۷۰/۳۱ درصد) داشتن تخصص و تحصیلات مرتبط، ۶۷ نفر (۲۰/۹۴

درصد) داشتن علاقه و مهارت در یک رشته مرتبط، ۲۱ نفر (۶/۵۶ درصد) تکمیل ساعات موظفی خود در هفته و ۷ نفر (۲/۱۹ درصد) اجبار را دلیل در تدریس درس‌های «فرهنگ و هنر» و «کار و فناوری» می‌دانسته‌اند. از لحاظ میزان تدریس هفتگی دبیران، ۵/۶ درصد کمتر از ۶ ساعت، ۱۸/۱ درصد بین ۶ تا ۱۲ ساعت، ۱۳/۱ درصد ۱۲ الی ۱۸ ساعت، ۵۳/۸ درصد ۱۸ تا ۲۴ ساعت و ۹/۴ درصد بیشتر از ۲۴ ساعت در هفته مشغول به تدریس در دو درس مذکور بودند.

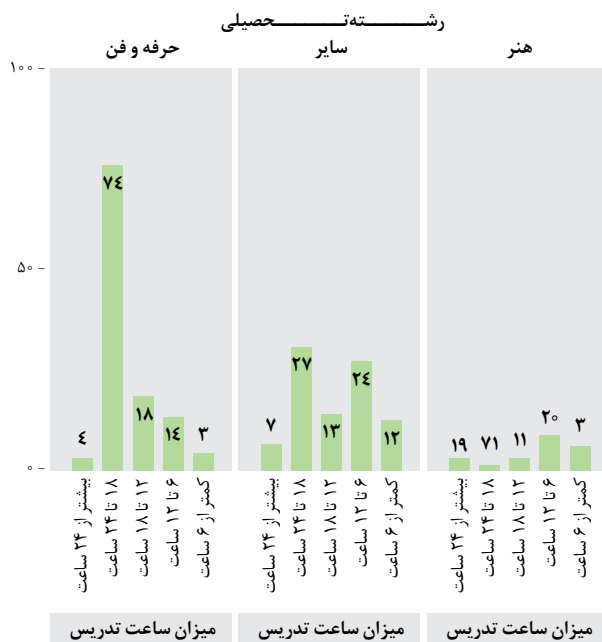
طبق نمودار ۱ از مقایسه رشته تحصیلی و ساعات تدریس می‌توان دریافت در میان دبیرانی که تحصیلات تخصصی هنر داشته‌اند تعداد ۳ نفر (۲/۴۲ درصد) کمتر از ۶ ساعت، ۲۰ معلم (۱۶/۱۳ درصد) ۶ تا ۱۲ ساعت، ۱۱ دبیر (۸/۸۷ درصد) ۱۲ تا ۱۸ ساعت، ۷۱ معلم (۵۱/۲۶ درصد) ۱۸ تا ۲۴ ساعت و ۱۹ نفر (۱۵/۳۲ درصد) بیشتر از ۲۴ ساعت در درس تخصصی مشغول به تدریس بوده‌اند.

از میان معلمان که تحصیلات تخصصی کار و فناوری داشته‌اند نیز ۳ نفر (۲/۶۵ درصد) کمتر از ۶ ساعت، ۱۴ نفر (۱۲/۳۹ درصد) ۶ تا ۱۲ ساعت، ۱۸ نفر (۱۵/۹۳ درصد) ۱۲ الی ۱۸ ساعت، ۷۴ نفر (۶۵/۴۹ درصد) از ۱۸ تا ۲۴ ساعت و ۴ نفر (۳/۵۴ درصد) بیشتر از ۲۴ ساعت در هفته درس «کار و فناوری» تدریس می‌کردند.

از سایر معلمان که تخصصی در این دو رشته نداشتند و تحصیلاتشان در دسته‌بندی سایر قرار گرفته است، نیز ۱۲ نفر (۱۴/۴۶ درصد) کمتر از ۶ ساعت، ۲۴ نفر (۲۸/۹۲ درصد) بین ۶ تا ۱۲ ساعت، ۱۳ نفر (۱۵/۶۶ درصد) ۱۲ الی ۱۸ ساعت، ۲۷ نفر (۳۲/۵۳ درصد) ۱۸ تا ۲۴ ساعت و ۷ نفر (۸/۴۳ درصد) بیشتر از ۲۴ ساعت در هفته در یکی از دو درس‌های مذکور در حال تدریس بوده‌اند.

به‌طور کلی، از یک طرف، در میان دبیران متخصص هرکدام از درس‌ها، بیشتر از ۳۰ درصد دبیران کار و فناوری و بالغ بر ۲۷ درصد معلمان هنر کمتر از ۲۴ ساعت در هفته به تدریس تخصصشان مشغول بوده‌اند و از طرف دیگر افزون بر ۴۰ درصد دبیران غیر تخصصی ۲۴ یا بالاتر از ۲۴ ساعت در هفته در حال تدریس این مواد درسی بوده‌اند.

با مقایسه دلیل انتخاب تدریس فرهنگ و هنر و کار و فناوری و میزان ساعات هفتگی دبیران، طبق نمودار ۲ می‌توان دریافت کرد که از میان معلمان که تخصص و تحصیلات دانشگاهی را دلیل انتخاب تدریس عنوان کرده‌اند، ۲/۶۷ درصدشان کمتر از ۶ ساعت، ۱۲ درصد ۶ تا ۱۲ ساعت، ۱۵/۱۱ درصد ۱۲ تا ۱۸ ساعت، ۶۱/۳۳



نمودار ۲. مقایسه دلیل انتخاب تدریس و میزان ساعات هفتگی تدریس

این درس؛ تعدادی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها جدا شود و به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی ارزشیابی در اختیار مدرسان قرار گیرد. بر همین اساس تعداد ۳۰ مؤلفه بر اساس نظرات دبیران مشخص گردید و با پردازش این مطالب و بررسی انواع آزمون‌های کاربردی و مختلف، درنهایت استفاده از آزمون‌های عملکرد در پایان هر بخش از کتاب در کنار سنجش تکوینی و مستمر و همچنین تهیه پوشه کار دانش‌آموز به‌عنوان یک روش سنجش مناسب فعالیت‌های هنری معرفی گردید.

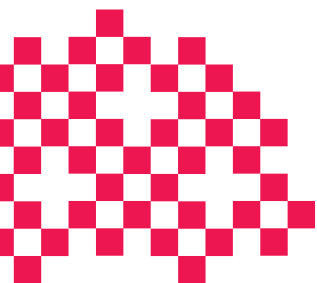
آزمون‌های عملکردی به آن دسته از آزمون‌هایی گفته می‌شود که فرایند و نتایج یادگیری دانش‌آموزان را به‌طور مستقیم مورد سنجش قرار می‌دهد. این نوع آزمون‌ها با دانش و مهارت سروکار دارند، یعنی در آن‌ها موقعیتی فراهم می‌شود که دانش‌آموز آنچه را که از مهارت و دانش کسب کرده است بتواند از خود بروز دهد و لذا ابزار بسیار خوبی برای آگاهی از میزان شناخت و مهارت دانش‌آموز است. علاوه بر این در این نوع آزمون هر نوع فعالیت یا کار خلاقانه دانش‌آموز که از طریق آن می‌تواند آنچه را آموخته است به نمایش بگذارد یا بیان کند، مورد توجه قرار می‌گیرد (حمزه‌بیگی، ۱۳۹۲). آزمون‌های عملکردی که با توصیفی شدن ارزشیابی در دوره ابتدایی مورد توجه قرار گرفت، می‌تواند در ارزشیابی فعالیت‌های هنری نیز کاربرد فراوانی داشته باشد. همچنین به‌طور قطع ارزشیابی پایان نوبت، تأثیری بر روند آموزش معلم نخواهد داشت و ارزشیابی مهم‌تر و معتبرتر، زمانی روی می‌دهد که معلم به‌طور مستمر (تکوینی)، ارزشیابی خود را انجام دهد و بر اساس نتایج آن، نقشه راه خود در تدریس را ترسیم نماید. به‌علاوه، معلم با تهیه پوشه کار برای دانش‌آموز می‌تواند تصویری روشن و واضح از روند پیشرفت وی ترسیم نماید تا بدین‌وسیله ارزشیابی بهتر و ارزشمندتری را انجام دهد. این پایان‌نامه در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۸ توسط اساتید محترم آقایان کاوه تیموری و عبدالکریم عطارزاده در دانشکده صنایع‌دستی و هنرهای اسلامی دانشگاه سوره مورد داوری قرار گرفته است.

درصد ۱۸ تا ۲۴ ساعت و ۸/۸۹ درصد بیشتر از ۲۴ ساعت در هفته مشغول به تدریس بوده‌اند. معلمانی که داشتن علاقه و مهارت در رشته‌ای مرتبط را دلیل انتخاب تدریس می‌دانسته‌اند، ۲/۹۹ درصدشان کمتر از ۶ ساعت، ۲۹/۸۵ درصد ۶ تا ۱۲ ساعت، ۲/۹۹ درصد ۱۲ تا ۱۸ ساعت، ۴۹/۲۵ درصد ۱۸ تا ۲۴ ساعت و ۱۴/۹۳ درصدشان بیشتر از ۲۴ ساعت در هفته تدریس داشته‌اند.

میزان تدریس دبیرانی که به جهت تکمیل ساعات موظفی هفتگی خود تدریس درس‌های مذکور را پذیرفته بودند، بدین‌صورت بوده است: ۳۳/۳۳ درصد کمتر از ۶ ساعت، ۵۲/۳۸ درصد ۶ تا ۱۲ ساعت، ۹/۵۲ درصد ۱۲ تا ۱۸ ساعت، ۴/۷۶ درصد ۱۸ تا ۲۴ ساعت در هفته. درنهایت از میان معلمانی که اجباراً مشغول تدریس «فرهنگ و هنر» و «کار و فناوری» بوده‌اند ۴۲/۸۶ درصد کمتر از ۶ ساعت و ۵۷/۱۴ درصد ۱۲ تا ۱۸ ساعت در هفته تدریس داشته‌اند.

با توجه به این آمارها به‌طور کلی می‌توان دریافت که بالغ‌بر ۸۲ درصد معلمان هنر استان خراسان رضوی دارای تخصص در این زمینه هستند و با در نظر گرفتن این مهم که ۹۱ درصد آنان از مدرک کارشناسی و بالاتر برخوردارند باید اذعان داشت که این استان در زمینه ارتقای کیفیت آموزشی درس هنر گام بلند و مثمر ثمری برداشته است. اما با توجه به بالا بودن سن دبیران این درس‌ها که عموماً سابقه بالای ۱۵ سال تدریس (در حدود ۷۳ درصد معلمان) را دارند، اگر با جوان‌گرایی و تأمین نیروی مورد نیاز پیش‌بینی‌های لازم صورت نگیرد، می‌تواند این استان را در سالیان پیش رو با مشکلات زیادی در تأمین نیروی متخصص مواجه نماید. به‌علاوه با نگاهی به نمودارهای ۱ و ۲ ضرورت برنامه‌ریزی بهتر کارشناسان مناطق جهت سامان‌دهی نیروهای متخصص این دو درس در استان خراسان رضوی احساس می‌شود؛ چراکه طبق این تحقیق از یک سو دبیران متخصصی وجود دارند که کمتر از ۲۴ ساعت در هفته تدریس می‌کنند از سوی دیگر تعدادی دبیران غیرتخصصی وجود دارند که بعضاً بیشتر از ۲۴ ساعت در هفته مشغول به تدریس این دو ماده درسی‌اند.

اما مسئله بعدی در این پایان‌نامه، ارزشیابی تحصیلی دانش‌آموز بر اساس الگوی مناسب و کارآمد است. برای رسیدن به این الگوی مناسب تلاش شد تا با مطالعه دقیق برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین و همچنین رویکردهای حاکم بر این درس‌ها، مؤلفه‌هایی جهت ارزشیابی دانش‌آموزان استخراج شود و با نظر دبیران



منابع

۱. حمزه‌بیگی، طیبه؛ احمدی، آمنه؛ رستگار، طاهره؛ طاهری، حسن؛ فیروزبخش، فیروزه؛ یاسینی، زهراسادات. (۱۳۹۲). راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
۲. هوشیار، مهران و افتخاری راد، فاطمه (۱۳۹۱). پژوهش، حقیقت دانش. تهران: مشکوه دانش.



هنر در ساحل همیشه آفتابی

گفت‌وگو با دبیران هنر
استان بوشهر

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

اشاره

هنر و آموزش هنر در آیینه فرهنگ و محیط اجتماعی دارای جاذبه‌هایی است که مطالعه و بررسی آن برای هر پژوهشگری دلچسب و گوارا خواهد بود. تنوع اقلیمی ایران و به تبع آن تنوعی از زیرمجموعه‌های هنری پایا در فرهنگ اصیل ایرانی، خوشبختانه، سرمایه‌ای بسیار غنی از داشته‌های دلنشین را در سطح کشور برای ما فراهم آورده است. بارها نوشته‌ایم که سیالیت هنر به گونه‌ای است که اگر شیوه‌های آموزش آن بر بستر محیط اجتماعی و فرهنگی هر اقلیم با ابتکارات و خلاقیت دبیران هنر همراه شود شکوفایی بسیار به همراه خواهد آورد. این نکته مهم و ویژگی برجسته‌ای است که برای القای لطافت‌های هنری در روح و جان دانش‌آموزان، می‌تواند دست‌مایه دبیران ارجمند هنر در سراسر ایران باشد. این بار در گفت‌وگویی صمیمانه که با دبیران هنر استان بوشهر انجام داده‌ایم، به واکاوی و شناخت بهتر تلاش این بزرگواران پرداخته‌ایم که اینک به تلخیص آن را تقدیم شما خوانندگان محترم می‌نماییم. از سرکار خانم رضوانی سرگروه هنر استان بوشهر و همکاران گرامی آموزش و پرورش که زمینه‌مساعدی برای انجام این گفت‌وگو فراهم کردند کمال تشکر به عمل می‌آید.

در مجله رشد آموزش هنر : ما خیلی علاقه‌مندیم که دامنه کار را وسعت دهیم و از تهران‌زدگی پرهیز کنیم. فکر می‌کنم با سرمایه بسیار غنی که در استان بوشهر وجود دارد، هم به لحاظ هویت تاریخی و هم به لحاظ غنای فرهنگی، درس هنر زمینه مستعدی داشته باشد اما اینکه در عمل چه اتفاقی می‌افتد، بحث دیگری است. درس هنر به‌عنوان مبحثی بسیار ظریف با گوشه‌های روح انسان مرتبط است و با سرمایه و غنایی که در شهر بوشهر از دریا و آب‌وهوای لطیف و غیره گرفته است، باید روایت متفاوتی از همکاران خوب در کلاس‌های هنر داشته باشیم. مهم‌ترین تجربه‌ای که از سفرهای استانی اندوخته‌ام، این بود که دیدم همکاران تدریس هنر را بر بستر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی استان خودشان استوار کرده‌اند. به همین دلیل، می‌بینیم در هر دیاری هنر و تدریس آن رنگ و بوی خاص خود را دارد. اینکه کتاب درسی از مرکز می‌آید و شما آن را در شهر خودتان با حال و هوای محلی هماهنگ و سازگار می‌کنید، به ابتکار خود شما برمی‌گردد. خواهش من این است که با استفاده از مجله رشد آموزش هنر که رسانه آموزشی جدی در عرصه تعلیم و تربیت هنری است، از تجارب همکاران در سرتاسر کشور استفاده کنیم. لذا ضمن تشکر، سرکار خانم رضوانی (سرگروه هنر استان) اطلاعات اولیه را ارائه کنند.

ماندانا رضوانی عزیزانی که در اینجا حضور دارند می‌دانند که اهمیت درس هنر برای خود ما چقدر زیاد است. مشکل خیلی از همکاران ما این است که به دروس پایه و تخصصی و فنی اهمیت بیشتری داده می‌شود. هر چند دوست ندارم این مسئله را بیان کنم ولی امیدوارم هیچ‌گاه درس هنر فدای دروس دیگر نشود. مورد دیگر این است که متأسفانه تعداد دبیران تخصصی ما کم است.

چه تعدادند؟

رضوانی از کل ۶۰ نفری که هنر تدریس می‌کنند، فکر نمی‌کنم یک‌چهارم آن‌ها متخصص باشند. نیروی تخصصی کمتر داریم. البته در

هنرستان‌ها فکر نمی‌کنم این مشکل را داشته باشیم. همان‌طور که خودتان هم فرمودید، کتاب هنر در گذشته به دو بخش طراحی و نقاشی و خوشنویسی محدود بود. از ابتدایی این‌گونه بود که دبیران کاغذ جلوی دانش‌آموز می‌گذاشتند و می‌گفتند نقاشی بکشید. من خوشحالم که این مسئله رو به بهبود است و به نسبت به درس هنر اهمیت و بها داده می‌شود. ساختار تألیف کتب گسترده شده است. شاخه‌های هنری زیادی داریم. در همایشی که در بیرجند برگزار شد و همکاران حضور داشتند، سرگروه‌های تمام استان‌ها این مسئله را مطرح کردند که وقتی کتاب چندرشته‌ای می‌شود، کار قدری مشکل می‌شود. وقت کم می‌آید و همه این مسئله را دارند؛ چون هر کدام از رشته‌های هنر نیازمند زمان زیادی است تا آموزش‌گیرنده تخصص پیدا کند ولی این‌طور که پیدا بود، هدف این نیست که از دانش‌آموزان هنرمند بسازیم و آشنا کردن دانش‌آموزان کفایت می‌کند. نه دانش‌آموزان توقعی از ما دارند و نه کتاب چنین هدفی دارد؛ فقط باید آشنا شوند. بهتر است در استان‌ها این کار به شکل تخصصی درباره هنر صورت گیرد. خوشبختانه در استان، برنامه عملیاتی دبیرخانه کشوری را به ما دادند که طراحی درس آزاد با موضوع یکی از هنرهای استان بود. من با چند تن از همکاران نشست برای این کار داشتیم و موضوعی که انتخاب شد «موزه‌ها» بود که جزء موضوعات پیشنهادی ما بود. البته من موضوعات پیشنهادی دیگری هم داشتم. پیشنهاد اول من دست‌سازه‌هایی بود که با استفاده از سرمایه‌های استانی‌ای که داریم ساخته می‌شود، دست‌سازه‌هایی از برگ درخت خرما، عباپافی و کارهای دستی. پیشنهاد دوم من هنرهای آوایی بود که خیلی از این نظر اینجا سرمایه‌دار هستیم. مورد سوم هم میراث فرهنگی بود که یکی از شاخه‌های آن، موزه‌ها بود. ما فرستادیم و آن‌ها این را انتخاب کردند. الان همکاران در تلاش‌اند که طراحی درس آزاد در این زمینه داشته باشند. در بازدیدهایی که می‌رویم، در نمایشگاه‌ها و بازارچه‌ها استفاده زیادی از درس‌های کار و فناوری و هنر می‌شود و این در مناطق خیلی زیاد است. من از این بابت ذوق دارم که مناطق می‌توانند از سرمایه‌هایی که دارند استفاده کنند. همان‌طور که در بازدید از کنگان دیدیم، خیلی از چیزهایی که ساخته بودند از داشته‌های همین استان بود. این نکته را بیان کنم



رضوانی (سرگروه هنر استان)



ناصر فولادینیا

ناصر فولادینیا:
اکولوژی استان
و بافت سنتی
بوشهر و معماری
ساختمان‌های
آن برگرفته از
هنرهای اصیل
ایرانی است

که ما گروه تقریباً ۶۰ نفره‌ای داریم که از طریق فضای مجازی با هم در ارتباطیم؛ چون سخت است مرتب بخواهیم نشست و جلسه برگزار کنیم.

۶۰ نفر از دبیران هنر هستند؟

❖ رضوانی: بله. من مایل بودم همه عضو باشند چون برخی از دوستان اذعان داشتند ۲۴ ساعت ما هنر نیست و هنر را در کنار دروس دیگر تدریس می‌کردند اما برای من آن کسی که دو ساعت تدریس هنر داشت همان‌قدر حضورش لازم بود، که فردی که ۲۴ ساعت هنر تدریس می‌کند. من تمایل به تعامل با این‌ها داشتم. به همین دلیل، تا آخرین لحظات روزبه‌روز به نیروهای ما افزوده می‌شود. خوشحالم که دبیران کارهای خود و آثار دانش‌آموزان را در این گروه به اشتراک می‌گذارند و آگاه می‌شویم و استفاده می‌کنیم. ایمان دارم هر چه این مدت دارم استفاده از کارها و آثار همکاران و دانش‌آموزان این عزیزان است. هم وبلاگ و هم سایت گروه را در اختیار همکاران قرار داده‌ام. از دوستان توقع زیادی ندارم؛ چون می‌دانم رفتاری‌ها زیاد است. ان‌شاءالله بعد از این بیشتر با هم همکاری داشته باشیم. درخواست کردم که هر کسی در هر حدی کاری برای دبیرخانه انجام دهد. کما اینکه خودم با دبیرخانه در ارتباط و فیلم آموزشی و مقاله از خود و یکی از همکاران داشتم. امیدوارم بعد از این همکاران کارهای کیفی در اختیار من قرار دهند که بتوانیم بیشتر با این عزیزان در ارتباط باشیم.

بگوییم مثلاً برگ این درختان چه کاربردی دارد.

اکولوژی استان منظور است؟

❖ فولادینیا: بلی، اکولوژی استان و بافت سنتی بوشهر و معماری ساختمان‌های آن برگرفته از هنرهای اصیل ایرانی است. دروازه تمدن ایران بوشهر بوده است، موسیقی زیبایی بوشهر که جایگاه خاص خود را دارد. ما بیابان‌ها و کوه‌هایی داریم که با باد و باران فرسایش یافته و اجسام شکیل و افسانه‌ای را ساخته‌اند و از آنجا می‌توان دریا را هم دید. جزیره‌های بکر و دست‌نخورده داریم که فقط جانوران در آن‌ها زیست می‌کنند. به نخل هم خانم رضوانی اشاره کردند که از تمام قسمت‌هایش استفاده می‌شود. هیچ چیز نخل دورریختنی نیست. هر قسمت هم اسمی دارد؛ اسمی که شاید خیلی از آن‌ها را نشنیده‌اید. صنعت عباپافی داریم که قیمت آن در ایران و کشورهای دیگر ۳-۲ میلیون تومان است و از پشم شتر بافته می‌شود. مردم بوشهر در یک کلام زیبایی دوست هستند. برای زیبایی ارزش قائل‌اند و برای همین، هنر را هم دوست دارند. هنر صدف‌آرایی یکی از هنرهایی است که همکاران می‌توانند روی آن‌ها کار کنند. هنر پوست‌آکنی (تاکسیدرمی) هم در بوشهر جایگاه خاصی دارد. ذهن همکاران را به‌سوی داشته‌ها سوق می‌دهم. شعرای خوبی داریم که شعرهای ناب می‌گویند؛ مرحوم منوچهر آتشی از جمله این‌ها بود.

❖ عبدالله فرخ‌نژاد: در منطقه سعدآباد برازجان دبیر تخصصی هنر هستیم. فوق دیپلم هنر دارم و یک سال دیگر بازنشته می‌شوم.

در هنر بازنشتگی نداریم. بعد از بازنشتگی تولید هنری شما شروع می‌شود. ❖ فرخ‌نژاد: علاقه زیادی به هنر دارم و کار عکاسی می‌کنم. خط ریزودرشت را به‌طور جدی در کلاس کار می‌کنم. سعی می‌کنم هیچ جلسه‌ای از دست نرود و بتوانم چیزی به دانش‌آموزان یاد دهم.

به نظر شما که نزدیک به سه دهه تدریس کرده‌اید، برای اینکه دانش‌آموزان از هنر لذت ببرند چه باید کرد؟

❖ فرخ‌نژاد: من بیشتر سعی دارم کلاس را آزاد اداره کنم. بیشتر مدیران هم گله‌مندند که کلاس شما سروصدا دارد. همان‌طور که در دانشگاه

اگر چشم‌انداز بحث روشن شده است از دیدگاه همکاران استفاده کنیم. البته این می‌تواند در دو بخش باشد. به‌رغم تمام کاستی‌هایی که می‌تواند باشد، در دو بخش به چشم‌اندازهای مثبت کارهای هنر پیردازیم. کاستی‌ها را درک می‌کنیم و آسیب‌هایی هم وجود دارد ولی خواهش می‌کنم همکاران ابتدا نیمه پر لیوان را ببینند. طبیعی است که در قسمت دوم می‌توانند آسیب‌ها و کاستی‌هایی را که احتمالاً هست، بیان کنند.

❖ ناصر فولادینیا (مسئول تکنولوژی)

استان بوشهر یک ساحل طولانی دارد که هم ساحل اصلی و هم جزایر را در برمی‌گیرد. بزرگ‌ترین جزیره مرجانی خلیج فارس جزیره خارک است که متعلق به این استان است. در استان جنگل‌های حراً در دریا داریم. استان ما زیبایی‌های خاص خود را دارد که می‌توانیم آن‌ها را انعکاس دهیم و



عبدالله فرخ‌نژاد، دبیر هنر بوشهر



سهیلا ماندگار نسب

عبدالله فرخ‌نژاد:
اگر خودمان
بتوانیم کار
کنیم، دانش‌آموز
خود به خود از ما
یاد می‌گیرد

ولی خط ریز را همه باید یاد بگیرند تا هر چه را که می‌نویسند، به راحتی بتوان خواند.

✱ ماندگار نسب سهیلا ماندگار نسب از شهرستان تنگستان هستیم.

تجربه شما از کلاس‌های تدریس هنر چیست؟

✱ ماندگار نسب من دوره‌ای هنرهای آوایی کار کرده‌ام در هنرهای آوایی مشکلی ندارم و دانش‌آموزان علاقه‌مندند. مدتی کار تست صدا برای بچه‌های مدرسه انجام می‌دادم. به هنرهای آوایی و نمایشی خیلی علاقه دارم.

می‌دانید که مقوله هنرهای آوایی وارد کتاب‌های درسی جدید شده است اما از آنجاکه در سال‌های دانشجویی درس هنر آوایی نداشته‌ایم، با نکته‌ای روبه‌رو شدیم و آن اینکه همکاران آمادگی تدریس هنرهای آوایی را ندارند. شما که هم علاقه و هم تجربه دارید، چه رهنمودی می‌توانید به همکاران بدهید تا آمادگی بهتری پیدا کنند؟

✱ ماندگار نسب من کارشناس ارشد زبان‌شناسی هستیم. در دستور زبان فارسی خیلی خوب این‌ها را کار کرده‌ام. ابتدا بچه‌ها را با هنر و ادبیات آشنا می‌کنم. هجاها را در قسمت‌هایی به آن‌ها آموزش می‌دهم. مثلاً هجای کوتاه و بلند را یاد می‌دهم تا وقتی به دبیرستان می‌روند و با درس آرایه‌های ادبی مواجه می‌شوند، مشکلی از نظر فهم نداشته باشند. همین هجاها را با صدای خودم می‌خوانم. صداهای مردانه و زنانه را توضیح می‌دهم و نمونه می‌آورم. به تدریج هم تن و زنگ صداها را آموزش می‌دهم.

نمایشنامه دانش‌آموز پسند کار کرده‌اید؟

✱ ماندگار نسب برای روز معلم نمایشنامه کار می‌کنند. من خودم نمایشنامه می‌نویسم و یکی از نمایشنامه‌هایم برای پرسش مهر به سطح کشوری رفته است. روی تلفظ و صداها هم کار می‌کنم و این خودش یک هنر است. مثلاً صدای دق الباب یا کوبه در که در قدیم در اصفهان وجود داشت و اهل خانه با شنیدن صدای آن می‌فهمیدند که پشت در زن است یا مرد اشاره می‌کنم. این‌ها را شروع می‌کنم که چقدر صدای نرمش‌های زنانه و مردانه روی رفتار و ترسیدن ما و اینکه بی تفاوت باشیم تأثیر دارد. روی هنرهای دستی دیگر هم کار می‌کنم.

فرهنگیان در اصفهان درس خواندیم دوست دارم کلاس بچه‌ها هم همان‌طور باشد. یعنی با روی خوش با هنر روبه‌رو شوند. سفت و سخت نباشد که ایجاد محیط خشک کند و بچه‌ها نتوانند به خوبی خود را نشان دهند. کلاس‌ها بیشتر حالت آزاد دارد و بحث‌هایی را هم بیرون از کلاس انجام می‌دهیم. دیروز من کار قلمدان‌سازی را شروع کردم که باید حتماً بیرون از کلاس انجام شود. کارهای افشاندگی و ابروباد را که از کتاب حذف شده است، هنوز کار می‌کنم.

افشاندگی چه کار خوبی بود.

✱ فرخ‌نژاد کارهای جدیدی در ابروباد اختراع کرده‌ایم، به شیوه‌های جدیدی کار می‌کنیم و به نتیجه‌های زیباتری رسیده‌ایم.

معلم محبوب هنر چه مؤلفه‌هایی دارد؟

✱ فرخ‌نژاد اول باید هنرمند باشد. بارها گفته‌ام که معلم باید اطلاعات خود را به رخ دانش‌آموز بکشد. طوری نباشد که دانش‌آموز فکر کند او کم‌وکاستی دارد. اگر خودمان بتوانیم کار کنیم، دانش‌آموز خود به خود از ما یاد می‌گیرد. اگر من دبیر نتوانم قلم‌نی دست بگیرم یا قلم‌نی را برای دانش‌آموز خود بتراشم، چگونه می‌توانم به او بگویم که خوشنویسی یاد بگیر؛ چون اولین کاری که خوشنویس انجام می‌دهد این است که بتواند برای خودش قلم بتراشد. وقتی کسی نتواند قلم خود را بتراشد، نمی‌تواند خوشنویسی خوبی هم ارائه دهد.

آیا هنر فقط یک درس است؟

✱ فرخ‌نژاد درس هنر بسیار وسیع است و آن را فرادرسی به حساب می‌آورم؛ چون از روزی که به دنیا می‌آییم تا روزی که از دنیا می‌رویم، به هنر نیاز داریم. همه این را نیاز دارند. بسیاری از مردم روی درس ریاضی و علوم و دروس پایه تمرکز دارند ولی من می‌گویم باید به هنر و ورزش هم اهمیت جدی بدهیم.

به عنوان جمع‌بندی نکاتی را بفرمایید.

✱ فرخ‌نژاد من علاقه دارم بچه‌ها خط ریز یاد بگیرند؛ چون ما از ابتدای زندگی با نوشتن سروکار داریم و برخی مواقع دانش‌آموز روی برگه امتحانی چیزی می‌نویسد که معلم از خواندن آن عاجز است. اگر این را به خوبی در کلاس جا بیندازیم و کار کنیم، خط بچه‌ها خوب می‌شود. خط درشت، تخصصی است و همه نمی‌توانند خوشنویس شوند



سبحان ضرغامیان پور

سهیلا ماندگار نسب:
دانش آموزان
می گویند ما گمان
می کردیم وقتی وارد
دبیرستان شدیم،
باید در رشته های
نظری درس بخوانیم
ولی الان آواز را
انتخاب می کنیم

آیا بچه ها رغبت نشان می دهند؟

✱ ماندگار نسب بله. کتاب های درسی قبلی محدود به خوشنویسی و طراحی بود و این مباحث در آن ها جایی نداشت و بچه ها وقتی به دبیرستان می آمدند فکر می کردند رشته هایی غیر از رشته های نظری وجود ندارد. ذهنشان فقط به همین ها معطوف می شد. وقتی آوازی از استاد شجریان می گذارم و این را با صدای پاپ احمدوند مقایسه می کنم، دانش آموزان می گویند ما گمان می کردیم وقتی وارد دبیرستان شدیم، باید در رشته های نظری درس بخوانیم ولی الان آواز را انتخاب می کنیم؛ با اینکه در روستاهای ما این رشته ها نیست.

✱ ضرغامیان پور من سبحان ضرغامیان پور هستم و ۱۲ سال سابقه تدریس دارم. جدا از تربیت معلم که رشته هنرهای تجسمی خواندم، لیسانس بازیگری و فوق لیسانس ادبیات نمایشی دارم. غیر از هنر هم چیزی تدریس نمی کنم. در درس دیگر هم تخصصی ندارم که بخواهم تدریس کنم. تخصص اصلی من جدا از رشته تحصیلی ام گرافیک است. کار گرافیک می کنم. قبل از حرف زدن درباره کتاب هنر عرض می کنم به شهری آمده اید که بی اغراق در هنر پیشینه درخشانی دارد.

مصادیق را هم ذکر کنید.

✱ ضرغامیان پور بوشهر از قدیم دروازه ای برای ورود فرهنگ های مختلف به ایران بوده است. همان طور که می دانید، در عصر قاجار بندر بوشهر یکی از بزرگ ترین بندرهای جنوب کشور بود که هم از لحاظ تجاری و هم از لحاظ فرهنگ حائز اهمیت بود. بعدها که بوشهر مورد بی میلی قرار می گیرد، تجارت آن از رونق می افتد و بندرهای دیگر رونق می یابد. همین دوره طلایی که بوشهر داشته، باعث شکوفایی هنر این سرزمین شده است. چراکه هنر ذاتش به این است که کامل می شود و هیچ گاه ساکن نمی ماند. در موسیقی، معماری، حجاری و سفالگری بوشهر ردپایی از سایر کشورها می بینیم. در موسیقی بوشهر ما از سازهایی استفاده می کنیم که آفریقایی هستند و پیشینه آفریقایی دارند.

در تدریس از این ظرفیت ها چگونه استفاده می کنید؟

✱ ضرغامیان پور اگر سرمایه گذاری نکنید هیچ چیزی برداشت نمی کنید. معلمی که دغدغه

دیگری دارد، نمی تواند با آرامش کار هنری انجام دهد. من مجبورم بیرون کارهای دیگری انجام دهم که بتوانم در کلاس خاطر جمعی داشته باشم و بچه ها را علاقه مند کنم و آن ها را با هنر آشنا سازم.

علاقه مند کردن بچه ها به هنر کار بزرگی است.

✱ ضرغامیان پور سال های اخیر با عوض شدن کتاب فضا تلطیف تر شده است ولی ای کاش به جای بخش موسیقی که در کتاب گذاشته اند تئوری موسیقی را قرار می دادند. کتاب های خوبی در حوزه تئوری موسیقی داریم. کتاب استاد منصوری را می توانیم کار کنیم که بچه ها با نت نویسی آشنا شوند. اگر تئوری موسیقی را بدانند، خیلی در زندگی شان تأثیر دارد. تئوری موسیقی نوعی سواد اجتماعی است. همان طور که هر کسی باید ادبیات فارسی، انگلیسی و کامپیوتر بلد باشد، تئوری موسیقی هم نوعی سواد است و بچه ها باید آن را بلد باشند. من ۴-۵ درسی را که در حوزه موسیقی در کتاب وجود دارد، در یک جلسه تمام می کنم. چیزی نیست که بچه ها در آن گم و گنج شوند. چیز خاصی نیست. ملودی و ریتم و ضربان را تعریف می کند.

آیا ریتم را می توان در یک جلسه توضیح داد؟

✱ ضرغامیان پور بله. درس ها ۴-۵ دقیقه ای هستند. ذات هنر همین است که در بحث تدریس اگر برای یادگیری به ۱۰۰ ساعت زمان نیاز باشد، ۲۰ ساعت آن آموزش و ۸۰ ساعتش تمرین است. در تمام درس های هنری همین است. درس آموزش ریتم را بچه ها در پنج دقیقه یاد می گیرند. بچه های این دوره که سریع تر هم یاد می گیرند.

از ابتکارات خود در کلاس بگویید. اینکه هنرهای آوایی در کتاب گنجانده شده است کم اتفاقی نیست. قدر این نکته را باید بدانیم. تئوری را در کتاب کمک درسی می توانیم دنبال کنیم که منبع کم نداریم.

✱ ضرغامیان پور در این استان ما در حوزه نمایش غنی هستیم. ما نمایش «زار» را در مدرسه اجرا کردیم. کار در دریا، مزرعه و این منطقه بومی باعث شکل گیری سوزها و ادبیات خاصی شده است. در حوزه نمایش ادبیات غنی داریم که می توانیم از آن استفاده کنیم. در حوزه معماری هم نیاز به گفتن نیست. اگر در بافت قدیم بوشهر

قدم بزنید، سازه‌ها و ساختمان‌هایی را می‌بینید که حیرت‌انگیزند. زیبایی معماری بوشهر در کتاب هنر ما منعکس نشده است. در کتاب هیچ بخشی نداریم که بگوید شما از هنر محلی خود استفاده کنید. در آن صورت، ما سعی می‌کنیم با برگزاری کلاس در بافت قدیم و عکاسی از این بافت بچه‌ها را با آن آشنا کنیم تا بدانند ساختمان‌های ما چه بوده و الان چه شده است. اگر قرار است از بچه‌های ما کسی معمار شود، باید بتواند از این‌ها الهام بگیرد.

جمع‌بندی صحبت شما این است که با توجه به سرمایه‌های هنری که در بوشهر وجود دارد، ما روزی به این‌سو برویم که فصل مستقلی در کتاب درسی با عنوان هنر استان داشته باشیم.

✳️ ضرغامیان‌پور بله، همانند جغرافیا. بحث دیگر بحث استفاده از هنرهای دیجیتال است. الان هنرهای دیجیتال و شبکه‌های مجازی فرصت‌های خوبی هستند که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. من به دانش‌آموزان خود اجازه می‌دهم کارهای هنری را که آموزش می‌دهیم، در حوزه دیجیتال انجام دهند. ما به سمت جهان دیجیتال می‌رویم. شاید تغییر ظاهر هنر و پوست‌اندازی هنر به همین باشد که می‌تواند قالب خود را عوض کند. استفاده از این فضا و هنرهای دیجیتال هم در کتاب هنر جایش خالی است. باید بخشی به نام هنرهای دیجیتال در کتاب باشد. اینکه بچه‌ها کار کردن با نرم‌افزارهای دیجیتالی همانند کورل، فتوشاپ و غیره را بدانند، خالی از لطف نیست.

✳️ کرمی نرگس کرمی از شهر دوبیره هستیم که ۲۰ دقیقه با بوشهر فاصله دارد. می‌خواهم چند نکته بگویم؛ چون با بچه‌های دبستان کار کرده‌ام.

یعنی دبیر تخصصی هنر نیستید.

✳️ کرمی خیر.

زمینه هنری دارید؟

✳️ کرمی بله. در داستان‌نویسی و کتاب‌خوانی و قصه‌گویی کار می‌کنم.

اگر در حوزه داستان کار کرده‌اید، بفرمایید که تأثیر نمایش را بر بچه‌ها چطور می‌بینید.

✳️ کرمی با بچه‌های منطقه خیلی از مشکلات را می‌توانیم به‌صورت نمایش کار کنیم.

به آن‌ها می‌گوییم نمایش همانند مهارت‌های زندگی است. در پایه ابتدایی فقط به‌صورت نمایش کار می‌کنیم. بچه‌ها را جمع می‌کنیم و می‌گوییم می‌خواهیم نمایشی فی‌البداهه اجرا کنیم. از آن‌ها می‌پرسیم دوست دارند چه نقشی داشته باشند. معمولاً در منطقه چون مشکلات خانوادگی زیاد است و بچه‌های طلاق زیادند بچه‌ها علاقه دارند نقش پدر و مادر و فرزند را بازی کنند. در کتاب مهارت‌های زندگی بچه‌ای که در نقش پدر یا مادر خود دعوا می‌کند، ۱۰۰ درصد این مشکلات را داشته است. به فرزند که به جای فرزند طلاق نقش‌آفرینی می‌کند، راهکار می‌دهیم و می‌گوییم که چه کند. من به او می‌گویم اگر مادر و پدرت این کار را کردند، شما باید چه واکنشی نشان دهی. این درس مهارت زندگی بود و ما فقط به‌صورت نمایش می‌توانستیم به بچه‌های دبستان یاد دهیم که وقتی در چنین بحرانی هستند، چه باید کنند. آوردن کتاب به کلاس و قصه‌گویی برای بچه‌هایی که اصلاً کتاب نخوانده بودند، بسیار تأثیرگذار بود. وقتی کتابخانه افتتاح شد، بچه‌ها کتاب‌ها را بردند و چیزهایی نوشتند و دیدیم که برخی از بچه‌ها زمینه بسیار عجیبی برای داستان‌نویسی دارند. من تمام داستان‌های آن‌ها را جمع کرده‌ام و قرار است به‌صورت کتاب دربیآورم؛ البته اگر مدرسه کمک کند یا از خیریه‌ها کمک بگیرم. باور نمی‌کردم که آن نوشته‌ها کار بچه‌های ما باشد؛ تا زمانی که به آن‌ها گفتم بخشی از داستان خود را در کلاس یا زنگ ورزش و هنر برای من بنویسید.

چند داستان جمع شده است؟

✳️ کرمی حدود ۷۰ داستان. تصویرگری هم کار می‌کنیم. تصویرها هم همه اسکن شده‌اند.

باید حمایت کنیم تا زمینه برای بچه‌ها، مخصوصاً بچه‌های روستا، فراهم شود و آینده آن‌ها شکل بگیرد. وقتی کیف‌سازی به بچه‌ها یاد دادیم، بچه‌ای که خیلی فقیر و محروم بود کیف‌های دست‌ساز خود را در مغازه فروخته بود و این منبع درآمدی برای او شده بود. در شهر ما خیلی از دخترخانم‌ها از مرحله راهنمایی بالاتر نمی‌روند. به همین خاطر، اگر در دوره ابتدایی به این بچه‌ها هنری یاد بدهیم، ممکن است در آینده منبع درآمد آن‌ها شود. این خوب است ولی نیاز به حمایت دارد.

✳️ خوش‌قلب سهیلا خوش‌قلب هستیم و ۲۴ سال ۴ سابقه خدمت داریم.

سبحان
ضرغامیان‌پور:
اگر سرمایه‌گذاری
نکنید هیچ چیزی
برداشت نمی‌کنید.
معلمی که دغدغه
دیگری دارد،
نمی‌تواند با آرامش
کار هنری انجام
دهد



نرگس کرمی

نرگس کرمی:
برخی از بچه‌ها
زمینه بسیار
عجیبی برای
داستان‌نویسی
دارند. من تمام
داستان‌های
آن‌ها را جمع
کرده‌ام و قرار
است به صورت
کتاب دریاورم

دبیر تخصصی هنر هستید؟

خوش‌قلب بله. لیسانس هنرهای تجسمی دارم.

از تجارب خود بگویید.

خوش‌قلب همانند آقای فرخ‌نژاد، کلاس بسیار آزاد و راحتی دارم. چون دوست دارم درس برای بچه‌ها سخت نباشد. در پایه متوسطه اول تدریس می‌کنم و در مدرسه‌ای هستم که بیشتر بچه‌ها، بچه‌های طلاق‌اند. دوره راهنمایی و متوسطه را در مدرسه ام‌البینین شهرستان بوشهر تدریس می‌کنم که دانش‌آموزان آن از نظر مالی ضعیف‌اند. آن‌ها یا پیش پدر و یا پیش مادر زندگی می‌کنند که این هر دو مشکلات خاص خود را دارد. تا جایی که بتوانم سعی می‌کنم بچه‌ها از هیچ هم که شده چیزی یاد بگیرند تا برای آن‌ها کمکی باشد. طراحی روی پارچه هم با بچه‌ها کار کرده‌ام. اصل کار رنگ روی پارچه است. به بچه‌ها گفتم رنگ گواش رنگ ارزانی است و می‌توانید کار کنید و بچه‌ها کار کردند و موفق هم شدند. عکس گرفتم و از کارهای بچه‌ها عکس دارم. بچه‌ها می‌گویند حتی لکه‌ای که روی مانتوهایشان افتاده است، هر چه می‌شویند پاک نمی‌شود. رنگ را اگر با اتو تثبیت کنند به هیچ‌عنوان نمی‌رود. کلاس هنر من کلاس راحتی است و برای این بچه‌ها مثل مادر هستم.

آیا از کارهای بچه‌ها نمایشگاه گذاشته‌اید؟

خوش‌قلب بله. نمایشگاه دهه فجر بود و عکس آن را خدمت خانم رضوانی فرستادم.

تأثیر در کلاس چگونه بود؟

خوش‌قلب خیلی خوب بود. حدود ۳۵-۳۰ نفر دانش‌آموز در کلاس داریم اما شاید فقط ۴ دانش‌آموز بسیار خوب و فعال باشد. الان دانش‌آموز پایه نهم دارم که کارش عالی است اما می‌گوید مادرم گفته است باید به رشته تجربی بروی. بعدها می‌توانی هنر را ادامه دهی. برخی از خانواده‌ها این‌گونه‌اند.

تجربه‌های خود را در سه محور خلاصه کنید و بگویید.

خوش‌قلب اینکه اول باید بچه‌ها را درک کرد.

چطور؟

خوش‌قلب به درد دل‌های دانش‌آموز باید گوش داد. دانش‌آموزی داشتم که به من می‌گفت

خوش به حال بچه‌های شما؛ چون شما به حرف‌های ما گوش می‌دهید. بچه‌ها می‌گویند وقتی با مادر خود صحبت می‌کنیم، مادرمان می‌گوید حوصله حرف زدن ندارم. مادرها حوصله ندارند بشنوند. من در کلاس خود بچه بیش‌فعال دارم که به هیچ‌عنوان قابل تحمل نیست ولی ما او را تحمل می‌کنیم. تازه، من هنر تدریس می‌کنم ولی شما تصور کنید دبیر ریاضی با این بچه باید چکار کند.

مورد دیگر چیست؟

خوش‌قلب مورد بعدی صمیمیت با دانش‌آموزان است. بچه‌ها باید با شما صمیمی باشند و بتوانند درد دل خود را به شما بگویند. شاید مشکلی داشته باشند که نتوانند آن را به مادر یا پدر خود بگویند و ممکن است انحراف پیدا کنند؛ چون کسی به درد دل آن‌ها گوش نمی‌دهد. مورد دیگر اینکه با چیزهایی که در دسترس بچه‌ها و در خانه‌هایشان هست؛ با آن‌ها کار کنیم؛ چیزهای ابتدایی و دورریختنی. البته برخی مواقع هم این چیزها دورریختنی نیستند و باید پول داد و آن‌ها را تهیه کرد. بچه‌ها با کار کردن با این چیزها سر کلاس فعالند. مورد بعدی هم همکاری مدیر و معاون مدرسه است که خیلی مهم است.

مدرسه شما کارگاه هنر دارد؟

خوش‌قلب خیر. کلاسی را خالی کردند و برای من فرش انداختند. در سال‌های قبل یکی از کارهای من این بود که از کارهای بچه‌ها کپی برداری می‌کردیم. به بچه‌ها می‌گفتم پشت پنجره کپی برداری کنند. امسال میز نور دخترم را سر کلاس بردم و بچه‌ها از آن استفاده می‌کنند.

خودتان را معرفی کنید.

رسولیان میترا رسولیان دبیر هنر تخصصی هستم. فوق‌دیپلم گرافیک و لیسانس ارتباط تصویری دارم.

چند سال است تدریس می‌کنید؟

رسولیان ۱۵ سال. الان در دوره متوسطه تدریس می‌کنم.

بهترین تجربه‌ای که در کلاس داشته‌اید چه بوده است؟

رسولیان بهترین تجربه من این است که در کنار دانش‌آموزان بوده‌ام و از آن‌ها خیلی چیزها یاد گرفته‌ام.



سهیلا خوش‌قلب

سهیلا
خوش‌قلب:
کلاس هنر من
کلاس راحتی
است و برای این
بچه‌ها مثل مادر
هستم

فوق دیپلم هنر دارم و در مرکز شهید شرافت تهران درس خوانده‌ام. شروع کار من از سال ۷۲ بود و الان معلم مدرسه شاهد دخترانه هستم. طبق تجربه‌ای که من در این ۲۴ سال به دست آورده‌ام، اگر بخواهیم دانش‌آموزان علاقه‌مند شوند، باید محتوای درس را جذاب و کاربردی کنیم. اغلب، بچه‌ها از ما می‌پرسند نقاشی کشیدن، به درد چه می‌خورد یا چه کاربردی دارد. حتی کاربرد خط را می‌پرسند. خودشان به این فکر نمی‌کنند که این خط چقدر در زندگی آن‌ها به درد می‌خورد. به دانش‌آموز می‌گویم از همان ابتدا که سر کلاس می‌روید و الفبا یاد می‌گیرید، به نوشتن نیاز دارید و خط در زندگی‌تان تأثیر دارد. در هر رشته‌ای که درس بخوانید و هر شغلی را انتخاب کنید، خط اصلی‌ترین نقطه است و هر کس که خط خوبی نداشته باشد، مسلماً به مشکل برمی‌خورد. برای بچه‌ها توضیح می‌دهم که خط درشت و ریز چه کاربردهایی دارد. به همین علت در مدرسه ساعتی را که می‌خواهیم خط کار کنیم، به خط تحریری اختصاص می‌دهیم. این ایراد از طرف مدرسه است که با توجه به اینکه من در مدرسه خاص هستم، چند سال است چانه می‌زنم که کارگاه یا فضای کوچکی را تحت عنوان «کارگاه هنر» به من بدهند ولی این اقدام صورت نگرفته است. همین برای من معضل است.

در این زمینه چکار کردید؟

تمجیدی هیچ کاری نتوانستم بکنم. از اول مهر با دانش‌آموزان کلی کار انجام دادم؛ کار روی کوزه و سفال و غیره. حتی کار روی برگهٔ آچار بود. این امکان برای من وجود ندارد که از کارهای ۳۰۰ دانش‌آموز حداقل ۵۰ کار خوب برای نمایش در فضایی بگذارم. در مدرسه هم فضا ندارم. من از اول مهر بسیار زحمت کشیدم و کار کردم و قرار بود برای دههٔ فجر کارگاه و نمایشگاهی ترتیب دهیم. از قبل از بهمن‌ماه خیلی فشار آوردم و حتی وعدهٔ نمره به دانش‌آموزان دادم که کارها را ارائه دهند. چون کارگاه نداشتیم، به آن‌ها گفته بودم کاری که انجام داده‌اند، به خانه ببرند و وقتی که گفتم برای من بیاورند. به نظر من نداشتن کارگاه برای دبیر هنر یک معضل است. اگر من فضا داشتم همان زمان که کار خود را انجام می‌دادم کار را گوشهٔ کارگاه می‌گذاشتم و هر زمان که نیاز داشتم، بدون التماس به دانش‌آموز از آن استفاده می‌کردم. دانش‌آموز هم ترس این را نداشت که کار را به او بازنگردانم. نکتهٔ دیگر اینکه هنرستان‌های ما

این اتفاق چطور می‌افتد؟

رسولیان وقتی سر کلاس توضیحاتی می‌دهم و بچه‌ها کار می‌کنند، ابتدا خیلی سخت است و می‌گویند نمی‌توانیم. اوایل روی این نکته پافشاری داشتند که نمی‌توانند، و زحمت فکر کردن هم به خود نمی‌دادند اما با سخت‌گیری‌هایی که می‌کنم، فکر بچه‌ها را در این مسیر قرار می‌دهم. به آن‌ها می‌گویم کار کنند و تأمل کنند و خودم هم به آن‌ها کمک می‌کنم. از بچه‌ها می‌خواهم کار را شروع کنند و بعد آن را انجام دهند. ما طراحی‌های متعددی داشتیم. مرتب طرح می‌زدند و من ایراد می‌گرفتم با اینکه خسته می‌شدند و می‌گفتند نمی‌توانیم. من به بچه‌ها سه جلسه فرصت می‌دادم که کارشان را تمام کنند. دانش‌آموز تا راه بیفتد و به مرحله‌ای قابل قبول برسد، زمان می‌برد. از کارها و ایده‌هایی که داشتند استفاده می‌کردم. دانش‌آموزی فکری داشت و روی کاغذ می‌آورد و من آن را اصلاح می‌کردم. این یادگیری در کنار دانش‌آموز بود. بهترین زمان برای من زمانی بود که سر کلاس به بچه‌ها آموزش می‌دادم.

معلمی تنها تعلیم نیست بلکه تعلیم و تعلم است.

رسولیان در فرایند معلمی باید تعلیم و تعلم همراه با هم باشد. من در این چند سالی که درس دادم به این نتیجه رسیدم که اگر در مدرسه، دانش‌آموزی اطلاعاتش از معلم بیشتر باشد برای معلم فاجعه است. برای من به عنوان معلم بد است که دانش‌آموزم اطلاعاتش از من بیشتر باشد. نه اینکه دانش‌آموز اطلاعات زیاد داشته باشد بد است؛ اینکه اطلاعات من در سطحی باشد که دانش‌آموز به آن برسد بد است. در عصر حاضر، بدون نیاز به مدرسه رفتن حتی تا دکترا هم می‌شود پیش بروید. با جست‌وجو در اینترنت، هر چه بخواهید به شما ارائه می‌شود اما به هر حال، اگر روزی برسد که دانش‌آموز ما اطلاعاتش از ما بیشتر باشد، به شدت به مشکل برمی‌خوریم.

در هنر؟

رسولیان حتی در هنر! کسی که هنر تدریس می‌کند، از تجربه کمک می‌گیرد اما به هر حال، او هم باید به‌روز باشد. در همهٔ رشته‌های هنری باید چنین باشد. نمی‌توانیم بگوییم همهٔ معلمان هنر باید هم عکاس و هم نمایشنامه‌نویس و هم گرافیکست و هم خوشنویس باشند. خیلی سخت است.

تمجیدی طایفه تمجیدی هستم و



میترا رسولیان

میترا رسولیان:
اگر روزی برسد
که دانش آموز
ما اطلاعاتش
از ما بیشتر
باشد، به شدت
به مشکل
برمیخوریم

کارگاه‌های مجهری دارند. خوب است امکانی فراهم شود که دوره ابتدایی که این امکان را ندارد، حداقل از فضای آن‌ها استفاده کند.

چطور؟

✳ تمجیدی مثلاً ما به کارگاه هنرستان‌ها برویم و کار کنیم و از فضای آن‌ها استفاده کنیم. کار کردن در فضای کلاس معمولی خیلی سخت است و مدیر همواره تذکر نگهداری وسایل و نیمکت و تخته را می‌دهد.

کتاب‌ها که تغییر کرد چه تأثیری بر کار شما داشت؟

✳ تمجیدی به نظر من، با تغییراتی که در کتاب ایجاد شده است، بچه‌ها باید از تخیلات و ذهن خود بیشتر استفاده کنند. متأسفانه بچه‌ها درگیر این مسئله‌اند که طرحی جلوی روی خود داشته باشند. اگر از من هم بخواهند یک چیز ذهنی را تصویر کنم، نمی‌توانم و به همین علت نمی‌توانم به دانش آموز خود فشار بیاورم که در این زمینه کار کند و کاری به من تحویل دهد. متأسفانه ذهن بچه‌ها قدری راکد مانده است.

پس به نظر شما، بچه‌ها برای مفاهیم انتزاعی موجود در کتاب امکان شکوفایی لازم را ندارند. آزادی در شکوفایی نقطه مقابل صحبت شما نیست؟

✳ تمجیدی آزادی از نظر دوستان این است که در کلاس راحت باشند و محدود به نشستن پشت نیمکت نباشند. در کلاس من همچنین است و حتی دانش آموز می‌تواند به بیرون از کلاس برود و کار کند. روی زمین موکت پهن کند و بنشیند. حتی حین کار چیزی بخورد. آزادی از این نظر است.

به اعتقاد شما مدل باید جلوی بچه‌ها باشد.

✳ تمجیدی بیشتر بچه‌ها این طور کار می‌کنند. در یک کلاس ۳۰ نفره شاید یک دو نفر چنین نباشند. به نظر من اگر بتوانیم از ظرفیت‌های بومی شهرها استفاده کنیم و بچه‌ها را درگیر کنیم، خیلی بهتر است. ساحل به این زیبایی داریم و می‌توانیم در آنجا کلاس برگزار کنیم. بحث من در باره مدرسه خودم به‌تنهایی نیست. باید امکانی فراهم شود تا مدرسی که از نظر مالی ضعیف‌اند سرویس داشته باشند و در هر هفته یا ماه یک بار دانش آموزان را در فضای آزاد قرار دهند. در کتاب آمده است که بچه‌ها را به فضای آزاد ببریم و بچه‌ها

با دیدن مناظر طبیعی آن‌ها را روی کاغذ بیاورند؛ در صورتی که ۹۰ درصد مدارس ما نمی‌توانند این امکان را برای دانش آموز فراهم کنند.

جای این در سیاست‌گذاری از بالاست یا باید در این محیط چنین اتفاقی رخ دهد؟

✳ تمجیدی من در مدرسه خود چنین مشکلی ندارم و هر وقت اراده کرده‌ام بچه‌ها را برده‌ام. مشکل بقیه همکاران را گفتم.

✳ کرمی چرا تدوین کتاب هنر را از پایه دبستان در نظر نمی‌گیریم؟ خیلی مواقع ما معلمان باید دنبال این برویم که ببینم زمینه‌های هنری چیست و آن‌ها را در اختیار بچه‌ها قرار دهیم. چرا کتابی نباشد که من به‌عنوان معلم بخوانم و به بچه‌ها بگویم که این چرم است، این معرق است و این خوشنویسی است. در بچه‌ها این زمینه باشد و وسایل معرفی شده باشند و حداقل معلم بداند وسایل این است و شیوه ابتدایی را بتواند به بچه‌ها بگوید و حالا هر دانش آموزی بنا به توانایی و استعداد و زمینه خود کار کند. آیا معرفی و خلاقیت در دوره دبستان نباید باشد؟

دوستان به خاطر دارند که قبلاً کتاب داشتیم.

✳ کرمی الان در پایه دبستان کتاب هنر نداریم.

کتاب هنر نداریم ولی درس هنر و کتاب معلم داریم.

✳ کرمی بله. دو ساعت برای درس هنر داریم که زمان کمی است. دو تا ۴۵ دقیقه در هفته است.

✳ قهرمانی سعیده قهرمانی، کارشناس ارشد شیمی هستم و کار و فناوری هنر را در دوره متوسطه اول تدریس می‌کنم. شش ساعت تدریس دارم.

رشته مورد علاقه شما چه بود که به هنر گرایش پیدا کردید؟

✳ قهرمانی هنر امری ذاتی است و همه انسان‌ها به خاطر زیبایی به آن علاقه دارند. من قبلاً هنرهای آوایی کار کرده‌ام و چون آموزش و پرورش هم دبیر تخصصی نداشت و پیشنهاد دادند، قبول کردم. کتاب‌های جدید خوشبختانه هم متنوع و هم جذاب‌اند و همانند



طیبه تمجیدی

طیبه تمجیدی: به نظر من نداشتن کارگاه برای دبیر هنر یک معضل است. اگر من فضا داشتیم همان زمان که کار خود را انجام می‌دادم کار را گوشه کارگاه می‌گذاشتم و هر زمان که نیاز داشتم، بدون التماس به دانش‌آموز از آن استفاده می‌کردم

یک اتاق خالی باشد که کارهای خود را در آنجا انجام دهیم و بچینیم، خیلی عالی می‌شود.

تأکید شما هم روی ایجاد کارگاه هنر است!
☼ قهرمانی بله.

سؤال من این است که آیا در مدرسه اتاقی برای این کار ندارید؟

☼ قهرمانی خیر. چندین بار به مدیر و رئیس آموزش و پرورش گفتم که مدارس حیاط بزرگ دارند ولی یک اتاق برای این کار ندارند. جایی قفسه‌بندی شود تا بچه‌ها کارهای خود را بچینند و این خیلی کمک‌کننده است.

☼ جاسمیان سمیه جاسمیان از دبستان امید انقلاب بوشهر هستم و مهندسی برق خوانده‌ام. هنر موضوعی تقریباً شخصی است که آن را دوست داشتم. دوره عکاسی را خدمت استاد اسفندی گذرانده‌ام. با تئاتر و طراحی تا حدودی آشنایی داشتم و با شاگردان کار کردم. هر کاری انجام داده‌ام، مبتنی بر علاقه شخصی بوده است. درس‌های تخصصی همانند ریاضی و علوم را در دبستان تدریس می‌کنم. ولی به دلیل علاقه شخصی، ساعت‌های هنر را هم گرفته‌ام. در دوره ابتدایی برای هنر هیچ مرجع و منبع خاصی وجود ندارد. بچه‌ها هم هیچ علاقه‌ای ندارند و کاملاً در اختیار خود معلم است. دو تا ۴۵ دقیقه هنر داریم. خودم طراحی کار می‌کنم. مشکلی که دوره ابتدایی با آن مواجه شده، امتحان‌های تیزهوشان و نمونه است. در مدرسه شاهد که خروجی خوبی می‌خواهد، خانواده‌ها درخواست می‌کنند که زنگ‌های هنر گرفته شود و درس‌هایی مانند ریاضی و علوم و تست با بچه‌ها کار شود. این موضوع بسیار آزاردهنده است و ما هر کاری می‌کنیم تا شاگرد علاقه‌مند شود، بی‌توفیقیم. با این روش‌ها دانش‌آموزان نسبت به هنر بی‌انگیزه شده‌اند. وقتی در کلاس می‌گویم امروز نقاشی آزاد است یا مثلاً درباره موضوعی نقاشی بکشید، اغلب شاکی می‌شوند؛ چون فرهنگ‌سازی نشده است و خانواده‌ها اهمیت نداده‌اند یا امکانات در اختیار نداشته‌ایم که بستر را فراهم کنیم تا شاگرد انتخاب کند. من جزء مدرسان ریاضی کشوری هستم و خیلی روی درس‌ورزی در دوره ابتدایی کار کرده‌ام. من این دو درس را تلفیق کرده‌ام؛ یعنی زمانی که می‌خواستم سطح و حجم یا مترمکعب را تدریس

قبل فقط طراحی و خوشنویسی و نقاشی نیستند و همین باعث تمایل بیشتر می‌شود. در بحث هنرهای آوایی با بچه‌های مدرسه تمپونوازی کار کردیم. این ساز را که ساز محلی منطقه است، به صورت گروهی و همخوانی کار کردیم. بچه‌ها شعرها و سرودهای محلی را خواندند و علاقه نشان دادند. خودم در قسمت مقاله‌نویسی کار می‌کنم و مقالات هنری هم می‌نویسم که نمونه‌های آن در سایت‌های استان همانند سایت سوک و روزنامه بامداد جنوب درج شده است. با بچه‌ها سرود و نمایشنامه کار می‌کنم. نقاشی روی سفال و سفالگری و نقاشی روی کوزه داریم. یکی از موارد جالب توجه این بود که مثلاً یکی از بچه‌ها از استعداد خود خبر نداشت و وقتی نقاشی روی کوزه کار کردیم، استعداد او شکوفا شد و فهمید در این زمینه تواناست. خیلی از مغازه‌ها و شهرها در ایام عید تعطیل است ولی استان بوشهر مهمان زیاد دارد. من خودم در منطقه ساحلی دلوار هستم. آنجا هم به دلیل تاریخی و هم به خاطر ساحل زیبا مهمانان زیادی دارد. دانش‌آموزی که من سال گذشته با او نقاشی روی کوزه کار کردم و کارش هم زیبا بود، بسیاری از کارهای خود را به بچه‌های مدرسه فروخت. حتی تصمیم گرفت کارهایش را در یکی از غرفه‌های نوروزی ساحل دلوار عرضه کند. امسال هم نمایشگاه داشتیم و او کارهایش را برای فروش آورده بود. خود او هم علاقه‌مند شد و این کار را انجام می‌داد و از اینکه به خاطر درس هنر این توانایی خود را شناخته است، تشکر می‌کرد. این برای من خیلی خوشایند بود. خودم گلیمچه‌بافی و فرش قلاب کار می‌کردم. این مربوط به قبل از ورود به دانشگاه است. عکاسی هم با بچه‌ها کار می‌کنم. آن‌ها روی دیوار مدرسه طرح‌های مختلف می‌کشند. دیوار مهربانی هم درست کردند. چون نمی‌توانستند روی دیوار مهربانی چیزی بگذارند قرار شد وسایلی را که بچه‌ها در مدرسه جا می‌گذارند یا گم می‌کنند، به آنجا ببرند. قسمتی را برای این کار درست کردند. بحث علاقه‌مندی اگر از دوره ابتدایی کار شود، خیلی خوب است.

در شهر دلوار دبیر تخصصی هنر دارید؟

☼ قهرمانی اصلاً نداریم. مدرسه چون بودجه ندارد، با اینکه بزرگ است و حیاط بزرگی دارد نمی‌تواند مکانی را برای درس هنر آماده کند، مگر اینکه خیرین در این زمینه اقدام کنند. اگر فقط

بچه‌ها مقام هم آوردند. من به کار هنر علاقه دارم و وجدانی کار می‌کنم. علاقه شخصی من است. تأکید می‌شود که معلمان هنر زنگ هنر را به درس‌های دیگر ندهند ولی در عمل چیز دیگری می‌بینیم.

✳️ **معمار** بیتا معمار هستم. ۲۳ سال سابقه تدریس دارم؛ همراه با دو سال آموزش دوره تربیت معلم که در مرکز شهید شرافت گذرانده‌ام. دو سال هم در دانشگاه فرهنگیان بوشهر بوده‌ام. رشته من هنرهای تجسمی است. در سال ۷۵ از مرکز شهید شرافت فارغ‌التحصیل شدم. از استادانم صادق زاده و کشاورز بوده‌اند. من مدرسه‌های راضیه و فرزنانگان تدریس می‌کنم.

از تجارب خود در کلاس بگویید.

✳️ **معمار** یکی از تجربه‌های من این است که سال گذشته در یکی از مدارس ضعیف بودم که از نظر امکانات محروم بودند و شاید بسیاری از همکاران همچنین تجربه‌ای داشته باشند. ما هر روز موقت در دست داشتیم و سایه پیدا می‌کردیم تا دانش‌آموزان بتوانند روزی زمین بنشینند، چراکه کلاس‌ها کوچک بودند و تعداد دانش‌آموزان زیاد. بیشترین غذایی که من از ساعت هنر می‌کشم، تعداد زیاد دانش‌آموزان است. نمی‌توانم به دانش‌آموزان آن‌طور که باید رسیدگی کنم. امسال کلاسی دارم که ۳۸ دانش‌آموز دارد.

از شیوه گروه‌بندی استفاده نمی‌کنید؟

✳️ **معمار** جوابگو نیست؛ زیرا بحث بین بچه‌ها زیاد است. در هنر باید به تک‌تک دانش‌آموزان رسیدگی کنیم تا نتیجه مطلوب را بگیریم. کار به صورت گروهی کمتر نتیجه می‌دهد. تجربه خوب من در سال گذشته، که با آن توانستم بچه‌ها را خیلی علاقه‌مند کنم، بازدید از هنرستان بود؛ هنرستانی که در منطقه مدرسه واقع شده بود. یعنی فاصله زیادی با محل سکونت بچه‌ها نداشت.

هنرستان چه ویژگی‌هایی داشت؟

✳️ **معمار** یک روز کلاس را در هنرستان تشکیل دادیم؛ چون من در هنرستان هم تدریس کرده بودم. گرافیک تدریس می‌کردم و با کارکنان هنرستان آشنایی داشتم. یک روز کارگاه هنر را با بچه‌ها در هنرستان تشکیل دادیم و آن‌ها این

کنم، بچه‌ها یونولیت یک متری را به کلاس آوردند و این را ساختند و داخل آن رفتند. مثلاً تفکیک کردن سطح و حجم و انجام محاسبات ریاضی را با هنر تلفیق کردم. از ریاضی شروع کردم که خانواده‌ها خیلی به آن اهمیت می‌دهند. طوری شده است که نه تنها دیگر بچه‌ها از ریاضی فراری نیستند بلکه مبحث به مبحث خودشان شکل‌ها را می‌سازند. این کارها را برای گرایش بچه‌ها به سمت هنر انجام دادم. کاش هنر هم درسی بود که به آن بیشتر رسیدگی می‌شد. مثلاً می‌پرسیدند شما در زنگ هنر چه کاری انجام می‌دهید. منظورم در دبستان است. در هنرستان و دبیرستان تخصصی کار می‌شود و نمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها جداس است. مثلاً من مکانی ندارم که دست‌ورزی‌های شاگردانم را بگذارم؛ اینکه یک هفته قبل از عید یک کارگاه از دست‌ورزی بچه‌ها تشکیل دهم تا از اداره دعوت کنم بیایند و این کارها را ببینند. چون دست‌ورزی چیزی است که بچه‌ها راحت‌تر می‌توانند از طریق آن ارتباط برقرار کنند و در جریان آن از هنر هم استفاده کنند و هم خانواده‌ها که اصرار دارند حتماً تیزهوشان قبول شوند. طوری می‌شود که من مجبور می‌شوم حتی روزهای تعطیل خود را کلاس بگذارم. موضوعات تخصصی از سوی اداره و سرگروه‌های آموزشی پیگیری می‌شود ولی به هنر اهمیت داده نمی‌شود. حتی خود اولیا می‌خواهند هنر را حذف کنند و در ساعت هنر، درس دیگری کار شود. تمرکز از هنر برداشته شده است و به آن ارزش داده نمی‌شود.

دبیر هنری در یکی از شهرها می‌گفت مدیر و معاون مدرسه هر کاری کنند نمی‌توانند ده دقیقه از زمان کلاس مرا بگیرند.

✳️ **جاسمیان** همکاری به نام خانم دبیری داشتیم که فکر می‌کنم الان یزد هستند. روز اول که آمدند آشنایی نداشتند و می‌گفتند به هیچ‌عنوان یک دقیقه از کلاس خود را هم به معلمان دیگر نمی‌دهم. کسی که تخصصی ندارد و درس هنر تدریس می‌کند، خیلی راحت زمان خود را به معلمان دیگر می‌دهد.

من ریاضی و علوم و فارسی ابتدایی را کار می‌کنم. هنرها را به من دادند. من به هنر علاقه شخصی دارم. با بچه‌ها تئاتر کار کردم و هزینه چندان هم نداشت. نقش گاو را به این صورت درست کردم که لباس سفید تن بچه‌ها کردم و با مقوا روی آن لباس خال‌های قهوه‌ای گذاشتم.



سعیده قهرمانی



بیتا معمار

سعیده قهرمانی:

یکی از موارد جالب توجه این بود که مثلاً یکی از بچه‌ها از استعداد خود خبر نداشت و وقتی نقاشی روی کوزه کار کردیم، استعداد او شکوفا شد و فهمید در این زمینه تواناست



سمیه جاسمیان

سمیه جاسمیان:
من این دو درس
(ریاضی و هنر)
را تلفیق کرده‌ام؛
یعنی زمانی که
می‌خواستم
سطح و حجم
یا مترمکعب را
تدریس کنم،
بچه‌های یونولیت
یک متری را به
کلاس آوردند و
این را ساختند و
داخل آن رفتند

می‌گویم همان میزان که برای ریاضی و زبان هزینه می‌کنید، برای هنر هم هزینه کنید و دبیر تخصصی بگیرید. در شهر تنگستان کسانی هستند که گرافیک خوانده‌اند اما وارد آموزش و پرورش نشده‌اند. اگر به این‌ها پیشنهاد داده شود، با دریافتی کم هم قانع‌اند و کار می‌کنند. در ۶ ساعت درس هنر را که معلم علوم به کلاس هنر می‌رود و برگه‌های امتحانی‌اش را تصحیح می‌کند، این نیروها مشغول شوند. برخی از مدارس این کار را کردند و موفق هم بودند. نکته اصلی که می‌خواستم بگویم این است که من دبیر زبان هستم و کتاب‌ها اغلب سی‌دی دارند. هنر درسی کارگاهی است و هر چه دبیر تسلط‌تر باشد، بهتر است. در خیلی از مدارس، دبیران از کتاب هنر استفاده نمی‌کنند و کتاب‌ها نو می‌ماند. اگر کتاب سی‌دی داشته باشد، بهتر است. اگر سازمان تألیف کتب درسی سی‌دی تهیه کند، خیلی بهتر است. من خوشنویسی را دوست دارم ولی خوشنویسی‌ام خوب نیست. سر کلاس خوشنویسی هم مطمئنم بچه‌ها لذتی نمی‌برند؛ چون من خودم مشکل دارم و مهارتی ندارم. حداقل آموزش یکی از استادان که خیلی خوب کار کرده است در سی‌دی آموزشی باشد. در صورتی که ما نمی‌توانیم بچه‌ها را به کارگاه‌های سفالگری ببریم یا امکانات نداریم، بچه‌ها با دیدن سی‌دی‌ها علاقه‌مند می‌شوند.

✱ رضوانی از همکاران ممنونم و خیلی خوشحالم که این دغدغه‌ای برای همه است.

عرض پایانی من این است که مجله رشد آموزش هنر مجله خود شماست. لذا اگر همکاران تجربه دارند، تجربه‌های خود را بنویسند. ما می‌توانیم از پژوهش‌های شما استفاده کنیم. کسانی که پایان‌نامه دارند یا درس پژوهی انجام می‌دهند ارائه کنند. درس پژوهی مقوله تازه‌ای است و می‌توانیم در جریان تدریس، پژوهش هم انجام دهیم. امیدوارم این نشست مطلع پیوند نزدیک‌تر مجله با آثار همکاران باشد و هر کدام از دبیران هنر سفیر این مجله باشند. خودتان قلم‌زن و عضو هیئت تحریریه باشید. برای اشتراک بخشنامه‌ای به مدارس ارسال فرمایید تا آبونمان شوند و استفاده کنند. این مجله بال کمک آموزشی برای همه دبیران است.

را تجربه کردند. خیلی برای من جالب بود که اول مهر، از همان کلاس‌هایی که آن‌ها را برای بازدید برده بودم، دانش‌آموزان زرنگ به رشته‌های هنر و حتی کاردانش و فنی و حرفه‌ای گرایش پیدا کرده بودند.

به‌گونه‌ای آینده آن‌ها را ترسیم کردید.

✱ معمار دقیقاً. در سال‌های قبل والدین دانش‌آموزان از هزینه زیاد وسایل گله می‌کردند اما سال گذشته این مشکل را نداشتم. خیلی همکاری می‌کردند؛ چون این تجربه بازدید از هنرستان را داشتند. امسال که به هنرستان می‌رفتم، بچه‌ها می‌گفتند سال گذشته ما را به هنرستان آوردید و بازدید کردیم و به‌رغم اصرار خانواده‌ها بر رشته‌های نظری، ما هنر را انتخاب کردیم و نمی‌دانستیم این‌همه استعداد داریم؛ یعنی استعداد خود را در رشته هنری کشف کردند.

خانم معمار، لطفاً فرمایش‌های خود را جمع‌بندی کنید.

✱ معمار گله من از نبود کارگاه هنر است.

با اینکه در مدرسه خاص هستید، کارگاه ندارید؟

✱ معمار بله؛ هنرستان بزرگ است اما برای هنر کارگاه ندارد. همه مدارس برای کار و فناوری کارگاه دارند. سال گذشته من از نمازخانه یکی از مدارس استفاده می‌کردم اما از هفته دوم یا سوم مدیر اجازه استفاده نداد. بچه‌ها رنگ را روی فرش ریخته بودند و تا ۴۰۰ هزار تومان هزینه روی دست مدرسه گذاشته بودند. برای ما کار به رنگ هم نکشید. بچه‌ها بعد از کلاس، جارو می‌کردند ولی گفتند چون برای کار و فناوری هم کارگاه نداریم، گله می‌کنند که چرا نمازخانه را در اختیار شما قرار داده‌ایم اما برای آن‌ها اجازه استفاده نیست. گفتند از حیاط استفاده کنید. کار به آخر سال که کشید، همان حیاط را هم از ما گرفتند. گفتند بچه‌ها به حیاط هم نیایند و در همان کلاس باشند. این تجربه سال گذشته است. امسال از همان کلاس استفاده می‌کنیم.

کار شما مبنی بر بازدید بچه‌ها به نظرم ایده نوبی است که باید تداوم داشته باشد.

✱ ماندگارنسب من برای بازدید به مدارس می‌روم. به مدرسی که نیروی تخصصی ندارند



اشاره

از پدر گر قالب تن یافتیم
از معلم جان روشن یافتیم (شهریار)

روش‌های صمیمانه در تدریس هنر

محمدعلی اشرفی، دبیر هنر

آموزش‌ها و روش‌های مبدعانهٔ معلمان هنر گنجینه‌ای ارزشمند و برآمده از لحظات باشکوه تدریس آن‌ها به حساب می‌آید. افسوس که معلمان هنر در قلم‌بند کردن و نوشتن این سرمایه‌های خود اهتمام لازم را به عمل نمی‌آورند. با هدف حفظ یافته‌ها و تجربه‌های آموزشی بر آن شدیم که در قالب پیام‌های خواندنی و کوتاه به ثبت و ترویج برخی از آن‌ها بپردازیم. این تجربه‌ها و نکات آموزشی زیادند. آنچه می‌آید، برگرفته‌ها از گفت‌وگوهایی است که با دبیران هنر انجام شده است. یادآوری این نکته ضروری است که هستهٔ اولیهٔ این پیام‌ها در تحریریهٔ مجله پرورش داده شده است و با افزودن و کاست‌های لازم برای درج در مجله، به شکلی که خواهد آمد، آماده گردیده است. آخر اینکه از شما معلمان و دبیران عزیز هنر خواهشمندیم مواردی از این‌گونه را بنویسید و به دفتر مجله ارسال کنید.



□ تأثیرگذارترین معلم هنر من

در گفت‌وگویی که با یکی از اهل هنر داشتم از او پرسیدم: «تأثیرگذارترین استادی که شما را در رسیدن به این مرحله یاری کرده، چه کسی بوده و چه روشی داشته است؟» گفت: «استادی بود که روش بسیار آزادانه‌ای را در کلاس اعمال می‌کرد. جالب اینکه این روش او را کسی جدی نمی‌گرفت. گویی او تنها یک کار را در کلاس جدی می‌گرفت و آن همان جدی نگرفتن کلاس بود. کلاس را آرام‌آرام پیش می‌برد و هر کاری که ما می‌کردیم می‌گفت: «چه کار خوبی است» تو همین راه را ادامه بده. واقعاً همین روش آن استاد باعث بالندگی و رشد دانشجویان می‌شد و خود من هم با این آزادی عمل به شرایط فعلی رسیدم.» کسی که این خاطره را برایم نقل کرد **مسعود نجابتی** است که در شیوه «خط در گرافیک ایران» جایگاه ویژه‌ای دارد؛ استادی هم که او از وی یاد می‌کرد، استاد **قربانعلی اجلی**، خوشنویس و مدرس خط در گرافیک دانشگاه است. نتیجه اینکه ارمغان آزادی و رهایی معلم، رشد خلاقیت هنری در بچه‌هاست.

□ معلم محبوب هنر

یکی از معیارهای مهم تأثیرگذار بودن معلم هنر در کلاس، نحوه ارتباط او با دانش‌آموز است. به عبارت دیگر دل‌سپردن دانش‌آموز به شخصیت معلم هنر به معنای دل‌بستگی و عشق او به درس هنر نیز هست.^۱ این اتفاق پیام دیگری نیز دارد؛ دانش‌آموز از معلم محبوب خویش بهتر می‌آموزد تا از معلم غیرمحبوب. ارتباط صمیمانه معلم هنر با دانش‌آموز و ندیدن این درس از زاویه نمره و ارزشیابی سخت‌گیرانه، مقدمه‌ای است برای شیرین و دل‌چسب کردن درس هنر. به‌ویژه کار عملی و حضور در کارگاه هنر این تعامل دل‌نشین را قوت می‌بخشد. یکی از خانم معلم‌های هنر می‌گفت «من کاری می‌کنم که این معلم و شاگردی کنار برود و به مادر و فرزندی تبدیل شود، و احساس می‌کنم این‌طور بهتر است»^۲.

□ دل‌نوشته معلم هنر وصفی از درس هنر!

در کلاس هنرم رایحه مهر و صفاست لذت‌انگیزترین خاطره‌هایم جاری است دانش‌آموز در آن شور شکفتن دارد ... شوق دانستن هر نکته تازه پیداست ... و «قلم‌موی» من از شوق به هر سو لغزان از «گل» احساس لطیفی به هوا می‌آید دست‌ها با «قلم‌نی»، چه حکایت دارند؟ و «نواپی» که به اندیشه‌ام آرام و جلا می‌بخشد این همه حال به زیبایی و عشق و هنر است و کلاس هنر این خلوت پرواز خیال بهترین لحظه دلدادگی و حس من است به شکوفایی گل‌های چمن خرسندم تا در این چشمه چنین آب حیاتی پیداست من به بالندگی «درس هنر» خشنودم تا به شیرینی و شیدایی آن ذوق کنم ...

او تنها یک
کار را در کلاس
جدی می‌گرفت
و آن همان جدی
نگرفتن کلاس
بود

دل‌سپردن
دانش‌آموز به
شخصیت معلم
هنر به معنای
دل‌بستگی و
عشق او به درس
هنر نیز هست



همیشه در کلاس
به بچه‌ها می‌گوییم
نمی‌خواهیم شما
را بازیگر بار
بیاورم. هدف من
فقط آشناسدن
شما با این هنر
و بعد، علاقه‌مند
شدنتان به آن
است

دبیر هنر زمینه‌ساز رشد و علاقه‌مندی بچه‌هاست!

در یکی از جشنواره‌های دانش‌آموزی تدریس داشتم. دانش‌آموز مستعدی بود که پدر و مادرش دندان‌پزشک بودند و در مدرسه تیزهوشان درس می‌خواند. حال و هوای مدرسه سوق دادن بچه‌ها به طرف پزشکی شدن بود و حتی این کار را با شدت انجام می‌دادند. از عشق و علاقه این دانش‌آموز برای کار کردن خلاقانه با گل و گچ کاملاً خبر داشتم و به همین دلیل، بارها با خانواده وی صحبت کردم که فرزند شما در این هنر بسیار مستعد و علاقه‌مند است و البته طبیعی است که نپذیرفتند. روزی که کار با گچ را در جشنواره به اتفاق دانش‌آموز انجام دادیم، وی گفت امروز بهترین روز زندگی‌ام بود و لذتی که از درس عملی هنر بردم، بی‌نظیر بود. او این احساس خود را با شور و حال در حضور خانواده‌اش بیان کرد و طوری شد که پدر و مادرش همان‌جا موافقت کردند هر رشته‌ای را دوست دارد انتخاب و برای آن تلاش کند. بنابراین، دبیران هنر می‌توانند با کار عملی و زمینه‌سازی لازم این‌گونه مؤثر باشند.^۲

استعدادیابی کلید تدریس حرفه‌ای

من در کلاس توجه خود را قبل از آنکه فقط روی درس متمرکز کنم، بر شناخت استعداد دانش‌آموزان متمرکز می‌کنم. با شناسایی استعداد بچه‌ها در رشته‌های نمایش، عکاسی، نقاشی، سفال و خوشنویسی در همان جلسات اول گروه‌ها را تشکیل می‌دهم. علاقه‌مندان عکاسی به حیاط می‌روند، علاقه‌مندان نمایش در نمازخانه

یا سالن مدرسه به اجرا می‌پردازند و گروه‌های دیگر در کلاس و کارگاه به کار مشغول می‌شوند. با این کار می‌خواهم به علاقه درونی بچه‌ها در زنگ هنر جواب دهم. بچه‌ها می‌دانند که به چه هنری علاقه دارند و به راحتی به حوزه مورد توجه خود وارد می‌شوند. آزادشان می‌گذارم تا خودشان جلو بروند و من فقط نقش هدایتی خود را اعمال می‌کنم. هنر را نمی‌توان به دانش‌آموزان تحمیل یا تلقین کرد!

طنزهای کلاس هنر!

«در یکی از کلاس‌ها دانش‌آموزی خیلی بی‌انگیزه بود. در کلاس پایش را دراز می‌کرد و معمولاً کتاب و دفتر و خودکار و مدادی هم به همراه نمی‌آورد. به او گفتم: چه کار لذت‌بخشی برای درس هنر می‌توانی انجام دهی؟ او با خونسردی گفت: هیچ کاری! بعد از کمی صحبت به او گفتم: برایم سنگ‌ریزه‌های زیبای مسیر خانه تا مدرسه را جمع کن و به کلاس بیاور. قبول کرد و این کار را انجام داد. در نوبت بعد از او خواستم که سنگ‌ریزه‌ها را رنگ‌آمیزی کند. وقتی علت این کار را پرسید به او گفتم: حداقل بهانه‌ای است که نمره‌ای به تو بدهم!»^۳

موسیقی جان‌بخش

در دفتر اشعار من ای اهل دل و هوش
نقاشی و موسیقی و شعرند هم آغوش
دبیر هنر می‌گفت: با خواهش و تمنا، بالاخره
در مدرسه موفق شدم کلاسی را به شکل کارگاه
درآورم. در کارگاه هنگام کار کردن بچه‌ها موسیقی
می‌گذارم و بازخورد خوبی گرفته‌ام. کلاس هنر
من به خاطر تمرکز بچه‌ها به کار ساکت‌ترین



نمایش در کلاس واقعاً جواب می‌دهد!

«نمایشنامه‌های دانش‌آموزپسند را برای اجرا در کلاس دریابیم».

همیشه در کلاس به بچه‌ها می‌گویم نمی‌خواهم شما را بازیگر بار بیاورم. هدف من فقط آشناندن شما با این هنر و بعد، علاقه‌مندشدنتان به آن است. دانش‌آموزانی داشتم که منزوی و ساکت بودند و شاید اگر شما ظاهر آن‌ها را می‌دیدید، فکر می‌کردید توسری خور هم باشند. اما با دادن نقش به آن‌ها و اجرای نمایش می‌دیدم که خود را به گونه‌ای دیگر ظاهر می‌کردند. چقدر شخصیت صمیمی و دقیق و ریزبین از خود ارائه می‌کردند. در نمایش، دانش‌آموز ناچار به دیده شدن است. گاهی که احساس می‌کنم دانش‌آموزی در تنهایی ممکن است در نقش خود خوب ظاهر نشود، او را با چند دانش‌آموز همراه می‌کنم تا نقش‌آفرینی و دیالوگ خود را به صورت جمعی ارائه دهد. نمایش برای بچه‌ها اوج شکوفایی و بالندگی است. وقتی دانش‌آموز همه چشم‌ها را روبه‌روی خودش می‌بیند، اعتمادبه‌نفس و خودباوری‌اش تقویت می‌شود. نمایش جریان یکنواخت کلاس را از بین می‌برد و فضا را متحول می‌کند؛ طوری که دانش‌آموز در آن بهتر آرام و قرار می‌یابد و ذهنش متمرکز و فعال می‌شود.^۹

معلم دست به قلم!

در سال‌هایی که در حوزه هنر معلمی می‌کردم، نکته‌ای که برای بچه‌ها خیلی مهم بود این بود که

کلاس است که برایم تجربه موفق بوده است. در انتهای زنگ، کارهای برتر دانش‌آموزان را در کلاس معرفی می‌کنم و با توجه به اینکه دیوار کارگاه برای نصب تابلوها از قبل آماده شده است، نمایشگاه کوچکی به زودی شکل می‌گیرد. این کار اعتمادبه‌نفس بچه‌ها را بالا می‌برد و آن‌ها را برای برپایی نمایشگاه‌های جدی‌تر آماده می‌کند. موسیقی، زمینه‌ای آرام و تمرکزآفرین برای بچه‌ها فراهم می‌کند و تاکنون به تجلی کار هنری آن‌ها کمک شایانی کرده است.^۶

مخالفت پدران و مادران با درس هنر

پاره‌ای از اولیای دانش‌آموزان درس هنر را تشریفاتی می‌دانند. از نظر آن‌ها این درس فقط فرصتی برای بالا بردن معدل است. دبیر هنر می‌گوید: «برای علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان چندین جلسه وقت می‌گذارم و هنگامی که دانش‌آموز با من کنار می‌آید، با جبهه‌گیری اولیای او روبه‌رو می‌شوم. در مدرسه نیز دیده می‌شود که مدیران حق را به اولیا می‌دهند».^۷

به نظر شما اگر پدر و مادرها به تأثیرات هنر در «ایجاد آرامش روانی، ارتقای اعتمادبه‌نفس، رشد نشاط و سرزندگی، دور شدن از احساس بیهودگی و متعادل کردن حضور در فضای مجازی پی ببرند»، آیا باز در برابر هنر جبهه خواهند گرفت؟ بنابراین، یادآوری کارکرد و تأثیرات هنر توسط معلم هنر الزامی است.^۸



و عملی از بی‌اهمیت شدن این درس جلوگیری می‌کند.

□ قصه‌های هنری رمز تکاپوی کلاس

قصه‌گویی هنری است که به اندیشیدن ما پر پرواز می‌دهد! قصه، تلطیف زبان هنر است! یکی از جذاب‌ترین تکنیک‌های تدریس، آمیختن درس هنر با قصه‌های مرتبط هنری است. سرگذشت‌نامه‌های هنرمندان پر از قصه‌های شیرین و دلکش است؛ کافی است دبیران هنر هنگام برخوردن به قصه‌ها آن‌ها را یادداشت کنند و در کلاس از آن‌ها بهره بگیرند. این موارد در فرازوفروذ زندگی و جنبش هنرمندان پرشمار است. افسوس که نمی‌توان مصداق‌ها را بیان کرد. گاه یک بیت شعر اثرگذار کار یک سخنرانی را انجام می‌دهد. قصه نیز قدرت خنداندن، گریاندن، شاد کردن، به هیجان آوردن و دادن انرژی مثبت را با هم داراست. از زندگی هنری میکلا آنتز، داوینچی، رافائل، کمال‌الملک، استاد فرشچیان و صدها هنرمند بزرگ دیگر نکته‌های قصه‌وار زیادی را می‌توان روایت کرد. دانش‌آموزان با قصه ارتباط برقرار می‌کنند و ذهنشان تمرکز می‌یابد و هنر در ذهن آن‌ها واقعی و ملموس می‌شود. قصه‌گویی به‌عنوان چاشنی و ابزار تدریس به بچه‌ها در تصمیم‌گیری برای آینده مدد می‌رساند؛ زیرا قصه آینه‌ای از تعاملات اجتماعی و هنری پیش روی آنان قرار می‌دهد و البته برای هر حادثه و رخدادی قصه متناظر آن وجود دارد. بیان قصه‌های هنری، مربوط به هنرمندان، به دانش‌آموزان یاد می‌دهد که «ره چنان رو که ره‌روان رفتند»!

معلم اگر چیزهایی می‌گوید یا از بچه‌ها می‌خواهد انجام دهند، خودش هم آن را انجام دهد. تصورم این است که بچه‌هایی که با معلمانی سروکار داشته‌اند که معلمان خوبی بوده‌اند ولی توانایی انجام دادن کاری را که می‌گفته‌اند، نداشته‌اند نمی‌توانسته‌اند ارتباط لازم را برقرار کنند. اینکه بچه‌ها مطمئن باشند که ما معلمان چیزی را که می‌گوییم خودمان به‌خوبی انجام می‌دهیم و توانایی انجام دادن آن را داریم، خیلی تأثیرگذار است. برخی مواقع که در کلاس دست‌به‌قلم می‌شوم، می‌بینم تأثیر بیشتری از کلام می‌گذارد؛ یعنی بچه‌ها جمع می‌شوند و حتی برخی مواقع به زبان می‌آورند که این زیباست. این روش، رابطه شاگرد و معلم را زیباتر می‌کند و بچه‌ها این معلم را باور خواهند داشت. فکر کنم دیدن کار معلم در کلاس اگر واقعاً این توانایی را داشته باشد، خیلی تأثیرگذار است. بچه‌ها دوست دارند ببینند معلم خودشان دست‌به‌قلم می‌شود و کار می‌کند. در این صورت، یادگیری برای آن‌ها راحت‌تر و دل‌پذیرتر می‌شود^۱.

□ ارزشیابی درس هنر

سلیقه‌ای بودن ارزشیابی هنری از تلاش‌های دانش‌آموزان، گویی از اهمیت این درس می‌کاهد، اما وقتی در زمان یا روز امتحان، دانش‌آموزان مراسم ژوژمان دارند و آثار خود را بر سینه کارگاه، راهرو و دیوار کلاس نصب می‌کنند، موضوع متفاوت می‌شود. برخی از دبیران با اختصاص دادن «پوشه کار» به دانش‌آموزان نمونه کارهای هنری آن‌ها را در پایان ترم رصد می‌کنند و آن را مبنای ارزشیابی قرار می‌دهند. ارزشیابی عینی

بچه‌ها دوست دارند ببینند معلم خودشان دست‌به‌قلم می‌شود و کار می‌کند. در این صورت، یادگیری برای آن‌ها راحت‌تر و دل‌پذیرتر می‌شود



پی‌نوشت‌ها

۱. گفت‌وگوی نگارنده با محمد زحمتکش، دبیر هنر استان البرز (با افزود و کاست و بازنویسی).
۲. گفت‌وگوی نگارنده با خانم غفوریان، دبیر هنر ساری (با افزود و کاست و بازنویسی).
۳. گفت‌وگوی نگارنده با علی شریف کاظمی، دبیر هنر کرج (استان البرز).
۴. گفت‌وگوی نگارنده با آقای قیطاسی، دبیر هنر ایلامی.
۵. آقای یوسفی، دبیر هنر شهر ایلام، با افزود و کاست و اقتباس.
۶. برگرفته از نکته‌های سرکار خانم خرائی، دبیر هنر ایلامی، با افزود و کاست.
۷. سرکار خانم خرائی، دبیر هنر ایوان در استان ایلام.
۸. آقای حمزه منصوری، دبیر هنر ملکشاهی ایلام.
۹. اقتباس با افزود و کاست از گفت‌وگو با محمدرضا کوچکی، دبیر هنر آبدانان ایلام، تابستان ۱۳۹۶.
۱۰. گفت‌وگوی نگارنده با مسعود نجابتی، مرداد ۱۳۹۶.



مجتبی بابائیان

گامی در گسترش تجربه‌ها

گزارشی از جشنواره تجربه‌یات برتر در آموزش هنر



هنر) سخنرانی کردند.

در ادامه نیز برگزیدگان جشنواره به ارائه تجربه‌های برتر خود به شرح زیر پرداختند.

- حسن یوسفی با عنوان ساختن حجم‌های هندسی ساده (مکعب و جعبه‌ها) از استان قزوین
- ناهید محمدابراهیمی با عنوان آموزش تصویرسازی: از آموزش تا اجرا و چاپ
- حسن کشاورز با عنوان تزیین و رنگ‌آمیزی مدرسه با نقوش اسلامی توسط دانش‌آموزان
- شهربانو شهبانی حدادان با عنوان اسکراب بُرد با شیرنگ
- معصومه محمدی به عنوان خلاقیت با ترکیب دایره‌ها

- مریم حیدری با عنوان آموزش قلم‌زنی
- پروانه عباس‌زاده با عنوان ایجاد ارتباط میان آموزش هنر و مطالعات اجتماعی.

یادآوری می‌شود که تجربه‌های حسن کشاورز و خانم معصومه محمدی پیش از این در مجله رشد آموزش هنر شماره‌های ۴۱ (بهار ۱۳۹۴) و ۵۱ (بهار ۱۳۹۷) به چاپ رسیده بود که این نکته را می‌توان گویای تعامل مجله و مخاطبان آن تلقی کرد. در پایان نیز از برگزیدگان جشنواره با اهدای لوح تقدیر و جوایز قدردانی شد. استقبال دبیران و دانشجویان هنر از این جشنواره در روز برگزاری قابل توجه بود. نکته مهم این است که برگزاری جشنواره تجربه‌های برتر هنری و جشنواره درس‌پژوهی در هنر و یا جشنواره الگوهای برتر تدریس نیازمند آن است که در تقویم آموزشی دارای زمان و شناسنامه لازم شوند تا دبیران هنر بتوانند با انگیزه قوی به خلق اثرهای مورد نیاز برای ارائه در جشنواره بپردازند. به همین دلیل باید تأکید کرد که هر چه سریع‌تر لازم است جشنواره‌های موردی و مقطعی جای خود را به جشنواره‌های تقویم‌دار و دائمی بدهند. این نکته ضرورتی است که همت دست‌اندرکاران و عزم همکاران را می‌طلبد. به همین سان رشد آموزش هنر برای دوام و استمرار این تلاش اعلام آمادگی می‌کند.

جشنواره‌های تجربی نقشی مهم در تجمیع داشته‌ها و سرمایه‌های تربیتی دارند. به‌ویژه که تنوع و گستره موضوع در رشته‌های هنری ضرورت انتقال این تجربه‌ها را دوجندان می‌کند. با هدف تحقق بخشیدن به همین امر پردیس شهید شرافت تهران با همکاری دانشگاه فرهنگیان و اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران اقدام به برگزاری این جشنواره یک‌روزه در اواخر فروردین‌ماه گذشته کرد.

اهداف اجمالی جشنواره شامل محورهای ذیل بود:

۱. سازمان‌دهی دانش بومی حاصل از تجربیات استاتید در آموزش هنر یا کاربرد هنر در آموزش
۲. ثبت و تدوین تجارب ارزشمند استادان
۳. انتقال تجارب استادان
۴. آشنایی معلمان جدید و دانشجومعلمان با تجارب استادان و معلمان شاخص.

همچنین محورهای مهمی چون تجربه‌های آموزشی و تربیتی، کلاس‌های چندپایه و تجارب حرفه‌ای معلمان، راهبردهای تدریس مؤثر در آموزش هنر، ارزشیابی در هنر، طراحی واحد یادگیری در آموزش هنر، تجربه‌های پژوهشی و مواردی از این دست عناوین از پیش تعیین‌شده برای ارسال مقالات و تجربه‌ها از سوی معلمان و استادان بود. دبیری علمی جشنواره را استاد علی‌اصغر ایمان‌زاده، مدرس پردیس شهید شرافت، و دبیر اجرایی آن را سرکار خانم دکتر کاوه، رئیس پردیس شهید شرافت، بر عهده داشتند.

در مجموع تعداد ۵۰ تجربه، مقاله و نوشتار به دبیرخانه جشنواره رسیده بود که در نهایت ۷ اثر پس از داوری و ارزشیابی استادان مرادی، بابائیان، قلعه‌دار، قاسم‌زادگان و ... به مرحله نهایی راه یافتند.

جشنواره در صبح روز ۲۷ فروردین آغاز به کار کرد و در نشست افتتاحیه آقایان دکتر انصاری‌راد (سرپرست مدیریت امور پردیس‌های استان تهران)، دکتر سمیعی (مدیر پشتیبانی تولید علم بومی دانشگاه فرهنگیان) و کاوه تیموری (مدرس



**تجربه‌های
حسن کشاورز
و خانم معصومه
محمدی
پیش از این در
مجله رشد
آموزش هنر به
چاپ رسیده بود
که این نکته را
می‌توان گویای
تعامل مجله و
مخاطبان آن
تلقی کرد.**



مدرس هنر آذربایجان محمد علی فرزبود

کاوه تیموری

اشاره

دبیران و مدرسان هنر از تداوم سه دهه فعالیت شماری از دست‌پروردگان خود را به جامعه هنری معرفی می‌کنند. در این فرصت مغتنم تکاپوی هنری آن‌ها نیز موجب می‌شود که به اطلاعات، توانایی‌ها و تخصص هنری خود با پویش مستمر بیفزایند. در سایه‌سار لطف الهی و با استمرار تلاش‌های دبیران و مدرسان هنر نسلی کارآمد و اثرگذار در سطح کشور تربیت شده که امروزه روز از برکات تلاش به‌ثمررسیده آن‌ها جامعه تعلیم و تربیت در بخش هنر بهره می‌برد. استاد محمدعلی فرزبود از دبیران و مدرسان تبریز است که در زمره هنرمندان پر تلاش خدمات قابل توجهی را به فرزندان و علاقه‌مندان تبریز ارزانی داشته است. با هم احوال و آثار ایشان را مطالعه می‌کنیم.

کلیدواژه: سلوک هنری، زمینه اجتماعی، نقد و بررسی و ارائه آثار



محمدعلی فرزبود در یک نگاه

محمدعلی فرزبود متولد ۱۳۳۷ در شهر شکر خیز تبریز است. او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه نظامی و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان ثقة الاسلام تبریز سپری کرد. از سال ۱۳۵۸ به عنوان معلم به آموزش و پرورش دانش‌آموزان موطن خودش همت گماشت. کار تدریس را در مناطق محروم و دور افتاده شهرهای هشترود و ورزقان آذربایجان آغاز کرد. سپس، تحصیلاتش را تا مقطع کارشناسی ارشد به انجام رساند. فرزبود خوش‌نویس حرفه‌ای است که در مدت ۳۲ سال فعالیت معلمی نیز به این کار پرداخته است. بنابراین، می‌توان گفت او تمام وقت به کار خوشنویسی اشتغال داشته و کارنامه حرفه‌ای‌اش نیز نشان‌دهنده پر کاری خیره‌کننده اوست. فرزبود کتابت و قطعه‌نویسی حدود ۴۰ اثر را در سوابق خود دارد.

آموزش

آغاز فعالیت خوشنویسی او به تحصیل در دبیرستان ثقة الاسلام باز می‌گردد. خودش می‌گوید:

«استاد بزرگوار، ابراهیم بخت شکوهی (۱۳۸۵ - ۱۳۲۰) در آن سال‌ها دبیر خوشنویسی ما

استاد بزرگوار
(امیرخانی) حق
بسیاری بر گردن
خوش‌نویسان،
از جمله حقیر
دارند. با ابتکار،
حسن اخلاق و
شیوه تعلیمی
که ایشان
داشتند، ما را در
مسیری از تحول
خوشنویسی قرار
دادند

بودند. با این آشنایی از سال ۱۳۴۸ بود که به‌طور جدی مشق را زیر نظر ایشان شروع کردم. در ادامه، به مدت یک سال در سال ۱۳۵۵ از محضر استاد رسام در کلاس‌های خوشنویسی تبریز استفاده کردم. در سال (۱۳۵۶) استاد ارشد انجمن خوش‌نویسان ایران، استاد امیرخانی به تبریز تشریف آوردند. الحق این استاد بزرگوار حق بسیاری بر گردن خوش‌نویسان، از جمله حقیر دارند. با ابتکار، حسن اخلاق و شیوه تعلیمی که ایشان داشتند، ما را در مسیری از تحول خوشنویسی قرار دادند و به این ترتیب، راه هموارتری پیش رویمان قرار گرفت. در سال ۱۳۵۸ در حضور استاد امیرخانی در تبریز گواهی‌نامه ممتاز گرفتم» (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

فرزبود در یک دوره بیست ساله به عنوان مدرس انجمن خوش‌نویسان تبریز (۱۳۸۱ - ۱۳۶۰) فعالیت‌های مستمر هنری خود را ادامه داد. در این سال‌ها بیشترین تأثیرپذیری و الهام او از شیوه امیرخانی بود. با این حال به قول خودش که شخصیتی معنادرگراست:

«در سال‌های آخر عمر پر برکت مرحوم استاد حسن هریسی (ره) با توجه به اینکه ایشان خانه‌نشین شده بودند، جهت عرض ارادت به منزلشان می‌رفتم و از تجارب، رهنمودها و

نصایح پدرانۀ ایشان، چه در امر مبارزه با نفس و چه در ارتباط با اندوخته‌های هنری‌شان بهره‌مند می‌شدم» (همان).

گرایش به خط شکسته

در دهۀ شصت، فرزبود تعلق درونی ویژه‌ای به خط شکسته پیدا کرد. از نظر او در خط شکسته نستعلیق «چرخش، دوره‌ها، صعودها، نزول‌ها و ترکیبات نوعی هماهنگی با سماع عارفانه دارد که پیوندی عمیق با روح عرفان در آن برقرار می‌شود. شکسته‌نویس با نگارش این خط وارستگی، رهایی، افتادگی باطنی و جوهرۀ وجود خویش را در کلمات نشان می‌دهد» (همان).

او به خاطر این دل‌بستگی به خط شکسته برای تحریر کتاب‌هایش به این شیوه رو آورد. کتاب «رقص موزون» (۱۳۶۹) و «دیوان حافظ» (۱۳۷۲) دو کار مهم ایشان در خط شکسته است که بعدها نیز با کتابت سایر آثار تداوم یافت.

خط شکسته فرزبود، آن گونه که خودش نیز به دنبال آن بوده، دارای پیچیدگی کمتری است و با خواننده راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کند. در میان معاصران، او اولین خوش‌نویس شکسته‌نویس است که دیوان حافظ را نگاشت و به چاپ رساند. در کتابت شکسته دیوان حافظ اتصالات کم، دوری از اتصالات مکرر و کشش‌های منطقی دیده می‌شود. شیوه خوشنویسی او را باید در دل‌بستگی تام و تماش به شخصیت منحصر به‌فرد این خط دنبال کرد.

مهر باطنی او به «درویش عبدالمجید طالقانی»، شکسته‌نویس نام‌دار عهد صفوی (۱۱۸۵-۱۱۵۰ ه. ق)، با صفای درونی او توأم شده و به این خاطر نوعی هم‌زاد پنداری و هم‌نوایی با وی در خط نستعلیق شکسته به وجود آورده است. او در خوشنویسی از ذهنی بهره‌مند است که می‌تواند عناصر مختلفی را ترکیب کند؛ به‌طوری که در نستعلیق او هیچ گاه رد پای شکسته دیده نمی‌شود و در شکسته او آثار و بقایای نستعلیق بسیار محدود است. او این توانایی را دارد که در هنگام نگارش شیوه نستعلیق تمام توان هنری خود را به کار گیرد و در هنگام نگارش شکسته نستعلیق، تنها قواعد و ظرایف این خط در نظرش حاضر می‌شوند.

فرزبود این ویژگی در هنرش را مدیون تلاش‌های شبانه‌روزی و ریاضت‌های عاشقانه و اشراف عمیقش به قواعد این دو شیوه می‌داند. او نیز همانند بسیاری از خوش‌نویسان، که بینش

نظری عمیقی دارند، معتقد است که نستعلیق و شکسته به مثابۀ دو کفۀ ترازو، باید با هم وزنی برابر از توانمندی خوش‌نویس خبر دهند. این امر به سادگی برای هر کس مقدور نیست و علاوه بر تکنیک، احساس هنری نیز در موقع نوشتن به‌طور کامل باید بر همان خط منطبق شود.

نگاهی به آثار

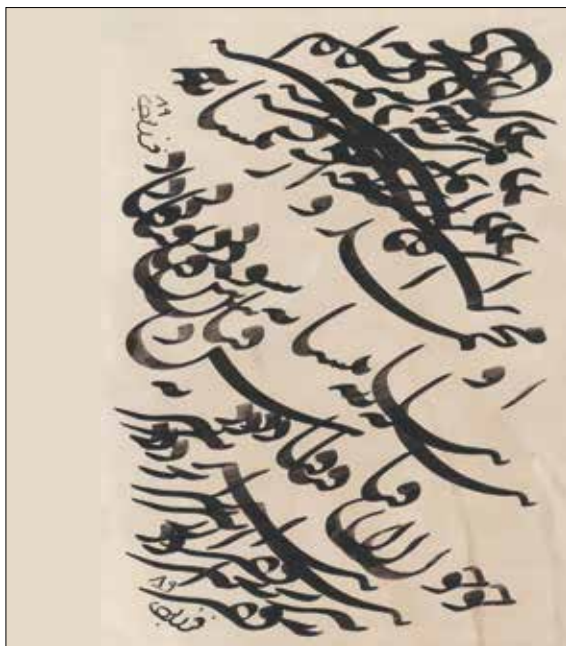
وی در زمینه کتابت آثار متعددی دارد. کتاب «رقص موزون» اولین اثر چاپی اوست که به کار هنرجویان شکسته آمده و اولین گام برای شناسایی توانایی‌های او در بهره‌گیری از آثار به یادگار مانده شکسته‌نویسان سلف است. او در این اثر به نگارش و تکرار بسیاری از قطعات گذشته درویش پرداخته است. کتاب در سال ۱۳۶۹ از سوی انجمن خوش‌نویسان ایران به عنوان اولین کتاب از مؤلف شهرستانی به چاپ رسید و فرزبود آن را به هنرمند جوان و ناکام مرحوم «احد کاظمی» (۱۳۶۹ - ۱۳۴۶) تقدیم کرده است.

دومین اثر عمده فرزبود، دیوان کامل حافظ به خط شکسته دفتری است. دیربازی است که در عرصۀ خوشنویسی شکسته اثری از آثار کتابت به این خط دیده نمی‌شود. این امر ناشی از شمار اندک شکسته‌نویسان است که البته، گرچه نظری نادرست نیست، تمام واقعیت را نیز به خوبی بیان نمی‌دارد. مشکل اصلی این است که در دورۀ فعلی، شکسته‌نویسان تحت تأثیر شیوه رایج کمتر به کتابت روی می‌آورند و تنها کار خود را بر تو در تو نویسی و قطعه‌نگاری‌های انتزاعی متمرکز می‌کنند. در واقع، از کلمات به عنوان ابزاری برای ایجاد فرم و فضا و ترکیب و سرانجام، ایجاد ترکیب‌بندی بهره می‌گیرند. این چنین است که در این دوره، آثار کمی به خط شکسته به کتابت در آمده است، که با ایجاد ارتباط با خوانندگان، آن‌ها را در ابعاد وسیع با این خط آشنا کند. برای اولین بار این کار با فرزبود و چاپ دیوان کامل حافظ وی در سال ۱۳۷۲ آغاز شد. کار فرزبود در کتابت این اثر تجربه خوبی به همراه داشته و در حل و فصل بسیاری از مسائل سطرنویسی و صفحه‌آرایی و پیوند سطور با یکدیگر تلاش‌های ارزشمندی را به نام خود ثبت کرده است.

آثار وی که بیشتر آن‌ها به چاپ رسیده و یا آماده چاپ‌اند، به قرار زیراند:

۱. رقص موزون، تألیف و تحریر به خط

نستعلیق و شکسته به مثابۀ دو کفۀ ترازو، باید با هم وزنی برابر از توانمندی خوش‌نویس خبر دهند. این امر به سادگی برای هر کس مقدور نیست



شکسته، چاپ اول، ناشر انجمن خوش‌نویسان ایران، تهران، ۱۳۶۹.

۲. دیوان کامل حافظ، به خط شکسته، ناشر احرار، چاپ اول، تبریز، ۱۳۷۲.

۳. دیوان کامل حضرت امام خمینی (ره)، به خط شکسته، اصل نسخه خطی در موزه آثار نشر امام، تهران، ۱۳۷۴.

۴. غواصان، خط شکسته، ناشر ستاد برگزاری کنگره سرداران شهید آذربایجان (مشترک با زنده یاد استاد ابراهیم بخت شکوهی)، چاپ اول، مرداد ۱۳۷۴.

۵. نظری به سیاه مشق و خط نگاره، تألیف، احرار تبریز، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۶. ترکیب‌بند محتشم کاشانی به خط شکسته، احرار تبریز، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۷. ترجیع‌بند هاتف اصفهانی به خط شکسته، احرار تبریز، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۸. گنجینه‌الاسرار عَمّان سامانی، خط شکسته، سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.

۹. مناجات نامه، مقالات و مقامات خواجه عبدالله انصاری، خط شکسته، احرار تبریز، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۰. رقص موزون، احرار تبریز، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۱۱. کلک و کمال، تألیف، انجمن خوش‌نویسان تبریز و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۱۲. صریر خاموش، تألیف، ناشر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۳. مقایسه دو روش تدریس سنتی و فعال خوشنویسی، تحقیق، آماده چاپ، ۱۳۷۷.

۱۴. پند نامه عطار، به انضمام صد پند لقمان حکیم، ناشر و خوش‌نویس محمد علی فرزبود، ۹۰ صفحه، ۱۳۷۹.

۱۵. سلامان و ابسال؛ عبدالرحمن جامی، خط و مقدمه محمد علی فرزبود، سروش، ۱۳۷۹.

۱۶. مهر معلم، نگارش قطعات نستعلیق (چهل قطعه) (مشترک با زنده یاد بخت شکوهی و محمد علی فرزبود) آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، ۱۳۷۹.

۱۷. مجموعه شعر «ناله مستانه» محمد علی فرزبود (شاعر و ناشر)، ۱۳۸۳.

۱۸. صد پند مؤلف حسین عدالت، شامل ۲۰ صفحه خط و مقدمه محمد علی فرزبود، ناشر: کانون فرهنگ و هنر و ادب آذربایجان شرقی،

۱۳۸۴.

۱۹. تحفة‌الوزراء، خط و مقدمه محمد علی فرزبود، کانون فرهنگ و هنر و ادب آذربایجان شرقی، ۱۳۸۴.

۲۰. مهر معلم قطعات خوشنویسی به خط محمد علی فرزبود، آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، ۱۳۸۴.

۲۱. کلک و وحی، پیشینه کتابت قرآن در آذربایجان محمد علی فرزبود، ۱۳۸۴.

۲۲. مهر معلم قطعات خوشنویسی به خط محمد علی فرزبود، آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، بهار، ۱۳۸۶.

۲۳. شاه اقلیم ولا به خط نستعلیق (چاپ نشده)، ۱۳۹۰.

۲۴. گل‌هایی از گلستان به خط تحریری، به شیوه امیر نظام گروسی، ۱۳۹۰ (چاپ نشده)

۲۵. پندهایی از گلستان، خط نستعلیق ۱۳۹۰ (چاپ نشده)

۲۶. شاعران بزرگ آذربایجان، خط نستعلیق ۱۳۹۲ (چاپ نشده)

۲۷. مشق چلیپا به خط نستعلیق ۱۳۹۲ (چاپ نشده)

۲۸. مناجات منظوم حضرت علی (ع) به خط نستعلیق و شکسته شهرداری تبریز، ۱۳۹۳.

فرزبود در آثار کتابت شده‌اش وسواس فراوانی برای انتخاب متون به خرج داده است. او با اشراف قابل قبول به ادبیات به سراغ مضامین بکر و عرفانی می‌رود و مشق تمنای خود را حول این

دارد و جلوه‌ای از منش و درون‌مایه شخصیتی اوست.

فرزبود در مقدمه دیوان حافظ، کتابت خود را با این عبارت به استادش زنده یاد ابراهیم بخت شکوهی تقدیم کرده است: «تقدیم به استاد بزرگوارم جناب آقای بخت شکوهی به پاس تربیت، پرورش و جهت دهی حقیر».

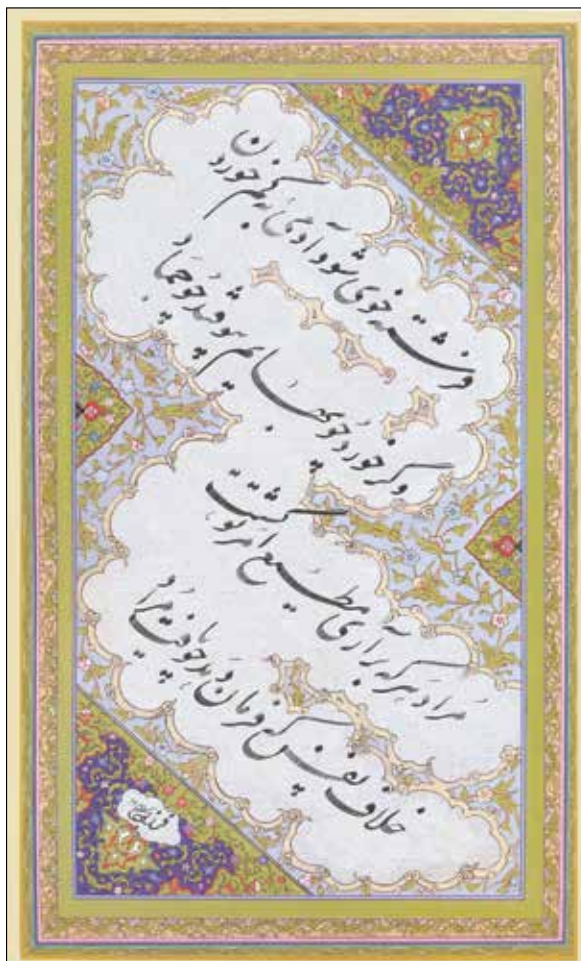
او در مقاله‌ای مفصل نیز به خصائل و وجوه شخصیتی زنده یاد استاد بخت شکوهی پرداخته و روحیات معلمی و نقش تربیتی آن بزرگوار را در رشد و ارتقای خوش‌نویسان تبریز به خوبی کاویده است (نشریه مهد آزادی تبریز، یاد یار، ۱۳۸۵).

فرزبود همچنین همیشه از هنرجویش زنده یاد احد کاظمی (۱۳۶۹-۱۳۴۶) به نیکی یاد می‌کند. عشق و علاقه او به این هنرجو برایش فراموش نشدنی و بی‌نظیر است. هم اکنون هم در محل کارش چهره احد کاظمی را پیش روی دارد. کاظمی در مدت ۱۵ ماه دوره ممتاز خوشنویسی را طی کرد و زمانی که در سال سوم رشته گرافیک در دانشگاه تهران درس می‌خواند، در اثر بیماری روحش به سرای باقی پر کشید. فرزبود این نکته را با حسرتی همیشگی یادآوری می‌کند. با طبع روان خویش در رئای شاگردش این‌گونه با رنجه قلمش گریسته است:

صاحب هنر همیشه بود زنده از هنر
هر چند جاودانه کسی در جهان نیست
جادو نگار خامه که اعجازها نمود
دردا که در غم احد کاظمی گریست
(فرزبود، ۱۳۷۱).

روحیه معلمی

با این ویژگی‌ها او در کار معلمی خط نیز توفیق فراوان داشته است. از خوش‌نویسان به ثمر رسیده تبریز تعداد قابل توجهی از کلاس او بهره گرفته‌اند و از جمله ۸۵ ممتاز در این شمار می‌باشند. گرچه او زمانی در کلاس زنده یاد استاد حسین بخت شکوهی آموزش دیده است، بررسی آثار نستعلیق و شکسته از خوشنویسی به مقام رسیده حکایت می‌کند. او احساسی لطیف دارد؛ به همین دلیل در مؤانست با ادبیات، مانند حسن خط از بهره قانع کننده‌ای برخوردار است. اگرچه در ارزیابی غایبانه، معمولاً ویژگی‌های هنر را مد نظر قرار می‌دهند، در برخوردهای حضوری شخصیت هنرمند و منش درونی اوست که آشکار می‌شود. از این حیث، باید گفت او علاوه

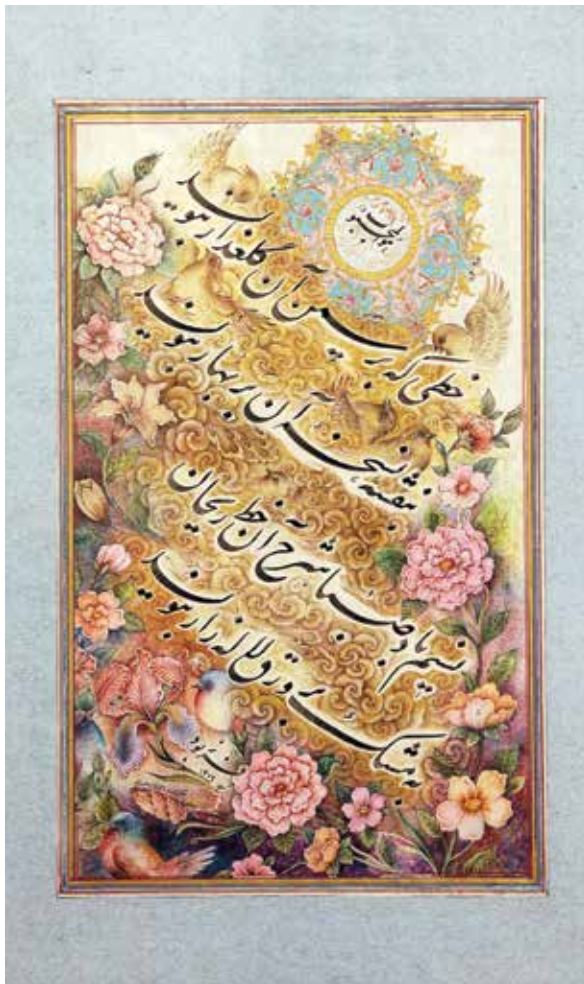


آثار گران‌قدر دایر می‌کند. بر این اساس، او برای خوشنویسی نقش تربیتی و انسان‌سازی قائل است که در اندازه یک فرهنگ ارزشمند ایفای نقش می‌کند و به گونه‌ای که تأثیرپذیری از این فرهنگ حاصلش توفیق خوش‌نویس خواهد بود. او خود در این باره می‌گوید:

«اعتبار و شخصیت خوش‌نویس را باید از ورای مضامین انتخابی او جست. در کار هنری، خوش‌نویس از طریق مضامینی که انتخاب می‌کند شخصیت باطنی خود را به منصفه ظهور می‌رساند. این مضامین است که در روحیه او اثر می‌گذارند» (مستند گلستانه، ۱۳۸۴).

مضامین در آثار خوشنویسی فرزبود سرشار از ادب فاخر فارسی و متون عمیق دینی است. خاصه آنکه یکی از علایق ثانی او آشنایی با شعر فارسی است. از جمله تلاش‌های فرزبود بالا بردن کیفیت در امر تدریس خوشنویسی بوده است. او این دغدغه را ضمن داشتن تجربه به جان زیسته در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی دو روش تدریس سنتی و فعال در آموزش خوشنویسی» دنبال کرده است. احترام به استادان و شاگردانش برای او ارزش زیادی

مضامین در آثار
خوشنویسی
فرزبود سرشار از
ادب فاخر فارسی
و متون عمیق
دینی است



بر آنکه در خوشنویسی به نزد اهل خط محبوب است، وقار و حسن نوع دوستی‌اش نکته ویژه‌ای است که در خطش بیشتر متجلی می‌شود.

داند آن کس که آشنای دل است
که صفای خط از صفای دل است

وقتی از او در مورد خصوصیات یک معلم خوشنویسی جویا شدم، او به چند اصل اشاره کرد و گفت: «باید معلم واقعی بود.» عشق به آموختن یک اصل مهم است. معلمی در خوشنویسی تنها تکنیک نیست. تکنیک باید همراه با راه اصولی آموختن باشد. در کلاس خط می‌بینم که معلمی برای دانش‌آموز مبتدی می‌نویسد «رموز عشق پیامور به پیش اهل عقول»؛ آیا این سرمشق برای او مناسب است؟

«باید ارتباط تنگاتنگی با هنرجو برقرار کرد.» این جمله فرزبود وصف حال و حرف دل بسیاری از معلمان خوشنویسی در کشور است. او در اهمیت از بین بردن مرزها بین معلم و دانش‌آموز می‌گوید: «تنها خود را استاد دیدن و هنرجو را هنرجو دیدن کافی نیست. این گونه نگرش، جذبه‌ای به وجود نمی‌آورد.» جمع‌بندی گفتار فرزبود ما را به سه اصل مهم در آموزش خوشنویسی رهنمون می‌کند:

اول، پذیرش و مقبولیت شخصیت و روحیه استاد از سوی هنرجو (اخلاق حسنه و صفات برجسته خوش‌نویس که همه می‌تواند فصلی به نام اخلاق خوشنویسی را تشکیل دهند).

دوم، ارائه تکنیک و زبردستی لازم در قلم و دست معلم خط.

سوم، نحوه تعلیم مطلب از سوی معلم (گفت‌وگو با تیموری، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد که او این نکته سوم را به خوبی با دو نکته اول و دوم تلفیق کرده است. او که تجربه‌های شغل معلمی‌اش را وام‌دار آموزش و پرورش این دیار است، هنرجویان را در نظر می‌آورد و برای آنان پیام‌های زیر را یک به یک بیان می‌کند. در اصل او به اصرار نویسنده این کلمات درصدد است، وظایف اصلی دانش‌آموز کلاس خط را با استناداردی مطلوب بیان کند؛ بنابراین، پس از تأمل و تفکر در این زمینه، چنین به نتیجه می‌رسیم که یک دانش‌آموز و هنرجوی خط باید:

۱. تمرین و ممارست کافی کند.

۲. به ازای تمرین عملی، معلم او را به مبانی نظری ترغیب کند.

۳. استفاده از تجارب به‌دست آمده در کلاس

را با حضور مرتب خود به نتیجه برساند (همان). برای او که نزدیک به سه دهه به عنوان معلمی سخت کوش راهنمای خوبی برای هنرجویان و دانش‌آموزانش بوده است آرزوی موفقیت داریم و در قسمت بعد به تحلیل آثار استاد فرزبود می‌پردازیم.

تحلیل آثار

شیوه نستعلیق فرزبود بر مبنای اصول کلاسیک و با وسواس در نگارش قانونمندانه نستعلیق همراه است. کتابت استاد فرزبود بسیار پاکیزه و خوشخوان و با رعایت سلامت حروف و کلمات نگاشته می‌شود.

به‌ویژه، ایشان در صفحه‌آرایی و قوام و انسجام هر صفحه توفیق زیباشناختی ارزنده‌ای پیدا کرده است. در خط ایشان ظرافت، لطافت و استحکام در کشیده‌ها هم‌افزا و تکمیل‌کننده حاصل نهایی کار به شمار می‌آیند. با آنکه ایشان اندازه‌های هندسی خط را به خوبی رعایت می‌کند اما قلمش به ورطه تکلف نیفتاده و همین نکته از مزیت‌های خط اوست که قانونمند و راحت می‌نویسد.

بررسی آثار
نستعلیق و
شکسته از
خوشنویسی
به مقام رسیده
حکایت می‌کند.
او احساسی
لطیف دارد؛
به همین دلیل
در مؤانست
با ادبیات،
مانند حسن
خط از بهره
قانع‌کننده‌ای
برخوردار است

شیب قلم	متوسط
میدان قلم	متوسط
کانون قلم	کتابت، مشقی
قالب مورد اهتمام	سطر، کتابت، چلیپا
ویژگی مهم	دوگانه نویسی نستعلیق، شکسته نستعلیق
ویژگی دست	متوسط

وی بسیاری
از چلیپاهای
میرعماد را در
خلوت خود
بازنویسی کرده
است. بنابراین، به
شکل طبیعی به
خطش میزانی از
نازکی ها راه یافته
است

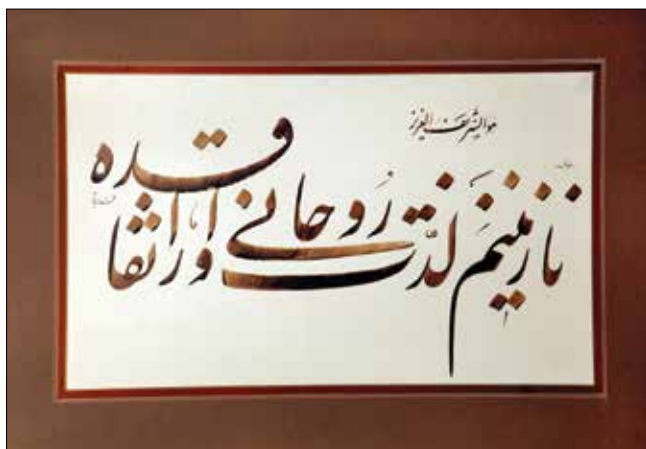
ویژگی استاد فرزبود این است که در سی و پنج سال گذشته با نگارش مستمر و انجام سفارش‌ها به‌ویژه در زمینه کتابت به مشق‌نامه نویسی حرفه‌ای روی آورده و از این طریق خط خویش را ارتقا داده است. مقایسه کتابت‌های دهه شصت و دهه هشتاد ایشان این رشد کیفی را نشان می‌دهد. او به دنبال نوشتن متن‌های راحت نیست و هر متنی را که برایش جاذبه محتوایی داشته باشد، به پرده کتابت در می‌آورد. نکته مهم در خط فرزبود تناسب بین سواد و بیاض صفحه است. در کارهای کتابت او به رغم تفاوت طبیعی حروف و کلمات و خاصیت پیش‌بینی‌ناپذیری در تجمع و جدایی اجزاء خط و یکدستی محسوس است. به همین سان، فشردگی مصنوعی یا فاصله‌گذاری‌های غیر هنری دیده نمی‌شود. جمع شدن این مزایا در خط استاد فرزبود به دریافت گواهی‌نامه استادی در سال ۱۳۸۸ و گرفتن نشان درجه یک هنری در سال ۱۳۹۲ انجامیده که هر دو قبایی است آراسته جایگاه هنری او در دو خط نستعلیق و شکسته. نکته مهم این است که آنچه از محمد علی فرزبود به چاپ رسیده نمای بخشی از کارهای اوست. در ورای این آثار، تمرین‌های مداوم و قطعات زیاد چاپ نشده‌ای وجود دارند که قلم او را این چنین استحکام بخشیده‌اند.

بررسی آثار چاپ شده و چاپ نشده فرزبود در دو دهه هشتاد و نود نشان می‌دهد که او نیم نگاهی نیز به آثار قدما از جمله میرعماد، میرزا غلامرضا و عماد الکتاب دارد. وی بسیاری از چلیپاهای میرعماد را در خلوت خود بازنویسی کرده است. بنابراین، به شکل طبیعی به خطش میزانی از نازکی‌ها راه یافته است. از ویژگی‌های او انضباط در نگارش و پیوسته‌نویسی است. او بنا بر یک شوری ناگهانی و یا بداهه نویسی دست به قلم نمی‌شود بلکه برنامه‌ریزی شده، مداوم و با پشتکار خط نویسی می‌کند. بررسی و مطالعه بیش از دویست قطعه در قالب نستعلیق دفتری با قلم مشقی (چاپ نشده) او

این ویژگی را به خوبی نشان می‌دهد. فرزبود در خلوت‌های شبانه خود تجربه‌های ارزشمندی از سیاه‌مشق را در حالت‌های مختلف دفتری، گردان، مورب و درهم انجام داده است که بیننده از دیدن آن‌ها به وجد می‌آید. بیشتر این سیاه‌مشق‌ها با قلم ۶-۷ میلی‌متری (مرز مشقی و جلی) نگاشته شده‌اند.

او در جایی گفته است: «اوج هنر خوشنویسی سیاه‌مشق نویسی و رها شدن از قالب‌ها و اندازه‌هاست» (فرزبود، نشریه خانه فرهنگ، ۱۳۸۶: ۲۲). در اینجا فرزبود در تلاش بوده است که خود را از سایه‌سار قواعد سفت و هندسی و تکنیکی کمی رهایی بخشد. با این حال، دقت و تأمل و پاکیزه‌نویسی را به عنوان اصولی که در وی نهادینه شده‌اند، رعایت کرده است. فرزبود افزون بر چهل اثر چاپ شده و چاپ نشده دارد اما عمده آثاری که قضاوت اهل خط را در مورد شیوه و روش کاری او شکل می‌دهد، آثار چاپ شده‌اش هستند. نگارنده با مطالعه آثار اصل و خوشنویسی‌های زنده و تازه او انبساط خاطر دیگری را تجربه کرد. آثار اصلی این هنرمند گران‌قدر به خوبی با مخاطب آشنا ارتباط برقرار می‌کند و حتی شناخت شخصیت هنرمند از لابه‌لای این آثار نمایان می‌شود. نباید از نظر دور داشت که شیوه خوشنویسی استاد فرزبود به رغم همه محاسن و مزایای آن هنوز در بوتۀ نقد و نظر کارشناسان طراز اول قرار نگرفته و برای شناخت نظام هندسی او لازم است با برپایی نمایشگاه‌هایی در مرکز کشور به تأثیر بیشتر و اجتماعی کردن این شیوه اهتمام کرد.

چندگانه‌نویسی شامل شکسته نستعلیق، شکسته تحریری، نستعلیق و تفرج در اقلام کتابت تا جلی (درشت) و قالب‌هایی مثل چلیپا و دفتری برآیندی را در خط وی شکل داده که در اثر گفت‌وگو و مباحثه با اهل فن می‌توان به مختصات بیشتری از آن‌ها توجه کرد. چه بسا نکات سودمندی نیز برای بالا بردن ارزش زیباشناختی خط از زبان بزرگانی مثل استاد اخوین و استاد امیرخانی برای فرزبود قابل طرح باشد. بدیهی است این نکته به اهتمام جدی استاد فرزبود و خواهندگی او نیز مرتبط است. زیرا بنابر شرایط، استاد فرزبود در یک دهه گذشته بیشتر در خلوت خود به خط نوشتن مشغول بوده است و کسی نمی‌تواند نقش مرآورده‌های هنری و داد و ستدهای نظری



را در عرصه خوشنویسی برای رشد خط نادیده بگیرد.

(جدول شماره یک)

برای فرزبود دستی توانا و قلمی مشکبو آرزومندیم.

ذوق شعر

فرزبود به علت مؤانست با گنجینه فاخر و شخصیت‌ساز شعر و ادب فارسی از ذوق شعرگویی نیز بهره‌مند است. او مجموعه سروده‌های خودش را منظم کرده و آن را به استاد و شاعر گران‌قدر، عابد تبریزی تقدیم کرده است. در مجموعه او اشعار ترکی نیز دیده می‌شود و او در مواردی احساس لطیف خود را با این گویش بیان می‌کند. برای آنکه خوانندگان با دل سروده‌های ذوقی و تفننی استاد فرزبود آشنایی پیدا کنند، غزلی از ایشان با عنوان ارباب هنر را در اینجا درج می‌کنیم.

ارباب هنر

جبین از نور دل روشن‌تر از ماه فلک داری نگارین خط تو شیواتر است از خط زنگاری به‌دست خامه هر که رو نهد بر صفحه کاغذ عطارد را ز شیرین شیوه خود در فغان آری الف از خامهات رعناتر از سرو روان باشد چو با مشکین قلم این حرف را در نامه بنگاری رواج شعر و خط از طبع و کلکت هست، می‌دانی تو استادی مسلم در نگارستان دل آری روا نبود هنر سنجیده گردد با زر و گوهر که هرگز نیست زر را پیش اهل فضل مقداری وفاداری مخواه از زرپرستان در جهان هرگز که دنیا دوستان را نیست بویی از وفاداری فضیلت با هنرمند است گر خود نیز درویش است

که ارباب هنر را نیست رغبت بر جهان‌داری یکی چاووش می‌داد این ندا، بشنیدم از هائف بیا ای فرزبود اینک تو دانی ارزش یاری

اردیبهشت ماه ۱۳۸۲-تبریز

نگارنده زمانی که داشت آثار استاد فرزبود را مطالعه می‌کرد، ضمن همزادپنداری با این هنرمند گرامی «نظمی را نگاشت» تا احساس صمیمانه خود را به ایشان و هنرش بیان کند. اینک این چند بیت را جهت تقدیم به این دوست هنرور در اینجا می‌آورد:

محمد علی فرزبود خوش‌نویس

شهر تبریز از وجود فرزبود

خوشنویسی را به زیبایی ستود

زان‌که این زیبا نویس و خوش نگار

شان خط را قدرتی دیگر فزود

در نگاه او عروس خط کجاست؟

گوهری بنشسته در عمق وجود

از ریاضت تا رضایت رفته است

بحر خط را با همه بود و نبود

خط نستعلیق با روحش عجین

از شکسته ساخته او تار و پود

«کاه» می‌داند که «رنج و خط» یکی است

زانکه از سالک بر آرد آه و دود

لیک این تبریزی با پشتکار

درس همت داد بی‌سودا و سود

این چنین صاحب‌دل و صاحب قلم

روزگاران کم دگر خواهد نمود

شعر من بی‌مایه اما حال دل

گفتم و سوز دلم این را سرود

قاصد خوش‌خوان بگو با «فرزبود»

«کاه» با خط خوشت شب را غنود

منابع

۱. گفت‌وگوی کاوه تیموری با محمد علی فرزبود، ۹۳/۶/۳۰.
۲. مستند گلستانه، صداوسیما مرکز آذربایجان شرقی، ۱۳۸۵.
۳. غلامی، احد، (۱۳۹۰)، هشت‌رود و دانشوران (سه جلد) مقاله تندیس عشق و دلدادگی. جلد دوم، تبریز: نشر ستوده.
۴. فرزبود، محمدعلی، (۱۳۷۱). صریح خاموش، یادمان احد کاظمی، اداره کل فرهنگ و ارشاد آذربایجان شرقی.
۵. فرزبود، محمد علی، (۱۳۸۵). «یاد یار» (به یاد ابراهیم بخت شکوهی) نشریه مهد آزادی تبریز، ۱۳۸۵/۶/۷.
۶. محمد علی فرزبود، (۱۳۸۶). گفت‌وگو با نشریه خانه فرهنگ. شماره اول تا سوم، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تبریز، ۱۳۸۶.

مارال یغمائیان

نویسنده: هوگو پینکستر بور

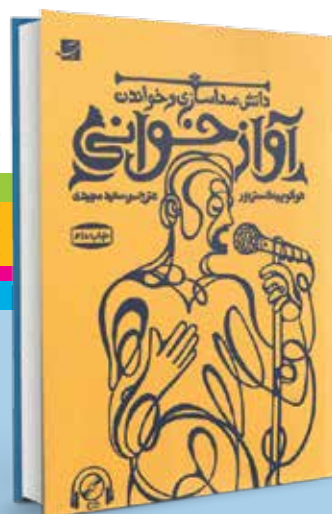
مترجم: سعید مجیدی

تعداد صفحات: ۱۹۶

قطع وزیری

نشر آبان، چاپ دوم ۱۳۹۵

شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۰۱۲



آواز خواندن

خواندن» در زمره این کتاب‌هاست که ترجمه آن را سعید مجیدی انجام داده است. وی که خود از دبیران باسابقه هنر و به چندین هنر آراسته است، کتاب را پس از تغییر کتاب‌های درسی بر اساس نیاز آموزش دبیران انتخاب و به ترجمه آن مبادرت کرده است. آشنایی مجیدی با هنرهای آوایی در او ظرفیت خوبی را برای ترجمه کتاب و اصطلاحات تخصصی آن فراهم آورده و از این بابت باید گفت او کتاب خوش‌خوانی را برای علاقه‌مندان و دبیران هنر تدارک دیده است تا بتواند بخشی از خلأ آموزشی در هنرهای آوایی را پر کند. کتاب دارای ۱۰ فصل با این عنوان‌هاست؛ ۱. خواننده کیست؟ ۲. نگاهی گذرا به اندام‌های صوتی ۳. آموزش خواندن ۴. خوب خواندن ۵. رجیسترهای صدای انسان ۶. گستره‌ها و گونه‌های صدا ۷. مراقبت از صدا ۸. خوانش اشعار ۹. میکروفون‌ها و افکت‌ها و ۱۰. نگاهی به گذشته.

مترجم در مقدمه خود آورده است: «هستند هنرجویان هوشمند و کنجکاوی که با جدیت در پی رشد کیفیت صدای خویش‌اند، خوانندگانی با پرسش‌های بسیاری از این دست روبه‌رو هستند که، چگونه می‌توان صدای ویژه خود را تولید کرد؟ صداسازی و تمریناتش چیست؟ و چه نقشی در رشد و بهبود کیفیت صدا دارد؟ سلفژ چه تأثیری در رشد و پرداخت پرورش خوانندگی دارد؟ تکنیک خواندن چیست؟ گستره‌های صدا کدام‌اند؟ و جای صدای من در کدام گستره قرار

بعد از اینکه کتاب‌های هنر دوره راهنمایی مورد بازبینی و تجدید تألیف قرار گرفت، مبحث «هنرهای آوایی» نیز به این کتاب‌ها اضافه شد. واقعیت این بود که برای تدریس هنرهای آوایی همکاران و دبیران هنر آموزش‌های لازم را ندیده بودند و این مشکلی بود که به کرات توسط دبیران تذکر داده می‌شد. این مشکل بدیهی بود، زیرا در سرفصل‌های رشته هنر در مراکز تربیت‌معلم سابق و نیز در مراکز آموزش عالی فرهنگیان، درس آشنایی با مبانی موسیقی تدریس نمی‌شد. در جشنواره‌های تدریس برتر نیز، دروسی مانند «ریتم» در پایه هفتم از فروغ آن‌چنانی برخوردار نبود و تنها دبیرانی که به شکل خودجوش و بیرون از پیکره آموزش و پرورش به اکتساب هنرهای آوایی پرداخته بودند می‌توانستند از عهده تدریس این درس بر آیند. حال، با گذشت ۵ سال از تألیف این کتاب‌ها آرام‌آرام دبیران خود را به این حوزه نزدیک کرده‌اند؛ اگرچه این مسئله، همچنان به‌عنوان یک مشکل آموزشی در درس هنر وجود دارد. متأسفانه هنوز هم برای این درس زمینه‌سازی لازم نشده است و در دانشگاه فرهنگیان و پردیس‌های مختلف آن خلأ آموزش هنرهای آوایی و از جمله موسیقی و آشنایی با مبانی آن احساس می‌شود. در چنین شرایطی تنها می‌توان به منابعی رجوع کرد که به سعی و اهتمام اهالی موسیقی به رشته تألیف یا ترجمه و تحریر درمی‌آید و با همه دشواری‌های چاپ به مرحله طبع می‌رسد. کتاب «دانش صداسازی و



دارد؟ چگونه باید از صدای خود مراقبت کرد؟ آیا هر خواننده خوبی می‌تواند معلم خوبی نیز باشد؟ و ... و نیازمند کمک و راهنمایی می‌باشند. پاسخ پرسش‌ها و نکات فنی بسیار دیگری را که من به‌عنوان یک هنرجوی آواز سال‌ها در پی‌اش بودم به‌آسانی در این کتاب یافته‌ام و آن را پس از جست‌وجو و مقایسه چند کتاب مختلف در همین زمینه، برای ترجمه برگزیدم. در مورد ویژگی‌های کتاب و به‌ویژه مخاطبان مترجم معتقد است: «از آنجاکه این کتاب دانش خواندن برای تمامی خوانندگان در هر سطح و سبکی است و کتاب دستور یا روش چگونه خواندن و پرورش صدا در یک سبک و یا شیوه خاص نیست، بی‌شک برای تمامی خوانندگان مفید خواهد بود. درنهایت می‌توان گفت که با دانش و روش آموزش علمی و درست می‌توان به صداهایی یگانه و خلاق در خواندن دست یافت». همراه با کتاب سیدی ضمیمه نیز می‌باشد و راهنمایی‌های عینی و عملی را در بر دارد. با این مقدمات و با توجه به نیاز دبیران هنر به درون‌مایه این کتاب، به نظر می‌رسد یکی از منابع مفید برای غنی ساختن فرهنگ و هنر و درس‌های هنرهای آوایی فراهم آمده باشد. لذا مطالعه این اثر پیشنهاد می‌شود. به همین سان از اهتمام شایسته دبیر دبیرستان‌های تهران آقای مجیدی برای به نتیجه رساندن ترجمه این اثر تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

کاربرد کردن هنر در کلاس درس

گفت‌وگو با هومان عباسی
دبیر هنر مدارس شیراز

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر



اشاره

خانواده‌ها و اولیای مدرسه اغلب نگران این هستند که فرزندانشان با دنبال کردن رشته‌های هنری از نظر منزلت اقتصادی و داشتن درآمد لازم تأمین نشوند. از این رو گرایش به هنرهای کاربردی، آن هم از همان سال‌های اولیه متوسطه، رویکردی است که پاره‌ای از دبیران هنر آن را وجهه نظر خود در کلاس‌ها قرار داده‌اند. این نوع از آموزش هنری توان تعامل با محیط را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد. همچنین تولید و فروش آثار هنری که متناسب با نیاز بازار بوده و با ذائقه زیبایی‌شناختی مخاطب هماهنگ باشد به دانش‌آموزان انگیزه می‌بخشد. ساخت «آثار حجمی با مقوا» یکی از تکنیک‌هایی است که یکی از معلمان هنرمند دست‌مایه کار خود قرار داده، و آثار جذابی را توسط دانش‌آموزان به مرحله تولید رسانده است. هومان عباسی دبیر هنر ناحیه یک شیراز در این مورد تجربه‌های خوبی دارد که در این گفت‌وگو از چندوچون این تجربه هنری آگاه می‌شویم.

طرح‌های دانش‌آموزان را با توجه به کاربرد احتمالی آن، در کلاس انتخاب کرده و با کمک و همفکری خودشان سطح کیفی آن را ارتقا می‌دهم. یک نمونه را با دست و تیغ برش زده و می‌سازم، سپس آن را به‌وسیله دستگاه برش به‌صورت عمده و به تعداد کل دانش‌آموزان برش می‌زنم و در اختیارشان قرار می‌دهم، و مجدداً یکی را در کلاس، به‌وسیله چسب صحافی، تکمیل می‌کنم. دانش‌آموزان نیز هرکدام یک کار را باید در کلاس به‌صورت خام انجام دهند. اما نکته اصلی کار که تزیین آن است به جلسه بعد موکول می‌شود که بچه‌ها یک هفته برای پرورش ایده دلخواه زمان داشته باشند. یکی از اصول کار تزیین، که در نمره گرفتن دانش‌آموز نیز تأثیر دارد، کمتر هزینه کردن است، یعنی هر کسی بتواند با کمترین هزینه، بهترین تزیین را انجام دهد

آقای عباسی لطفاً خودتان را معرفی کنید.

به نام خدا. هومان عباسی دبیر هنر دبیرستان شهید رضائی ناحیه یک شیراز هستم. لیسانس هنرهای تجسمی و کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دارم و مدت ۲۱ سال است که به تدریس هنر مشغول‌ام.

تکنیک‌ها و مواردی که بچه‌ها با آن این آثار حجمی را پدید می‌آورند چیست؟ این تکنیک ساخت آثار حجمی با مقوای کرجی یا خمیری است.

شما این تکنیک را در کلاس چگونه اجرا می‌کنید؟



دانش آموز نیز آن طرح و تقاضا را در کلاس به شور و مشورت می گذارد و با کمک معلم و همفکری همکلاسی ها، آن را عملی کرده و به فروش می رساند

تأثیر خاصی که این فرایند هنری و کاربردی روی بچه ها گذاشته چیست؟

این کار در بالندگی دانش آموزان خیلی مؤثر بوده است. چون دانش آموز به صورت مستقیم حاصل زحمت خود را نقدی دریافت می کند و به نوعی دستش در جیب خودش است، در نتیجه اعتماد به نفس بالایی به دست آورده و برای درآمد بیشتر سعی خود را دوچندان می کند که نمونه آن را در مدرسه داریم. مثلاً عده ای دانش آموزان با گل فروشی های سطح شهر همکاری دارند و برایشان گلدان می سازند و درآمدزایی می کنند.

جناب عباسی تاکنون به توسعه بیشتر این حرکت فکر کرده اید؟

بله. در حال حاضر بچه ها ساعت هایی را که با نقوش تزئین کرده اند با نقش کاغذ دیواری های منازل تزئین می کنند و با نصاب های کاغذ دیواری هماهنگ هستند و متناسب با کاغذ هر منزل، ساعت دیواری به آن ها تحویل می دهند و بابت هر کدام ۵۰ هزار تومان دریافت می کنند. البته تأثیرات فرهنگی این طرح هم قابل ذکر است، چون نقوش و طرح های روی آثار، بیشتر از نمادهای ملی، مذهبی و باستانی است، هر کدام متقاضیان خاص خود را دارد و امید من این است که با استانی کردن و سپس تبدیل آن به یک طرح ملی و کشوری، فرهنگ حمایت از کالای وطنی را نهادینه کنیم و از دانش آموزان در این راستا مدد بگیریم. بحمدالله تاکنون روند کار خوب و رضایت بخش و امیدوارکننده بوده است.

برای شما آرزوی موفقیت روزافزون داریم و امیدواریم دبیران هنر کشور از ایده آقای عباسی برای بالندگی و تعامل هرچه بیشتر دانش آموزان با محیط زندگی خود بهره ببرند.

نمره قابل قبول کسب می کند. خوشبختانه قیمت مواد اولیه آثار حجمی طرح های ما از ۱۵۰۰ الی ۲۵۰۰ تومان تجاوز نمی کند و این با توجه به محروم بودن منطقه مورد تدریس من مناسب بوده و موجب استقبال اولیای دانش آموزان است.

کار شما در استفاده از مقواهای بازیافت دارای چه ویژگی است؟

این کار برای حفظ محیط زیست مناسب است. زیرا جنس مقوا از بازیافت خمیر کاغذ باطله است و جایگزین خوبی برای مصرف مستقیم چوب و حتی پلاستیک می باشد. زیرا تولیدات مورد نظر ما از جمله انواع گلدان ها و ساعت های دیواری و جاقلمی و ... است که همگی حجم سنگینی از چوب و مواد نفتی و یا دیگر آلاینده ها را دارند و سعی بر این داریم که مقوای خمیری جایگزین مناسبی برای آن ها باشد.

چه روشی با بچه ها کار می کنید؟

نقوش کار شده و تزئینات روی آثار متناسب با مسائل فرهنگی و نیاز جامعه است؛ به عنوان مثال، دست ساخته های دانش آموزان در نمایشگاه در معرض دید عموم قرار می گیرد، چون شماره های تماس آنان در پشت آثار درج شده، علاقه مندان می توانند با سازنده آثار به صورت مستقیم تماس حاصل کنند و کار دلخواه خودشان را با هر نقش و نگاری سفارش دهند. دانش آموز نیز آن طرح و تقاضا را در کلاس به شور و مشورت می گذارد و با کمک معلم و همفکری همکلاسی ها، آن را عملی کرده و به فروش می رساند. در ضمن، گرفتن سفارش ها، نیز در نمره این طرح تأثیر دارد. این شیوه و چرخه باعث می شود که تقاضای جامعه در تولید دخیل باشد و موجب تعادل در عرضه و تقاضا شود.

هر مسافريك عكاس است!

مهساقبایی

امروزه وجود دوربین‌های دیجیتال در میان خانواده‌ها تعداد عکس‌های گرفته‌شده خانگی در هر ثانیه را، در جهان، به‌صورت انفجاری ارتقا داده است. این را اضافه کنید به حضور گوشی‌های همراه با قابلیت عکاسی و حتی فیلم‌برداری بسیار عالی که به‌وفور در دستان هر پیر و جوان و حتی عکاسان حرفه‌ای دیده می‌شود. این دسترسی آسان به ابزار عکاسی باعث شده است که همه اقشار جامعه لحظات بیشتری از زندگی‌شان را به ثبت برسانند و با کمک شبکه‌های اینترنتی به‌سرعت دیگران را هم در غم و شادی خود شریک کنند.



دوربین‌های اس-ال-آر (SLR) دارای این مزیت هستند که شما می‌توانید بر اساس نیازتان لنز آن‌ها را عوض کنید. این ویژگی طبعاً امکانات وسیعی را در اختیار شما خواهد گذاشت، البته وزن سنگین را باید تحمل کنید. همچنین تعویض لنزها زمان زیادی می‌طلبد که ممکن است زمان‌بندی مناسبی برای نوع عکاسی شما نباشد.

به همین جهت بسیاری از عکاسان حرفه‌ای نیز برای سهولت کار و دسترسی سریع به نتیجه، و البته با توجه به اهداف سفر، نوع سفر و همین‌طور همراهانشان، ممکن است یک دوربین کامپکت حرفه‌ای با قابلیت تصویربرداری بالا را انتخاب کنند و از حمل همه تجهیزات دوربین خودداری کنند.

شما نیز می‌توانید با توجه به زمان‌بندی سفر، حوصله همراهان، ژانر منتخب خود در آن سفر یا هدف‌تان از سفر ابتدا دوربین خود را انتخاب کنید. البته توصیه من این است که پیش از آن هم‌سفران خود را انتخاب کنید.



دوربین‌های SLR برای عکاسی حرفه‌ای امکانات بهتری را در اختیار شما می‌گذارد.

منظره‌یاب دوربین‌های SLR به شما اجازه می‌دهد تا تصویر را به همان اندازه که هست و در عکس خواهید داشت ببینید اما اندازه‌ها در دوربین‌های کوچک point-and-shoot به‌ویژه هنگام استفاده از لنز تله تغییر می‌کنند.



لوازم جانبی

بعد از خرید دوربین شما به دو وسیله جانبی نیز احتیاج

بی‌شک امروزه دوربین عکاسی یکی از همراهان ثابت سفرهای ما است. به‌طوری‌که می‌توان گفت هر مسافر یک عکاس هم هست، ضمن اینکه سوژه عکس‌هایی که در سفرها گرفته می‌شود تنوع بسیار وسیعی دارد. عکس‌های سفری را می‌توان به سه دسته به شرح زیر تقسیم کرد:

عکاسی از طبیعت

همه مناظر زیبا و چشم‌ربایی که در طول سفر از آن‌ها خواهیم گذشت، پدیده‌های طبیعی هستند. صحراها، دریا، جنگل، جاده‌های کوهستانی یا برفی، کوره‌راه‌های بکر و کمتر دیده‌شده، مناظر روستایی و مناظر شهری و... همچنین انواع پدیده‌های دیگر نظیر ردوبرق، رنگین کمان و یا حتی اتفاقات کاملاً غیرمنتظره.

عکاسی اجتماعی

چهره‌های ناآشنا و یا کاملاً آشنای شهرها و روستاهای بین راه، نحوه زندگی و معاش مردم آن‌ها، فرهنگ، قومیت و آداب اجتماعی آن‌ها، آیین‌های منطقه‌ای و ملی، تنوع لباس، غذا، خانه‌ها، و بازارهای محلی همگی می‌توانند سوژه عکس‌های فوق‌العاده ویژه‌ای باشند که ما به آن‌ها عکس اجتماعی می‌گوییم.

عکس‌های تاریخی

اغلب مسافران بازدید از مکان‌های تاریخی را در برنامه سفر خود قرار می‌دهند. این بازدیدها غالباً منجر به عکاسی هم می‌شود که شاید بتوان در زمره عکاسی معماری طبقه‌بندی شوند.

با توجه به مطالب بالا عکاسی در سفر را یک ژانر در عکاسی نمی‌دانیم بلکه عکاسی در سفر می‌تواند زمینه بسیار متنوعی برای علاقه‌مندان به عکاسی در این زمینه‌ها فراهم کند. به همین جهت بهتر است، اگر مسافر هستید، پیش از سفر یک خط روشن کاری برای خودتان مشخص و بر اساس آن دوربین مناسب خود را که همراه اصلی شما خواهد بود انتخاب نمایید.

انتخاب دوربین

انتخاب دوربین برای سفر بسیار مهم است، زیرا دوربین قرار است برای مدت طولانی همسفر شما باشد و در شرایط متفاوت به نیاز شما در ثبت لحظات ناب پاسخ گوید.

اندازه‌گیری می‌شود و دیگری عدد کمتر دیافراگم که بر توانایی بیشتر لنز برای ثبت تصاویر شفاف در محیط‌های کم‌نور دلالت دارد.

انواع لنز

انواع لنزها بر مبنای فاصله کانونی عبارت‌اند از **لنز نرمال**: این لنز عکس‌هایی با پرسپکتیو چشم‌های یک انسان تهیه می‌کند و معمولاً طیف ۴۵ تا ۶۰ میلی‌متر را در دوربین‌های ۳۵ میلی‌متری پوشش می‌دهد.

امروزه مردم ترجیح می‌دهند از لنزهای زوم با فاصله کانونی متغیر استفاده کنند.

لنز واید: چشم‌اندازها به وسیله این لنز وسیع‌تر به نظر می‌رسند و لنزهای ۲۰ تا ۳۵ میلی‌متری محبوبیت بیشتری نسبت به سایر لنزهای واید دارند. این لنزها عکس‌هایی با عمق میدان واضح‌تر تهیه می‌کنند و برای عکاسی از مناظر، ساختمان‌ها و عکاسی در محیط‌های بسته کارایی بیشتری دارند.

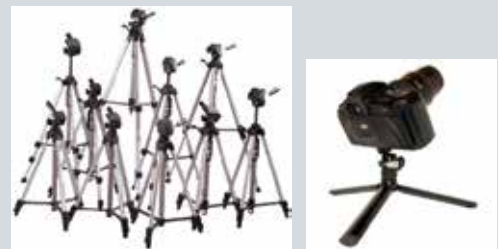
لنز تله: لنزهایی با فاصله کانونی ۸۵ میلی‌متر و بیشتر جزء لنزهای تله محسوب می‌شوند. در این لنزها سوژه و فاصله‌های اطرافش فشرده به نظر می‌رسند. برای مثال می‌توانیم از لنزهای سوپر تله در عکاسی از جانوران وحشی استفاده و چهره آن‌ها را از نزدیک ثبت کنیم. هر چه عدد دیافراگم پایین‌تر باشد لنز بزرگ‌تر، سنگین‌تر و البته گران‌تر خواهد بود. شما باید لنزهای تله را برحسب بودجه و نیازتان برآورد و خریداری کنید. مثلاً لنز ۸۵ میلی‌متری برای پرتره بسیار مناسب است.



لنز زوم: لنزهای زوم با فاصله‌های کانونی مختلف ساخته می‌شوند و امروزه پرطرفدارترین لنز به شمار می‌آیند. شما می‌توانید به جای حمل انواع لنز نرمال، تله و واید از یک لنز زوم با فاصله کانونی متغیر ۱۰۵-۲۸ میلی‌متری بهره ببرید و با اضافه کردن یک لنز تله زوم ۲۱۰-۸۰ تمام فاصله‌های کانونی را پوشش دهید.

خواهید داشت که عبارت از کیف دوربین و سه‌پایه. **کیف دوربین**: اندازه کیف بسته به نیاز شما و تعداد ابزارهای کمکی دوربین متغیر است. کیف کوله‌پشتی برای دوربین‌های بزرگ و حمل هم‌زمان چند لنز و سه‌پایه و کیف‌های کمری برای حمل دوربین‌های کمپکت مناسب است. کیف‌های ضد آب که محوطه داخل آن قابلیت تقسیم‌بندی شدن دارد بسیار مناسب یک سفر است.

سه‌پایه: سه‌پایه برای عکاسی در سفر ضروری است زیرا به شما برای تهیه عکس‌های شفاف در نورهای ضعیف کمک خواهد کرد. گرچه حمل سه‌پایه می‌تواند بسیار دردسرساز باشد اما حداکثر سعی خود را برای داشتن یک سه‌پایه محکم ولی سبک بکنید.



سه‌پایه‌ها انواع و اندازه‌های مختلف دارند.

فیلترهای پولاریز

این فیلترها کمک بسیار بزرگی هستند برای عکاسانی که از دوربین‌های بزرگ استفاده می‌کنند چراکه با نصب این فیلتر بر روی لنز و چرخش آن می‌توانند بهترین وضعیت نور و رنگ را تشخیص دهند و عکس‌هایی زیبا تهیه کنند.

این فیلترها با بالا بردن کنتراست، اشباع رنگ‌ها و کاهش روشنایی بیش‌ازحد، بر قدرت بصری تصاویر می‌افزایند. درعین حال فیلترهای پولاریز امکان آن را دارند تا انعکاس نور بر فضاها، شفاف و شیشه‌ای را از بین ببرند. برای مثال هنگام عکس گرفتن از یک ماهی در تنگ و یا سوژه‌ای در پشت یک شیشه، می‌توانید از این فیلترها استفاده کنید.

لنز

انتخاب لنز برای عکس گرفتن از سوژه‌های مختلف به میزان تجربه و البته آگاهی شما از ویژگی‌های هر لنز بستگی دارد. لنزها به‌طور کلی با دو ویژگی از هم متمایز می‌شوند؛ یکی فاصله کانونی که اکثراً با میلی‌متر

نخستین مرکز رسمی آموزش هنرهای سنتی در دورهٔ معاصر

اکرم نجفی پور

دانشجوی دکترای پژوهش هنر دانشگاه الزهرا

اشاره

مدرسهٔ صنایع قدیمه، به‌عنوان اولین مرکز آموزشی هنرهای ملی و سنتی، به مدیریت حسین طاهرزادهٔ بهزاد، در سال ۱۳۰۹ شروع به کار کرد. این مدرسه شامل کارگاه‌های مختلف صنایع‌دستی بود و طی سال‌ها در ارتقای هنرهای سنتی نقش شایانی ایفا کرد. مدرسهٔ صنایع قدیمه نخستین و تأثیرگذارترین کانون هنرهای سنتی در هنر معاصر ایران محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مرکز آموزشی، هنرهای سنتی، دورهٔ معاصر.



حسین طاهرزاده بهزاد

و چون محیط خانه مساعد این فراگیری نبود، ناگزیر شد در خفا به آموختن بپردازد. لذا به‌طور پنهان روزی چند ساعت از استاد آقا امیر غفار نقاشی تعلیم می‌گرفت. این آموزش مدت سه سال ادامه داشت. طاهرزاده علاقه مفراطی به کاریکاتور داشت؛ در نتیجه، با مدیر روزنامه‌ای که در تفلیس منتشر می‌شد، باب مکاتبه را گشود و گاه‌گاهی برای آن روزنامه تصاویری می‌فرستاد. فشار خانوادگی بر استاد کوچک فن نقاشی چنان زیاد شد که وی از تبریز به تفلیس رفت و در این شهر با برقراری رابطه دوستی با **میرزا جلیل محمدقلی‌زاده**، مطابق میل و آرزوی خویش توانست به یادگیری نقاشی بپردازد. او ضمن همکاری با روزنامه، مدت سه سال در مدرسه هنرهای زیبای تفلیس تحصیل کرد، سپس به تبریز برگشت و اقدام به نشر روزنامه کاریکاتور در این شهر نمود. پس‌از آن، روزنامه‌ای دیگر به نام «حشرات‌الارض» منتشر کرد و همچنین به مصورکردن «کتاب احمد» یا سفینه‌الطالبین، «خلاق مصور» و «تاریخ مصور ایران» پرداخت. وی پس از مدتی به استانبول رفت و در مدرسه صنایع مستظرفه این شهر، که امروز آکادمی هنرهای زیبا نام دارد، به فراگیری و تکمیل هنر خود پرداخت. پس از چند سال با احراز مقام اول در رشته نقاشی فارغ‌التحصیل شد و در مدرسه خطاطین استانبول به سمت معلم مینیاتور و تذهیب منصوب گردید. ضمناً به دستور **انور پاشا**، مأمور مرمت کتاب‌های مینیاتور قدیم در موزه توپقایی سرای استانبول شد و در مدتی، قریب یک هزار جلد کتاب خطی قدیم ایرانی و مینیاتور نفیس ترک را تعمیر و بازسازی کرد. محمدحسین میرزای قاجار، ولیعهد، در استانبول شیفته آثار طاهرزاده شد و ضمن اعطای لقب «مژین‌السلطان» به او وی را به بازگشت به وطن دعوت نمود، اما استاد به‌رغم فرمان و لقب او، زیر بار نرفت تا اینکه خود در سال ۱۳۰۸ شمسی به‌اتفاق خانواده‌اش به تهران بازگشت. در تهران نخست به ریاست نقشه‌کشی مؤسسه قالی و سپس به ریاست مدرسه صنایع قدیمه منصوب شد و پس‌از آن، به تأسیس موزه هنرهای ملی پرداخت. استاد برای برقراری مدرسه

پیشینه آموزش هنر در ایران

اولین مدرسه هنری را، **ابوالحسن غفاری** بعد از چهار سال تحصیل در اروپا، با عنوان «مجمع‌الصنایع ناصری» در تهران تأسیس کرد. تصویرگری حیرت‌انگیز کتاب «هزارویک‌شب» حاصل تلاش ۳۴ هنرمند همین مرکز هنری است. ابوالحسن غفاری در سال ۱۲۴۰ شمسی، بعد از ملقب شدن به صنایع‌الملک از سوی **ناصرالدین‌شاه**، اجازه تأسیس مدرسه دولتی نقاشی و چاپ را نیز دریافت کرد.

قبل از مدرسه صنایع قدیمه مدرسه دارالفنون تأسیس شد که در ساختار آموزشی کشور تحولاتی اساسی ایجاد کرد. دارالفنون در زمینه هنری نیز فعالیت داشت و نقاشی و موسیقی دو رشته هنری بود که در آنجا تدریس می‌شد. آموزش نقاشی در مدرسه دارالفنون بر عهده **مژین‌الدوله و مسیو گنستان** بود. علی‌اکبر مژین‌الدوله، نقاش عهد ناصری، پس از فراگیری نقاشی در پاریس و بازگشت به ایران، مدت ۵۰ سال معلم زبان فرانسه، نقاشی و موسیقی این مدرسه بود. کمال‌الملک مبانی نقاشی اروپایی را از وی آموخت. تدریس هنر نخستین بار در مدرسه دارالفنون بر اساس اصول و شیوه‌های مدرسه‌ای (آکادمیک) غربی و تحت تعلیم مدارس هنری اروپا نقطه آغازین تاریخ آموزش‌های هنری رسمی در ایران شد. در سال ۱۲۸۹ شمسی محمد غفاری ملقب به «کمال‌الملک» در باغ نگارستان، مدرسه صنایع مستظرفه را به شکل مدارس هنری نوین اروپا راه‌اندازی کرد. اغلب شاگردان اولین دوره این مدرسه بعدها زیر نظر استاد کمال‌الملک به هنرمندانی بسیار مشهور و توانا مبدل شدند. نقاشی رنگ‌روغن و آبرنگ، مجسمه‌سازی، منبت و طراحی و بافت فرش جزء رشته‌های این مدرسه بود.

استاد حسین طاهرزاده بهزاد، پایه‌گذار مدرسه صنایع قدیمه

حسین طاهرزاده بهزاد در سال ۱۲۶۶ شمسی در تبریز متولد شد. پدرش روحانی بود و آرزو داشت فرزندش نیز در رشته علوم دینی تحصیل کند اما استاد از کودکی علاقه مفراطی به فن نقاشی داشت

در سال ۱۳۱۱
مدرسه صنایع
مستظرفه به
«مؤسسه قالی
ایران» و اندکی
بعد به «مدرسه
صنایع قدیمه»
و سپس به
«هنرستان»
هنرهای قدیمه»
تغییر عنوان پیدا
کرد

صنایع قدیمه و جدید، که شاگردان کمال‌الملک نیز در آن شرکت داشتند مبارزات بسیار کرد؛ زیرا دیگران او را جانشین کمال‌الملک می‌دانستند و با او به دشمنی می‌پرداختند. از آنجاکه این استاد در هنرهای طراحی، تذهیب، خطاطی، نقاشی، کاریکاتورسازی، صحافی سنتی و مرمت‌کاری نسخ خطی مهارت داشت، منشأ بسیاری از خیزهای هنری و ماندگاری هنرهای زمانه شد. مرگ طاهرزاده بهزاد در ۲۱ اسفند ۱۳۴۱ در استانبول اتفاق افتاد (سرمدی، ۱۳۸۰: ۳۵۰).

اولین مدرسه هنرهای سنتی

در سال ۱۳۰۹ شمسی به اهتمام حسین طاهرزاده بهزاد، مدرسه هنرهای قدیم، برای زنده‌کردن مجدد هنرهای ملی ایران، تأسیس شد. وظیفه اصلی و عمده صنایع قدیمه بازسازی مجدد هنرهای ملی بود. به همین دلیل، طاهرزاده در فراخوانی عمومی از هنرمندان سراسر ایران دعوت به عمل آورد تا در آزمون انتخاب استاد برای مدرسه صنایع قدیمه شرکت کنند. در رشته مینیاتور حسین بهزاد (اصفهانی)، هادی تجویدی و مهدی تجویدی^۱ در آزمون شرکت کردند. طاهرزاده بهزاد خود از این سه هنرمند

امتحان به عمل آورد و در نتیجه استاد هادی تجویدی با ترسیم مینیاتور هفت‌گنبد^۲ برنده مسابقه شد و به‌عنوان نخستین معلم مینیاتور در مدرسه صنایع قدیمه شروع به کار کرد. در رشته منبت، استاد احمد امامی آباده‌ای از آباء فارس، در رشته تذهیب استاد میرزا علی درودی، در رشته خاتم استاد محمدحسین صنایع خاتم، در رشته نقاشی قالی استاد هادی اقدسیه و در رشته زری‌بافی حبیب‌الله طریقی انتخاب شدند و بدین ترتیب بنیان مدرسه‌ای هنری نهاده شد.

در رشته مینیاتور (نگارگری) استاد هادی تجویدی به تعلیم و تربیت شاگردانی پرداخت که خود بعدها استادان بزرگ و کم‌نظیر هنر مینیاتور شدند؛ از جمله استادان محمدعلی زاویه، ابوطالب مقیمی تبریزی، علی کریمی، علی مطیع، بانو کلارا آبکار، علی اسفرجانی و ...

این هنرمندان که همگی شاگردان استاد تجویدی در مینیاتور بودند، شاهکارهایی خلق کرده‌اند که برخی از آن‌ها از مینیاتورهای دوره صفوی نیز در ظرافت برترند. در رشته تذهیب، این هنرآرزشمند اسلامی، استاد علی درودی شاگردانی چون نصرت‌الله یوسفی و عبدالله باقری را تعلیم داد که خود از استادان مطرح این رشته‌اند و آثارشان در موزه هنرهای ملی ایران نگهداری می‌شود. در رشته منبت استاد احمد امامی آباده‌ای و فرزندانش علی، خلیل و طاهر امامی، استاد زابلی و استاد شه‌میرزادی درخشش چشمگیر داشتند و آثاری بسیار ظریف و زیبا و دیدنی از آن‌ها در موزه به یادگار مانده است. در رشته خاتم استاد صنایع خاتم و شاگردانش به آفرینش شاهکارهایی پرداختند که آبرو و اعتبار خاتم‌سازی معاصر را رقم زده است. در رشته زری‌بافی و مخمل‌بافی آثار به‌جامانده در موزه هنرهای ملی بیانگر خلاقیت‌ها و ابتکار در طرح و نقشه است.

موزه هنرهای ملی در تهران میدان بهارستان خیابان کمال‌الملک ساختمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واقع شده است. در اصل این ساختمان همان حوض‌خانه باغ نگارستان است که مدرسه صنایع قدیمه در آن ایجاد شد و بعدها به موزه هنرهای ملی تبدیل شد.

در سال ۱۳۱۰ رشته‌های مشبک و معرق چوب نیز به کارگاه منبت افزوده شد.

در سال ۱۳۱۱ مدرسه صنایع مستظرفه به «مؤسسه قالی ایران» و اندکی بعد به «مدرسه صنایع قدیمه» و سپس به «هنرستان هنرهای قدیمه» تغییر عنوان پیدا کرد. در سال ۱۳۱۳، کارگاه کاشی و سرامیک هنرستان افتتاح شد که بعدها به کوشش مرحوم مهندس مهدی زواره‌ای تکامل یافت. در سال ۱۳۱۹ با تأسیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، توسط وزارت پیشه و هنر، آموزش هنرهای تجسمی و مدرن در این دانشکده و دروس هنرهای سنتی و ایرانی به هنرستان هنرهای قدیمه واگذار شد.

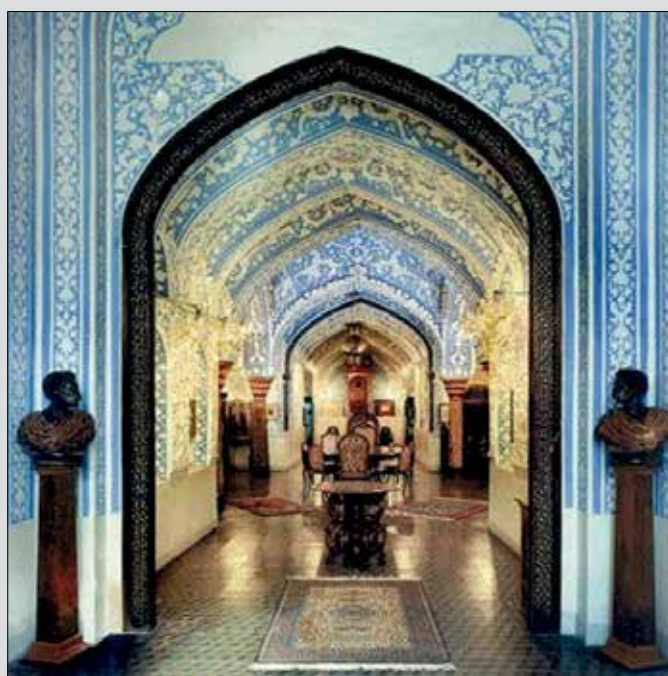
طی مدت کوتاهی این هنرستان، به «هنرستان زیبا» و سپس به «هنرستان هنرهای ملی» تغییر



جمعی از هنرمندان مدرسه صنایع قدیمه



تصویر امروزی از موزه هنرهای ملی که در گذشته مدرسه صنایع قدیمه بوده است و در عکس قبلی با عنوان موزه هنرهای زیبا در پشت سر اساتید مدرسه صنایع قدیمه مشخص است.



تصویر موزه هنرهای ملی در تهران میدان بهارستان خیابان کمال الملک ساختمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واقع شده است. در اصل این ساختمان همان حوضخانه باغ نگارستان است که مدرسه صنایع قدیمه در آن ایجاد شد و بعدها به موزه هنرهای ملی تبدیل شد.

وظیفه اصلی و عمده صنایع قدیمه بازسازی مجدد هنرهای ملی بود

تأسیس وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۳، اداره هنرهای زیبای کشور و همچنین اداره هنرهای ملی به این وزارتخانه انتقال یافت. در سال ۱۳۴۶، اداره کل آفرینش‌های هنری و ادبی تحت پوشش معاونت هنری وزارت فرهنگ و هنر ایجاد گردید و اداره هنرهای ملی با عنوان «اداره کارگاه‌های هنری» به یکی از واحدهای تابعه این اداره کل تبدیل شد. کارگاه‌های هنری تا سال ۱۳۵۶ به‌عنوان زیرمجموعه اداره کل آفرینش‌های هنری و ادبی به فعالیت خود ادامه داد و در این سال با

نام داد و در سال ۱۳۵۲ با حذف جنبه‌های آموزشی با عنوان «اداره هنرهای ملی» به کار خود ادامه داد. در سال ۱۳۳۲ کارگاه میناسازی، در سال ۱۳۳۴ کارگاه سازسازی و در سال ۱۳۳۵ کارگاه قلم‌زنی و نقره‌سازی هم در این اداره افتتاح شد. کلاس‌های آموزشی در سال ۱۳۳۶ برای علاقه‌مندان فراگیری هنرهای سنتی در کنار اداره هنرهای ملی شروع به کار کرد. در همین سال، با تأسیس اداره هنرهای زیبای کشور در وزارت معارف، هنرهای ملی به این اداره ملحق شد. با



جمعی از هنرمندان مدرسه صنایع قدیمه

حذف ابعاد هنری به «دفتر پژوهش و آفرینش»،
تغییر نام یافت.

و نمایش بود. هم‌زمان با تأسیس سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۷، به‌منظور تحقق بخشی از اهداف این سازمان در ارتباط با هنرهای سنتی و با توجه به اهمیت حمایت، هدایت و تشویق هنرمندان و حفظ و احیای هنرهای سنتی کشور و همچنین پژوهش در مبانی نظری و بررسی سیر تحول و تطور این هنرها در طول تاریخ، «مدیریت پژوهش هنرهای سنتی» تأسیس گردید و کلیه کارگاه‌ها و هنرمندان فعال در اداره کل هنرهای سنتی وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت، تحت سرپرستی این مدیریت قرار گرفت. این مجموعه از سال ۱۳۷۶ با هدف تقویت امر پژوهش در گروه‌های هنرهای صناعی، قالی و دست‌بافته‌های سنتی، هنرهای وابسته به معماری سنتی، موسیقی سنتی، (مقامی، دستگاهی) و نمایش‌های سنتی و آیینی با عنوان پژوهشکده هنرهای سنتی، یکی از واحدهای تابعه معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این کارگاه‌ها چند ماه تعطیل شد تا در سال ۱۳۵۸ با عنوان «اداره کل هنرهای سنتی» آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۶۰، تابعیت این اداره در وزارت فرهنگ و آموزش عالی محرز گردید. دو سال بعد، در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۲، این اداره به‌عنوان یکی از واحدهای تابعه معاونت حفظ و احیای میراث فرهنگی، با اهدافی برنامه‌ریزی‌شده چون فراهم آوردن موجبات آموزش، پژوهش، گردآوری اسناد و مدارک، عرضه و نمایش و اشاعه و گسترش و آفرینش هنرهای سنتی آغاز به فعالیت کرد. اداره کل هنرهای سنتی، شامل اداره پژوهش، اداره آموزش و اداره کارگاه‌های هنرهای سنتی (شامل کارگاه‌های مینیاتور و تذهیب، کارگاه قلم‌زنی، کارگاه قالی‌بافی، کارگاه گلیم‌بافی، کارگاه زری‌بافی، کارگاه رنگرزی و کارگاه سازسازی) و اداره فروش



بخشی از کاشی سردر کارگاه‌های مدرسه صنایع قدیمه



نمونه آثار (میز و صندلی معرق و منبت و تابلوهای مینیاتور و تذهیب بر روی دیوارها) اساتید مدرسه صنایع قدیمه که اکنون در موزه هنرهای ملی (حوض‌خانه باغ نگارستان) نگهداری می‌شوند.

نتیجه‌گیری

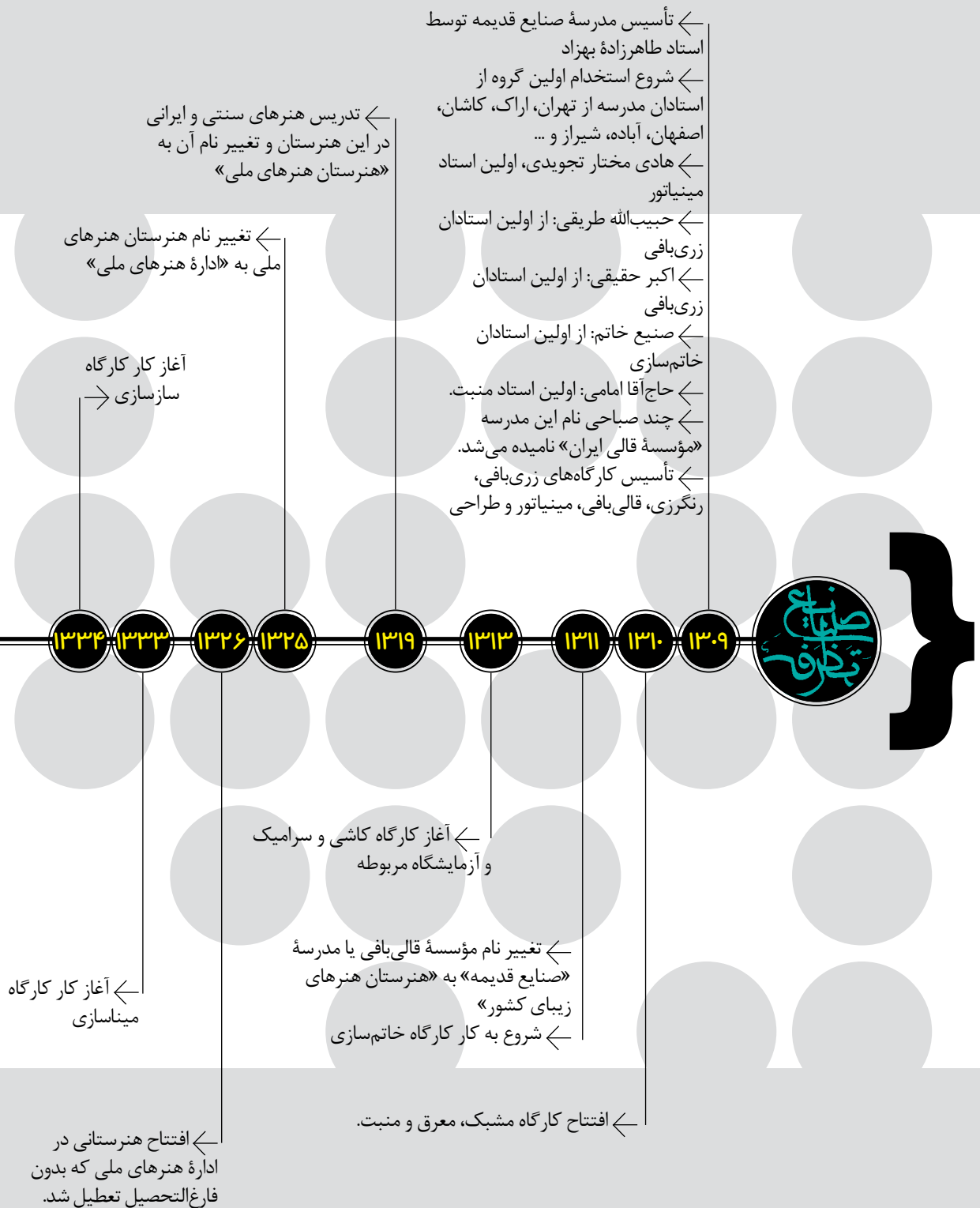
آموزش هنرها در ایران همواره به‌صورت استاد-شاگردی و بر مبنای یادگیری شفاهی و سینه‌به‌سینه شکل گرفته است. با شکل‌گیری مدارس به شیوه علمی و اصولی، رشته‌های هنری نیز سروسامان یافته و در نظام آموزشی جای گرفتند. صنایع‌الملک را می‌توان اولین کسی دانست که رشته نقاشی را به‌صورت رسمی و در قالب مدرسه، آموزش داد. بعد از او، کمال‌الملک با مدرسه صنایع مستظرفه به گسترش آموزش هنر پرداخت. طراحی، نقاشی و مجسمه‌سازی و همچنین رشته‌های صنایع‌دستی همچون منبت، طراحی و بافت فرش، که پیش‌از آن سابقه آموزش رسمی نداشتند، در این مدرسه تدریس می‌شدند. فعالیت این مدرسه بعد از مدتی بنا به دلایلی تعطیل شد. پس‌از آن، استاد حسین طاهرزاده بهزاد که در استانبول درس هنر خوانده بود، با راه‌اندازی مدرسه‌ای دیگر در اصل ادامه‌دهنده همان مدرسه صنایع مستظرفه شد؛ با این تفاوت که مدرسه قبلی اساس را بر تجدید و نوآوری گذاشته بود؛ به‌طوری‌که رشته فرش و منبت که بر مبنای اصول هنرهای سنتی شکل گرفته بودند، دستخوش بینش جدید هنر جدید قرار گرفتند. **جمشید امینی**، استاد بافت فرش، و **محمد مختاری**، استاد منبت، زیر نظر کمال‌الملک طراحی غربی را آموزش دیدند و بر اساس طراحی

نو آثار متفاوتی در فرش و منبت چوب خلق کردند. طی مهر و موم‌ها این کارگاه‌ها با عناوین مختلفی خوانده شدند و زیر نظر ارگان‌ها و ادارات متعددی قرار گرفتند ولی به حیات خود ادامه دادند، تا اینکه در سال ۱۳۶۷ با تأسیس «سازمان میراث فرهنگی» تمامی کارگاه‌ها از مکان قبلی - که قسمت جنوبی باغ نگارستان (وزارت فرهنگ و ارشاد) بود - به سازمان جدید نقل مکان یافتند. در اصل، کارگاه‌های هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی وام‌دار و میراث دار همان مدرسه صنایع قدیمه هستند.

منابع

۱. افتخاری، محمود. (بهمن ۱۳۷۸). بروشور موزه هنرهای ملی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۲. بهنود، مسعود. (اسفند ۱۳۷۸). از سیدضیاء تا بختیار. تهران: جاویدان.
۳. تیمایی، فریدون. (مردادماه ۱۳۴۳). با موزه هنرهای ملی آشنا شوید. مجله هنر و مردم، شماره ۲۲.
۴. روستاپور، سارا. (۱۳۸۱). موزه هنرهای ملی. دانشگاه میراث فرهنگی.
۵. دارائی، منیر. (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه دو مدرسه صنایع مستظرفه و صنایع قدیمه. پایان نامه، دانشگاه سوره.
۶. کابلی، یدالله. (۱۳۶۲). کمال‌الملک. تهران: انتشارات شرکت سهامی.
۷. معصوم‌زاد، شهلا. (۱۳۶۵). نگاهی به موزه هنرهای ملی. مجله موزه‌ها، شماره هفتم.
۸. سرمدی، عباس. (۱۳۸۰). دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران: انتشارات هیرمند.

بعد از
صنایع‌الملک،
کمال‌الملک با
مدرسه صنایع
مستظرفه به
گسترش نظام
آموزش هنر
پرداخت



← آغاز کار کارگاه قلم‌زنی و نقره‌سازی

← جدا شدن اداره هنرهای ملی از
وزارت فرهنگ و آموزش عالی و شروع به
کار وزارت فرهنگ و هنر

← شناسایی کامل
اداره کل هنرهای سنتی
به‌عنوان یکی از واحدهای
تابعه معاونت و احیای
میراث فرهنگی

← تغییر نام اداره کل
آفرینش هنری و ادبی به
«دفتر پژوهش و آفرینش»
و حفظ تشکیلات اداره
کارگاه‌های هنری، به
همان صورت.

← با تأسیس سازمان
میراث فرهنگی کشور
کلیه کارگاه‌ها و هنرمندان
فعال در اداره کل هنرهای
سنتی و وزارت فرهنگ و
آموزش عالی دقت، تحت
سرپرستی این مدیریت
قرار گرفت.

۱۳۷۶

۱۳۶۷

۱۳۶۱

۱۳۶۰

۱۳۵۸

۱۳۵۶

۱۳۴۶

۱۳۴۳

۱۳۴۲

۱۳۳۵

← پژوهشکده
هنرهای سنتی با
هدف تقویت امر
پژوهش در گروه‌های
هنرهای صناعی،
قالی و دست‌باافته‌های
صنعتی، هنرهای
وابسته به معمار
سنتی، موسیقی سنتی
(مقامی، دستگاهی) و
نمایش‌های سنتی و
آیینی با عنوان، یکی از
واحدهای تابعه معاونت
پژوهشی سازمان
میراث فرهنگی کشور
فعالیت می‌کنند.

← انتقال تابعیت «اداره
کل هنرهای سنتی»
به شاخه علوم وزارت
فرهنگ و آموزش عالی

← ادامه کار اداره
کارگاه‌های هنری با
نام «اداره کل هنرهای
سنتی» زیر نظر وزارت
فرهنگ و آموزش عالی

← تأسیس اداره کل
آفرینش هنری و ادبی در
وزارت‌خانه فرهنگ و هنر
که «اداره هنرهای ملی»
یکی از ادارات تابعه آن به
شمار می‌آمد و به نام اداره
کارگاه‌های هنری نامیده شد.

← انتخاب شاگرد استاد طاهرزاده بهزاد،
استاد علی کریمی به‌عنوان سرپرست
اداره هنرهای ملی

فنون و روش‌های ساخت هنر مینای خانه‌بندی معاصر

زهرا احمدی خطیر

کارشناس ارشد هنر اسلامی، گرایش فلز

چکیده:

هنر «مینای خانه‌بندی» معاصر در ایران به سبب شناخت کم اقشار جامعه از آن مورد توجه نیست و کمتر هنرمندانی در این زمینه فعالیت می‌کنند. آگاه نبودن جامعه، تقاضای این محصول را کم کرده است؛ در نتیجه، هنرمندان اندکی جذب این رشته می‌شوند و روند پیشرفت این هنر در ایران به‌کندی صورت می‌گیرد. در این پژوهش به تعریف مینای خانه‌بندی، روش‌های ساخت، طراحی، نحوه اجرای آن و همچنین، موارد استفاده این هنر در جامعه معاصر پرداخته شده است. جهت پیشبرد بهتر این تحقیق، با هنرمندان میناساز مصاحبه شده و در اغلب مصاحبه‌ها، این هنرمندان بر تکنیک‌ها، نحوه کار و روند ساخت تأکید کرده‌اند. در روند مصاحبه و پژوهش میدانی برای شناخت هر چه بیشتر این هنر، اقلیت بودن هنرمندان این رشته جلب نظر می‌کند و این بر محدود بودن و ناشناخته بودن هنر مینای خانه‌بندی می‌افزاید. نبود شناخت و آگاهی کافی باعث شده است هنری اصیل که پیشینه‌ای چند هزارساله دارد به فراموشی سپرده شود.

کلید واژه‌ها: مینای خانه‌بندی، فنون و روش‌ها، طراحی و ساخت مینای خانه‌بندی

* چارچوب نظری

است که بیشتر به رنگ شیشه کبود وجود دارد و به‌عنوان لعاب تزینی در شیشه‌گری، فلزکاری، سفالگری و غیره به کار می‌رود» (ریاضی، ۱۳۷۵: ۲۰۶).

* تکنیک‌های ساخت مینا

مینا دارای تکنیک‌های مختلفی است و با ترکیبات رنگی مختلف ساخته می‌شود: مینای خانه‌بندی، مینای نقاشی، مینای مرصع، مینای شکری و مینای برجسته.

* خاستگاه مینای خانه‌بندی معاصر

در ایران

شاید آخرین استادکار مینای خانه‌بندی در اواخر دوران محمدشاه قاجار، آقا علی فرزند آقا باقر نقاش‌باشی باشد که هم‌ردیف پدرش بود (فیض‌اللهی، ۱۳۹۰: ۳۱). پس از جنگ جهانی دوم،

این تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و در آن بر اساس کتب، اسناد و مدارک موجود به شناخت مینای خانه‌بندی پرداخته شده است. داده‌های اولیه آن به‌صورت کتابخانه‌ای عمدتاً از کتاب‌های تاریخ هنر، فلز و مینای خانه‌بندی گردآوری و سپس به‌صورت توصیفی بررسی شده و در نهایت از طریق مصاحبه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هدف از این پژوهش، شناخت مینای خانه‌بندی و روند ساخت و تولید آن در جامعه معاصر است. بر اساس تحقیقات انجام‌شده، هنرمندان نادری در این زمینه در حال فعالیت‌اند و این نشان‌دهنده کم فروغ بودن این هنر اصیل است.

* تعریف مینا

«مینا نوعی لعاب شیشه‌ای شفاف و حاجب ماوراء



ب. مینای خانه‌بندی، سرویس چای‌خوری، فرید فرقانی



تصویر ۱. الف. مینای خانه‌بندی، قندان، مرحوم صادق‌زاده

✱ فنون و روش‌های مینای خانه‌بندی معاصر:

مینای خانه‌بندی به سه روش انجام می‌شود: مینای خانه‌بندی (معمولی)، مینای خانه‌بندی حکاکی که به مینای حکاکی معروف است، مینای خانه‌بندی گلابتونی که به اصطلاح، مینای گلابتونی نامیده می‌شود.



تصویر ۲. مینای خانه‌بندی حکاکی، پلاک گردنبند (فیض‌اللهی، ۱۳۹۰: ۳۴)



تصویر ۳. مینای گلابتون، دستبند (فیض‌اللهی، ۱۳۹۰: ۳۵)

✱ مینای خانه‌بندی

قدیمی‌ترین تکنیک مورد استفاده در تاریخ مینا که به آن اشاره شده است، تکنیک خانه‌خانه، حفره‌ای، حجره‌ای یا خانه‌بندی است. در این روش، سیم‌های نازک برنجی را نورد می‌کنند، تا کمی پهن شود و مفتول‌ها را بر خطوط اصلی طرح قرار می‌دهند تا طرح به وسیله این مفتول‌ها خانه‌بندی شود. برای ثابت نگه داشتن سیم‌ها در محل خود به زمینه کار لحیم می‌زنند. در نتیجه، فضاهای جداگانه‌ای در طرح به وجود می‌آید، که داخل آن‌ها را با رنگ‌های مینای خانه‌بندی پر می‌کنند. بعد شء مورد نظر را وارد کوره مینای خانه‌بندی می‌کنند تا رنگ‌ها پخته شود. سیم‌ها بعد از حرارت دیدن در کوره سیاه می‌شوند که برای تمیز کردن آن‌ها سمباده نرم را روی بدنه مینا می‌کشند تا سیاهی‌ها پاک و رنگ‌های اضافی هم، هم‌سطح با سیم شود. بنابراین، تمام دورگیری‌هایی که به وسیله سیم انجام شده بود نمایان می‌گردد و شکل بسیار ظریف و زیبا نشان داده می‌شود (شریف‌زاده، ۱۳۸۱: ۳۶). در

یک معمار آلمانی به نام **ماکس اتو شونمان** که برای پی‌ریزی کارخانه‌های صنعتی اصفهان در دوران پهلوی اول به ایران آمده بود (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۴۵)، و هنرمندی به نام **ووستن** مقداری مواد اولیه میناسازی را نیز با خود به ایران آوردند. ووستن خودش ظروف مینایی را تهیه می‌کرد و نقاشی آن را به هنرمندان اصفهانی سفارش می‌داد، ولی خود شخصاً مراحل کار را انجام می‌داد. شونمان در سال ۱۹۱۱ م. مدیریت مؤسسه فرش پتاک را به عهده گرفت (باست، ۱۳۷۷: ۱۰۱). شرکت پتاک- شرکت سهامی فرش ایران- که مرکز آن در برلین بود و شعبه‌هایی در استانبول، تبریز، سلطان‌آباد (اراک)، همدان، کرمان، مشهد و تبریز و همچنین، در آمریکا و کشورهای اروپایی داشت. شعبه تبریز این شرکت دارای صنایع رنگ‌رزی و نساجی بود. پشم مورد نیاز در همان کارخانه رنگ و بافته می‌شد و به خارج صادر می‌گشت. آلمان با ایجاد این مؤسسه می‌توانست مستقیماً به تولید و فروش فرش بپردازد. با پولی که در این کارگاه‌ها سرمایه‌گذاری می‌شد، این شرکت می‌توانست سرمایه خود را بهتر از شرکت‌های دیگر که کار آن‌ها صادرات و واردات بود، به کار گیرد (ارباب، ۱۳۸۳: ۵۱). از همکاران ووستن می‌توان به **حسن خان فرامرزی فولادی** اشاره کرد که فن بوم‌کاری و آتش‌کاری را مخفیانه از ووستن فرا گرفت و به شاگرد خود، **شکرالله صنیع‌زاده**، انتقال داد (فیض‌اللهی، ۱۳۹۰: ۳۲).

بعضی موارد برای جلوگیری از سیاه شدن سیم‌های فلزی، قبل از حرارت دادن، روی مینا را با یک لعاب بی‌رنگ می‌پوشانند و سپس آن را در کوره می‌پزند (یاوری، ۱۳۸۰: ۷۴) (تصویر ۱).

❁ مینای حکاکی

مینای حکاکی یا شیاری را ایتالیایی‌ها از قرن یازدهم م. ابداع کردند. در این روش مینای حکاکی به دو طریقه مثبت (کنده‌کاری طرح) و منفی (کنده‌کاری زمینه) ساخته می‌شود. در روش مثبت، طرح را با ابزارهای حکاکی گود کرده و با رنگ‌های مینا پر می‌کنند. در روش منفی، زمینه کنده‌کاری می‌شود و با رنگ مینای خانه‌بندی مذاب پر می‌گردد. در این روش، نقش به‌صورت برجسته برجای می‌ماند. در شکل دیگری از همین روش، طرح با چکش کاری برجسته و گودی‌های اطراف آن با مینا پر می‌شود (برونشتاین، ۱۳۸۷: ۲۹۹۹) (تصویر ۲).



تصویر ۴. قندان مینای خانه‌بندی، اثر مرحوم صادق‌زاده، (استاد آقای فرقانی)

❁ مینای گلابتونی

نوعی از مینای خانه‌بندی به نام مینای حجره‌ای گلابتونی^۵ است که ایتالیایی‌ها مبدع آن هم بوده‌اند. در این تکنیک، نوارهای سیمی را به هم می‌تابانند و به شکل طناب درمی‌آورند. سپس داخل حفره‌های طناب راه، که حاصل تاب خوردن آن است، از مینا پر می‌کنند. به این ترتیب، کلاف سیمی با ضخامت‌های مختلف ایجاد می‌شود (احمدی خطیر، ۱۳۹۴: ۴۱) (تصویر ۳).



تصویر ۵. زیورآلات مینای خانه‌بندی، نقره، اثر فرید فرقانی، موزه شخصی هنرمند

❁ فرایند ساخت هنر مینای خانه‌بندی

فرایند ساخت هنر مینای خانه‌بندی از ابتدا تا انتها، که وارد کوره می‌شود، به‌صورت زیر است:

۱. ابتدا پایه کار، از صفحات مس یا نقره به اشکال مختلف و با استفاده از دستگاه پرس یا کمان اره به تعداد لازم برش داده می‌شود. در بعضی موارد، برای تعداد بالا و افزایش سرعت کار از یک فرم، بعضی از شکل‌ها را به‌صورت قالب‌های فولادی به شکل دایره، بیضی، پروانه و انار می‌سازند و با استفاده از دستگاه پرس به تعداد زیاد در زمان اندک برش می‌دهند. فرم‌های متنوع دیگر اغلب به‌صورت سفارشی با استفاده از کمان اره از صفحات مس یا



تصویر ۶. آینه و شانه مینای خانه‌بندی، مس، اثر نسیم خواجه نصیری، مجموعه شخصی هنرمند



تصویر ۷. جعبه انگشتر مینای خانه‌بندی، نقره، اثر فرید فرقانی، موزه شخصی هنرمند

نقره برش داده می‌شوند.

۲. حلقه‌های مورد نیاز برای ساخت انگشتر در کارگاه به‌صورت دست‌ساز تهیه می‌شوند؛ به این صورت که ابتدا مفتول‌های مسی با ضخامت ۴ میلی‌متر را با دستگاه نورد به‌صورت تسمه مسی با ضخامت ۱/۱۵ میلی‌متر درمی‌آورند و توسط گیوتین به طول حلقه برش می‌دهند. سپس کناره‌های آن را با دستگاه سنگ فرز، سوهان و سمباده به‌صورت گرد فرم می‌دهند تا لبه‌های تیز آن‌ها از بین برود. سپس، آن را با میل انگشتر و چکش به‌صورت حلقه درمی‌آورند و پایه انگشتر را به حلقه لحیم می‌کنند.
۳. قطعات تهیه‌شده برای چربی‌زدایی اولیه، با اسید سولفوریک رقیق شسته و سپس خشک می‌شوند.
۴. بوم مخصوص را با الک، با مش پایین، به‌صورت یکنواخت روی قطعات می‌پاشند.
۵. قطعات را برای پخت در کوره روی توری فلزی مخصوص قرار می‌دهند و به مدت سه دقیقه داخل کوره می‌گذارند.
۶. پس از اتمام، سه دقیقه در کوره را باز و قطعات را از آن خارج می‌کنند. برای خنک کردن قطعه‌ای که به داخل کوره رفته است، آن را روی سه پایه قرار می‌دهند.
۷. مفتول‌های برنجی را که قبلاً توسط نورد به‌صورت تسمه‌های نازک درآمده‌اند، به گیره مخصوص به اشکال مختلف حالت می‌دهند و با چسب مایع روی قطعات بوم زده شده می‌چسبانند.
۸. قطعات را به همراه سیم برای پخت و ثابت شدن مفتول‌ها به مدت سه دقیقه در کوره قرار می‌دهند.
۹. رنگ‌های دلخواه را با کاردک کوچک

- برمی‌دارند و با استفاده از ابزاری نوک‌تیز مانند سوزن درون خانه‌های ایجادشده، می‌گذارند.
۱۰. قطعات رنگ‌گذاری شده را برای پخت رنگ دوباره به مدت سه دقیقه در کوره قرار می‌دهند.
۱۱. سطح کار را برای برطرف کردن اکسیدهای تشکیل‌شده روی مفتول‌های برنجی با استفاده از سنگ نفت، یا کاغذ سمباده صیقل می‌دهند.
۱۲. پس از سرد شدن کامل قطعات، برای جلا دادن پایه‌های مس و نقره که اکسید شده‌اند، آن‌ها را در محلول رقیق شده اسید می‌اندازند و بعد از چند دقیقه خارج می‌کنند و با فرچه برنجی شست‌وشو می‌دهند.
۱۳. قطعات را برای تمیزی بیشتر، با استفاده از دستگاه پرداخت مگنت شست‌وشو داده سپس با استفاده از پولیش چربی‌زدایی می‌کنند و جلا می‌دهند. این کار به کیفیت آثار اضافه می‌کند.
۱۴. قطعات را برای جلوگیری از اکسید شدن سطح مس و نقره، درون محلول رقیق کیلر و تینر می‌اندازند و سپس خشک می‌کنند. این کار باعث ماندگاری بیشتر و ثبات رنگ فلزات در آثار تولیدشده می‌شود و رضایت مشتریان را به دنبال دارد.
۱۵. در صورت لزوم، قطعات زیورآلات، حلقه، سرآویز و زنجیر و ... متصل و سپس آن‌ها را بسته‌بندی می‌کنند.
۱۶. در صورت لزوم، در کارهای تلفیقی مانند قلم‌زنی و میناکاری، قطعات را قبل از زدن لایه محافظ کیلر، دوده می‌زنند و سیاه‌کاری می‌کنند (ثابت سروسامانی، مصاحبه).

✽ ظروف اسکلت مینای خانه‌بندی

زیرساخت یا اسکلت استفاده‌شده، در هنر مینای خانه‌بندی از فلزاتی مانند مس، طلا، نقره، برنج

مس‌هایی که
ناخالصی دارند،
برای کارهای
مینای خانه‌بندی
مناسب نیستند؛
زیرا اگر مس
ناخالصی داشته
باشد ورقه
می‌شود و مینای
به‌دست آمده
ترک می‌خورد



تصویر ۸. تابلوی گل و مرغ مینای خانه‌بندی، مس، اثر مزده ثابت سروسستانی، مجموعه شخصی هنرمند



تصویر ۹. زیورات انتزاعی مینای خانه‌بندی، مس، اثر نسیم خواجه نصیری، مجموعه شخصی هنرمند

بکشیم، برجستگی‌های رنگ‌ها و مقل‌های برنجی خانه‌بندی شده را لمس می‌کنیم. همه آثار مینای خانه‌بندی به یک شکل و دقیق نیستند؛ زیرا در هنر دست ممکن است هر اثر تفاوت‌هایی هرچند جزئی با دیگر آثار ساخته شده داشته باشد (فیض‌اللهی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸).

✱ انواع طرح‌های مینای خانه‌بندی

نقوش طرح‌های مینای خانه‌بندی عبارت‌اند از: اسلیمی، ختایی، مرغ و ختایی، گل و مرغ، اسلیمی ختایی. در بعضی موارد نادر از طرح‌های انتزاعی نیز استفاده می‌شود.

اسلیمی: عبارت است از خط‌های منحنی و پیچک‌هایی که شکل نمادین گل و پیچک گیاهی را مجسم می‌کند. این طرح در بشقاب‌ها و گلدان‌ها بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد (تصویر ۴).

ختایی: یکی از نقوش هنرهای سنتی، و ترکیبی از غنچه، گل و برگ‌هایی است که خارج از شکل طبیعی خود هستند. به‌طور کلی، نقوش ختایی مجموعه‌ای از گل‌ها، غنچه‌ها، برگ‌ها و ساقه‌هاست که در نظام هندسی برگرفته از چرخش گیاه عشقه به‌عنوان قرارگیری این نقوش بر این چرخش حلزونی است (تصویر ۵).

اسلیمی و ختایی: «به‌طور کلی، اسلیمی-ختایی به طرحی گفته می‌شود که مبدأ اسلیمی

و مانند آن است. امروزه برای تولید مینا بیشتر از مس، به سبب چکش‌خواری و انعطاف‌پذیری و قیمت مناسب، استفاده می‌شود. اسکل‌ظروف مورد نظر را استاد مسگر می‌سازد که ممکن است به‌صورت بشقاب، گلدان، پلاک و نظیر آن در ابعاد و شکل‌های مختلف باشد. البته مس مورد استفاده باید به‌صورت تخته و خالص باشد. مس‌هایی که ناخالصی دارند، برای کارهای مینای خانه‌بندی مناسب نیستند؛ زیرا اگر مس ناخالصی داشته باشد ورقه می‌شود و مینای به‌دست‌آمده ترک می‌خورد. قطر مس‌های مورد استفاده در هنر مینای خانه‌بندی معمولاً ۷ و ۸ میلی‌متر است و گاهی هم از مس ۱ سانتی متری برای کارهای برجسته و بزرگ استفاده می‌شود. ویژگی‌های اجسام مینای خانه‌بندی در صورتی که به‌صورت استاندارد و صحیح تهیه شده باشند، به شرح زیر است:

- دارای شفافیت و تالُل قابل توجهی است. در واقع، یک اثر مینای خانه‌بندی کدر نیست.

- قابل شست‌وشو است؛ با آب گرم یا آب سرد و یا اسفنج یا هر پاک‌کننده دیگری می‌توان آن را تمیز کرد.

- اگر مدت‌زمان طولانی از عمر اجسام مینای خانه‌بندی بگذرد، با شست‌وشو مانند روز اول شفاف و براق می‌شوند.

- هنر مینای خانه‌بندی معمولاً روی مس کار می‌شود. البته روی فلزات دیگر، مانند طلا و نقره، هم می‌توان مینای خانه‌بندی انجام داد.

- اگر روی اجسام مینای خانه‌بندی دست



تصویر ۱۰. زیورات مینای خانه‌بندی، مس، اثر مژده ثابت سروستانی، مجموعه شخصی هنرمند

* مصنوعات معاصر مینای خانه‌بندی

ایران

زیورات مینای خانه‌بندی: یکی از پرکاربردترین محصولات هنر مینای خانه‌بندی در حال حاضر زیورات مینای خانه‌بندی است. این زیورات به صورت پلاک، گوشواره، دست‌بند و انگشتر ساخته می‌شوند. یکی از دلایل مهم افزایش کاربرد زیورات در این زمینه، هزینه بالای ساخت مینای خانه‌بندی است که چون در زیورات در سطح کوچک‌تری اجرا می‌شود، قیمت آن نیز کاهش می‌یابد و قابل خرید برای عموم است (تصویر ۱۰).

ظروف مینای خانه‌بندی: ظروف به کار رفته در مینای خانه‌بندی بیشتر جنبه کاربردی-تزیینی دارند و به دلیل گران شدن این اشیاء کمتر هنرمندی به ساخت ظروف در مینای خانه‌بندی مبادرت می‌ورزد. بر این اساس، ظروف مینای خانه‌بندی بیشتر برای گردشگران و کلکسیون‌دارها ساخته می‌شود و مردم عادی توان خرید این محصولات را ندارند (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱. ظرف قندان، نقره، اثر فرید فرقانی، موزه شخصی هنرمند

با شروع بند ختایی از یک محل نباشد. همچنین، مسیر حرکت اسلیمی دقیق و حساب‌شده باشد؛ به‌گونه‌ای که استخوان‌بندی کار را مشخص کند. این نقوش به عنوان یک طرح هویت‌مند بسیار موردپسند گردشگران واقع شده است» (فیض‌اللهی، ۱۳۹۰: ۱۸-۲۲) (تصویر ۶).

مرغ و ختایی: معمولاً این نوع طرح به صورت گل‌هایی به رنگ‌های قرمز، آبی و سرنج رنگ‌آمیزی می‌شود و به همراه آن پرندگان به صورت گردشی و در لابه‌لای گل‌ها نمایان‌اند. این طرح بیشتر روی گلدان و بشقاب اجرا می‌گردد و در مرکز شیء ترسیم می‌شود. گاهی ممکن است از نقش پرنده استفاده نشود ولی معمولاً این نوع سبک مینای خانه‌بندی با پرنده همراه است. این سبک در مینای خانه‌بندی با ترکیب رنگ آبی، قرمز و کرم است و برای گل‌ها از: لاجورد، قرمز، سرنج و سبز استفاده می‌شود (تصویر ۷).

گل و مرغ: نقش گل و مرغ در هنرهای سنتی ایرانی همیشه با جلوه‌های مذهبی و عرفانی همراه بوده است. این نقش بیشتر روی جلد‌های قرآن، شاهنامه، دیوان حافظ و حاشیه‌های خطوط مذهبی و دیوان‌های شعرا کار شده است. نقش پرندگان و به‌خصوص مرغ از دیرباز در فرهنگ و هنر ما به عنوان نماد پاکی و آزادی وجود داشته است (تصویر ۸).

نقوش انتزاعی: گرایش جامعه به مدرن شدن و خواسته‌های جامعه در طلب طرح‌های جدید و خاص، بر طرح‌های کاربردی مینای خانه‌بندی معاصر نیز بی‌تأثیر نبوده است. بر این اساس، از آبستره و اشکال انتزاعی در طراحی این هنر فراوان استفاده می‌شود (تصویر ۹).

منابع

- ارباب، معصومه. (۱۳۸۳). روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- احمدی خطیر، زهرا. (۱۳۹۴). فرایند ساخت لعاب رنگ‌های مینای خانه‌بندی و کاربست آن در جهت طراحی و ساخت دیوارکوب، کارشناسی ارشد، ایران، تبریز، دانشگاه هنر اسلامی تبریز؛ دانشکده هنرهای کاربردی، هنر اسلامی.
- باست، الیور. (۱۳۷۷). آلمانی‌ها در ایران، مترجم: حسین بنی احمد، تهران: شیرازه (نشر پژوهش).
- برونشتاین، لئو. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ریاضی، محمدرضا. (۱۳۷۵). فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران، تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.
- شریف‌زاده، سید عبدالمجید. (۱۳۸۱). «مینا، نقش و آتش»، تهران: کتاب ماه.
- فیض‌اللهی، غلامعلی؛ خواجه احمد عطاری، علی‌رضا؛ مقتدایی، عباس. (۱۳۹۰). بازشناسی هنرهای سنتی-اسلامی (۱) هنر مینا، اصفهان: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کیانی، مصطفی. (۱۳۸۶). معماری دوره پهلوی اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- یاور، حسین. (۱۳۸۰). «فلزکاری»، تهران: سوره مهر.

مصاحبه‌ها

- خانم نسیم خواجه نصیری، کارشناس ارشد هنر اسلامی، کارگاه شخصی هنرمند، ۱۳۹۴/۱/۲۵
- خانم مژده ثابت سروستانی، کارشناس ارشد هنر اسلامی، کارگاه شخصی هنرمند، ۱۳۹۴/۱/۱۹
- خانم فاریا عیدی، کارشناس ارشد هنر اسلامی، مصاحبه تلفنی با هنرمند، ۱۳۹۴/۰۴/۱۲
- خانم شیخ مهدی، استاد مینای خانه‌بندی در دانشگاه سوره و کارمند میراث فرهنگی تهران، مصاحبه حضوری، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴
- آقای فرید فرقانی، هنرمند میناساز (مینای خانه‌بندی)، مصاحبه اینترنتی، ۱۳۹۴/۰۴/۲۱

مروری بر ساخت و تزئینات روی قلمدان در دوره صفوی

محرمعلی بهرامی

دبیر هنر شهرستان خرم دره

چکیده:

قلمدان بهترین وسیله فراگیری نوشتن و مهم‌ترین عامل تشویق مردم به آموختن خطاطی و خوشنویسی بود. در سه قرن اخیر، هنرمندان سعی کرده‌اند قلمدان‌ها را زیباتر و نفیس‌تر بسازند و به صاحبان ذوق و هنر و طالبان علم و ادب عرضه دارند. قبل از قلمدان‌های لاک‌ی که در اواسط دوره صفوی اشاعه یافت، قلمدان‌ها اغلب فولادی و نقره‌کوب و طلاکوب بودند و روی بعضی از آن‌ها تصاویر گوناگون و اشکال هندسی و اسلیمی و چه‌بسا نام مالک و سازنده و در مواردی ادعیه و نام سلاطین و جملاتی در عظمت کتابت و قلم به شیوه کوفی نقش می‌بست که آیتی از هنر به شمار می‌آمد. اگر این سفارش‌ها از طرف پادشاه وقت یا ثروتمندی داده می‌شد، با طلا و نقره و انواع جواهرات ترصیع می‌گشت. امروزه اغلب این آثار را در موزه‌ها می‌توان دید.

قلمدان در دوره صفوی

(یزد) بود.

گفتنی است با توجه به اینکه پیش از دوره زندیه قلمدان‌ها از فلز ساخته می‌شدند و برای تزئین آن‌ها نیز از مفتول‌های نقره‌ای یا طلایی استفاده می‌شد، و از طرفی به دلیل کاربرد فراوان این وسیله، وزن این قلمدان‌ها، مشکل عمده‌ای بود که هنرمندان را به فکر بهره‌گیری از قلمدان‌های سبک‌تر انداخت. به این ترتیب، ساخت قلمدان یکی از کارهای جنبی پایه‌ماشه‌سازان شد. با استقبال فراوان مردم از قلمدان‌های جدید، کارگاه‌های متعدد قلمدان‌سازی در ایران دایر گردید. از ویژگی‌های قلمدان دوره صفوی، استواری و مرغوبیت مقوا، تفاوت سبک، زر نشان بودن، داشتن گل بته و تصویر کم آن‌ها در مقایسه با دوره‌های بعد است. از حیث اندازه و شکل نیز، قلمدان معمولی صفوی قدری بزرگ‌تر و مسطح‌تر از قلمدان متعارف عصر قاجار می‌باشد. در دیواره زبانه برخی از آن‌ها هم گاهی معرق‌کاری با چرم دیده می‌شود. تک‌صورت‌سازی ایستاده از شاهان و شاهزادگان صفوی با جامه‌های معمول آن زمان و تصویر بانوان زیبا در حالت ایستاده و نشسته و لمیده (با جاذبه نگارگری)

قلمدان‌هایی که امروزه در موزه‌های ایرانی و خارجی یا در مجموعه‌های خصوصی یافت می‌شود، متعلق به قرون اولیه اسلامی است. هنر قلمدان‌سازی در دوره صفوی و با تهیه قلمدان‌هایی به شیوه پایه‌ماشه به اوج شکوفایی خود رسید. در واقع، قلمدان تا نیم‌قرن پیش از وسایل ضروری خطاطان، نویسندگان و منشیان بود؛ چنان‌که در منازل رجال و اشراف همیشه چندین قلمدان نفیس وجود داشت که هنر دست هنرمندان طراز اول این فن بود. ارزش قلمدان نیز به شکل ظاهری، نقوش و استحکام آن بستگی داشت. این هنر در دوره صفویه تا اواخر دوره قاجار، در شهرهایی چون اصفهان، یزد، آذربایجان، کاشان، تهران و قزوین رواج داشت و به رشته‌های گوناگونی تقسیم شده بود و هر گروه نیز در رشته‌ای خاص تخصص داشتند. برای مثال، گروهی از چوب شمشاد و یا گلایی قالب می‌ساختند، گروهی دیگر تکه‌های ریز مقوا و کاغذ را روی قالب می‌چسباندند، قلمدان را می‌ساختند و پس از خشک شدن، آن‌ها را در اختیار نقاشان و مذهبیان قرار می‌دادند. چسب مصرف‌شده نیز از لعاب سریش





و همچنین، نقش کاخ‌های آن عصر و دورنما و پل‌ها و خیابان‌های مشجر و تصویرهای نیم‌تنه اشخاص در دو طرف قلمدان از جمله ویژگی‌های دوران صفوی است که مورد تقلید نقاشان دوره‌های بعد نیز قرار گرفته ولی به پایه کارهای ممتاز این زمان نرسیده است.

ساخت مقوای پایه‌ماشه در دوره صفوی

در حدود نیمه عصر صفوی، هنرمندان ایرانی برای انبساط خاطر هنردوستان، کوشیدند در تجلید کتاب، که تا آن زمان از مقوای چرم‌های مختلف ساخته می‌شد، و قلمدان، که از برنج و فولاد یا چوب بود، جنبه شاعرانه داخل کنند. از این رو، مجلدان و قلمدان‌سازان آن دوره، پس از آشنایی با ساختن مقوای خمیر کاغذهای باطله و فرسوده، به تهیه مقوای پرداخته‌اند. ساخت قلمدان‌های روغنی، که فرایند آن، در تهیه مقوای جلد، جعبه‌سازی، دستک‌سازی، قاب‌سازی و ... نیز استفاده می‌شده، بدین نحو بوده است که پس از آنکه چندین لایه کاغذ، با چسب سریش به هم چسبانیده می‌شد

یا خمیر مقوای روی قالب‌های چوبی آغشته به صابون خشک می‌شد، آن را از قالب قلمدان جدا می‌ساخته، به صورت مطلوب لبه‌هایش را می‌بریدند و سطح آن را مهره‌کشی می‌کرده‌اند تا کاملاً صاف و صیقلی و آماده کار شود. سپس، لایه بسیار نازکی از گچ خیلی نرم یا گل سفید را به صورت آستر روی آن مقوای می‌کشیده‌اند و بعد از صاف‌کاری آن، لایه بسیار رقیقی از لعاب روغن کمان روی آستر می‌مالیده‌اند، آنگاه نقاشان، روی گچ یا گل سفید را طرح‌اندازی نموده، به این ترتیب، صورتگران، بته‌سازان و مذهبان و طلاکاران، با آبرنگ، جلد و کشوی قلمدان را نقاشی و طلاکاری می‌کرده‌اند. پس از نقاشی، چند بار با پوشش بسیار رقیق و نازکی از روغن کمان، سطح نقش قلمدان و ترسیمات کشوی آن را می‌پوشانیده و چند بار هم قلمدان خیس را در محفظه‌ای شیشه‌ای، به دور از گردوغبار، در مقابل آفتاب قرار می‌داده‌اند تا خشک شود. چون روغن کمان خاصیت صمغی دارد، همچون پوسته‌ای سخت و پوششی بسیار محکم و شیشه‌مانند، روی قلمدان و جلد کتاب



اروپاییان در بازگشت به کشورشان بود. امروزه این آثار گران‌قدر زینت‌افزای موزه‌های بزرگ اروپا و آمریکا شده است.

آموزش و تعلیم هنر در این دوره اهمیتی فراوان یافت و هنر خوشنویسی نیز به اوج شکوفایی خود رسید. بدین منظور، برای تشویق افراد به این امر بسیار مهم قلمدان‌هایی به وجود آمد که روی آن‌ها را به صورت زیبا و دل‌فریبی آراسته بودند تا شوق و اشتیاق طالبان علم برای فراگیری علوم زیاد شود. گو اینکه -همان‌گونه که قبلاً ذکر شد- قبل از صفویه قلمدان‌هایی از جنس چوب و فلز ساخته می‌شد لکن دوره صفویه دوره شکوفایی قلمدان‌های لاک‌پوش بوده که در زمان قاجاریه به اوج شکوفایی و بالندگی خود رسیده‌اند.

قلمدان‌هایی که ابتدا ساخته می‌شد احتمالاً بدون نقش بوده و صرفاً برای محافظت از ابراز نگارش به کار می‌رفته است اما هنرمند ایرانی ذوق هنری خود را که در تمامی دوره‌ها به رخ جهانیان کشیده‌اند، روی قلمدان‌ها نیز به منصه ظهور گذاشتند؛ به طوری که هر بیننده‌ای ممکن است ساعت‌ها به یک قلمدان نفیس خیره شده، غرق در شگفتی باشد، بدون اینکه گذر زمان را متوجه شود یا از این همه زیبایی انگشت حیرت به دندان گیرد و احساس خوشایندی به وی دست دهد.

با پیدایش قلمدان‌های روغنی در میانه دوره صفوی هنرمندان ایرانی که با سبک واقع‌گرای اروپا نیز آشنا شده بودند، تجارب خود را روی قلمدان‌ها نیز آزمایش کردند و به نتایج بسیار خوبی دست یافتند. از میان این هنرمندان، **محمد زمان، علیقلی بیک جباردار، محمدقاسم،**

جوش می‌خورده و سراسر آن را در بر می‌گرفته است؛ به طوری که بعدها از آسیب‌های وارده تا حد زیادی مصون می‌مانده است. از همین شیوه، در ساخت جلد روغنی هم استفاده می‌کرده‌اند.

نگارگری روی قلمدان در دوره صفوی

در دوره صفوی به هنرهای تجسمی به‌ویژه نگارگری و هنرمندان نگارگر توجه ویژه‌ای می‌شد. شاهان صفوی خود نیز به هنر نقاشی علاقه وافری داشتند و از این‌رو، در این دوره نگارگری رونق بسیاری یافت و یکی از صنایع جدید، صنعت نقاشی روی قلمدان‌ها و جعبه‌ها بود که از اواخر دوره شاه‌عباس اول در ایران معمول گردید.

روی قلمدان‌ها موضوعات مختلفی نقاشی می‌شد؛ موضوعاتی شامل تذهیب، گل و بوته، گل و مرغ، ابری‌سازی، شکار، بزم و رزم، جنگ و ستیز، خوشنویسی، داستان‌ها و روایات تاریخی، چهره و منظره‌سازی و دورنمای طبیعت و بعضی مواقع نیز ترکیبی از این موضوعات. به عبارتی، صورتگران ایرانی آثار هنری غربی را -که فرنگی‌سازی می‌نامیدند- مانند دورنما‌سازی، چهره‌سازی، صورت‌سازی جانوران، که پیش‌ازاین زمان نیز معمول بوده، به‌وجهی شایسته از هنر غرب اقتباس نموده و با هنرهای خود آمیختند و روی قلمدان‌ها با سبکی استادانه منعکس ساختند. این‌گونه تصاویر روی قلمدان‌ها آن‌چنان شیرین و جالب‌توجه بود که هنردوستان اروپایی را شیفته و فریفته خود می‌ساخت. باید گفت در این زمان قلمدان‌های ایرانی بهترین ره‌آورد و ارمغان

شفیع عباسی و حاجی محمد بیش از دیگران توفیق داشتند که آثارشان گواه این مدعاست. در این میان، محمدزمان بیش از همه قلمدان‌نگاری کرده و به نتایج بسیار خوبی دست یافته است. منظره‌پردازی روی قلمدان‌ها موضوعات مختلفی دارد که می‌توان آن‌ها را به دسته‌های زیر تقسیم نمود.

موضوعات نگارگری روی قلمدان در دوره صفوی

۱. منظره‌پردازی روی قلمدان
۲. چهره‌نگاری روی قلمدان
۳. صحنه‌های شکار
۴. داستان‌های تاریخی
۵. ساختمان و بناهای تاریخی
۶. صحنه‌های جنگ
۷. گل و مرغ گل و بوته
۸. فرنگی‌سازی.

منظره‌پردازی روی قلمدان

شاید در میان قلمدان‌های دوره صفوی قلمدانی را پیدا نکنیم که روی تمامی قسمت‌های آن صرفاً منظره کار شده باشد. ممکن است بخشی از قلمدان مانند رویه، پهلوه‌ها، زیر قلمدان یا وجوه جانبی غلاف پوشیده از منظره باشد. در بسیاری از موارد، ترکیبی از منظره با یک عنصر ثانوی مانند انسان، ساختمان و یا حیوانات در حال شکار روی آن‌ها دیده می‌شود. شاید تنها نمونه‌ای که بتوان در این باره عنوان کرد، بخش مرکزی وجه جانبی قلمدانی است که در قرن (۱۲ هـ / ۱۸ م) ساخته شده و بدون رقم است. اما از نحوه آرایش درختان و درخت شکسته قسمت پایین قلمدان چنین دریافت می‌شود که از آثار پرفخامت محمدزمان یا فرزند هنرمندش محمدعلی بوده است.

چهره‌پردازی روی قلمدان

منظره و انسان در نقاشی ایرانی ارتباطی تنگاتنگ دارند؛ به‌طوری‌که تفکیک آن‌ها از یکدیگر غیرممکن به نظر می‌رسد. در نقاشی ایرانی، همواره یک یا چند انسان در مناظر حضور داشته است. منظره تشکیل شده از یک تک پیکره و در مواردی چند پیکره در زیر یک درخت که در بعضی مواقع نیز در زیر پای آن‌ها جوی آبی روان است و معمولاً چند مرغابی در جوی آب به شنا و بازی کردن مشغول‌اند. در برخی موارد، دورنمایی از دشت و دمن و کوه نیز به منظره اضافه می‌شود.

صحنه‌های شکار

یکی از موضوعات بسیار جالب برای انسان نقاشی از منظره شکار است؛ چون یکی از تفریحات شاهان، شاهزادگان و درباریان پرداختن به شکار حیوانات است و هنرمندان نیز برای خوشایند شاه و درباریان صحنه‌هایی از شکار آن‌ها را نقاشی نموده‌اند، در دوران صفویه، که قلمدان‌نگاری رونق پیدا کرد، همین صحنه‌های شکار به روی قلمدان‌ها نیز منتقل شد.

داستان‌های تاریخی

همان‌طور که می‌دانید، نگارگری ایران همواره ارتباط تنگاتنگی با ادبیات داشته و ادبیات ایران نیز پر از داستان‌های تاریخی و آموزنده است. اکثر نگارگران ایران کتاب‌های تاریخی و ادبی را به تصویر درآورده یا به عبارتی تصویرسازی کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان گلستان سعدی، خمسه نظامی، شاهنامه فردوسی و غیره را نام برد. این نگرش در نگارگری به نقاشی روی قلمدان نیز رسوخ پیدا کرد و همان داستان‌های تاریخی روی قلمدان‌ها نیز نقاشی شد.

گل و مرغ و گل و بوته

گل و مرغ و گل و بوته تجسم بسیار ساده‌ای از منظره است؛ چون منظره متشکل از گل و بوته، پرندگان، کوه و دشت و دمن است، می‌توان گل و مرغ و گل و بوته را نیز منظره‌ای در نظر گرفت که بسیار خلاصه و چکیده شده و روی قلمدان‌ها نقش بسته است. آن‌ها در بسیاری از موارد، در وجوه جانبی و وجه زیرین قلمدان‌ها نقاشی شده‌اند و در برخی موارد نیز تمام قسمت‌های قلمدان را پوشانده‌اند. معمولی‌ترین نمونه تصاویر قلمدانی که از همه تصاویر بیشتر به کار گرفته شده و بیش از ۷۰ درصد هنر قلمدان‌سازی را به خود اختصاص داده، گل و مرغ و بوته‌سازی و جست‌وخیز پرندگان است که به شیوه‌های گوناگونی در عرصه هنرهای روغنی ایرانی جلوه‌گر گشته و هواخواهان زیادی داشته است. اگر بنا بوده تمام رویه قلمدان گل و بوته‌سازی باشد، در وسط رویه قلمدان یک گل سرخ بزرگ و یا زنبق درشت ترسیم می‌شده و در طرفین آن به حالت قرینه یا پراکنده گل‌های متنوع و رنگارنگی به توازن چیده می‌شد. برای اینکه زمینه گل‌آرایی از گیاهان خودرو یا گل‌های کوچک‌تری پر شود، از پامچال و علف‌های هرزه بهره می‌گرفتند و جلوه طبیعی گلستان‌ها را روی قلمدان‌ها ظاهر می‌ساختند.

منابع

۱. ادیب (برومند)، عبدالعلی. (۱۳۶۶). هنر قلمدان. چاپ اول. تهران: انتشارات وحید.
۲. احسانی، محمدتقی. (۱۳۸۲). جلدها و قلمدان‌های ایرانی و نگارگری هنرمندان در سه قرن اخیر. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. ابتهاج همدانی، هلیا و یآوری، حسین. (۱۳۹۰). سیری در قلمدانهای لاک‌ی روغنی ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات سیمای دانش.
۴. پورفرزانه، محمدرضا. (۱۳۷۴). نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل آثار نقاشی تصویری روی قلمدان. دانشگاه تهران.
۵. تجویدی، زهرا، شاکری راد، محمدعلی. (۱۳۸۶). آشنایی با هنرهای سنتی ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۶. حسن بیگی، محمدرضا. (۱۳۶۵). مروری بر صنایع دستی ایران. تهران: انتشارات صنوبر.
۷. خلیلی، ناصر. (۱۳۸۶). کارهای لاک‌ی، ترجمه سودابه رفیعی سخایی. چاپ اول. تهران: نشر کارنگ.
۸. دولتشاهی، علی. (۱۳۶۷). نقش و نگارهای ایرانی. تهران: انتشارات سروش.
۹. ربی، جولیان. (۱۳۸۶). کارهای لاک‌ی، ترجمه سودابه رفیعی سخایی. جلد هشتم. تهران: نشر کارنگ.
۱۰. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۶۹). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی. جلد دوم. لندن: مستوفی.
۱۱. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۹). قلمدان و سایر صنایع روغنی ایرانی. چاپ اول. لندن: ساتراپ.
۱۲. یآوری، حسین. (۱۳۸۹). شناخت صنایع دستی ایران، آشنایی با هنرهای سنتی. چاپ اول. تهران: انتشارات صبا.
۱۳. یآوری، حسین. (۱۳۸۹). آشنایی با موزه‌های ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات مهگمه.

تأثیر جنگ در افغانستان بر نقوش فرش افغان‌ها

فرزانه جعفری

اشاره

ما از اول عاشق و بافنده‌ایم
کار ما این بوده تا ما زنده‌ایم

هنر به‌عنوان نهادی اجتماعی و برآمده از دل باورها و سنت‌های بشری، محملی برای بروز احساسات و عواطف انسانی است؛ و از همین طریق است که هنرمند تأثیرات و تأثرات محیطی خود را بازتاب می‌دهد. چنان‌که می‌دانیم، در زمینه اجتماعی، پدیده‌های جمعی بر هنر هنرمند به شکلی آینه‌سان تأثیر می‌گذارند، بنابراین آنچه ما در اثر هنری ملاحظه می‌کنیم چیزی نیست جز نوعی روایت هنرمند از محیط زندگی خویش که آن را با عبور دادن از صافی ذهن و ضمیر خود به پیشگاه هنرپسندان تقدیم می‌کند. در این گزارش روایتی از چگونگی تأثیر چهار دهه جنگ خارجی داخلی و زندگی در جنگ را در آینه هنر قالی‌بافی کشور افغانستان مرور می‌کنیم.





مردم کشور افغانستان، به‌عنوان مردمی همسایه و هم‌آیین با ایران، از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا امروز به مدت تقریباً چهل سال با جنگ درگیر بوده‌اند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت آن‌ها تا این زمان در جنگ، با تحمل تمام ناکامی‌ها و عواقب مخرب آن، زیسته‌اند. این جنگ یکی از بزرگ‌ترین مصیبت‌های اجتماعی برای افغان‌هاست که تأثیر منفی خود را بر روح و روان این مردم بر جای نهاده است. در این میان هنرهای مردمی، به‌خصوص مردمی‌ترین هنر زنان و کودکان افغانستان، یعنی فرش‌بافی و قالی‌بافی، نیز از این پدیده شوم تأثیر پذیرفته است. مروری بر هنر قالی‌بافی امروز این کشور نشان می‌دهد که چهل سال جنگ در افغانستان خود بستری برای تجلی پدیده‌های محیطی و اجتماعی بوده است. نتایج مطالعات پژوهشگران نشان می‌دهد که «بن‌مایه‌های جنگ در نقش‌مایه‌های فرش افغانستان، به‌عنوان نوعی نارضایتی اجتماعی بازتاب داده شده است. زمانی بود که فرش‌های بافته‌شده در افغانستان را چیزی جز گل و گیاه پوشش نمی‌داد، درحالی‌که امروز شاهد گونه‌ای از فرش در این دیار هستیم که بهتر است آن را «فرش جنگی» بنامیم.

این نکته نشان می‌دهد که حتی زنان و کودکان افغان، یعنی بافندگان فرش، که در صحنه‌های جنگ حضور نداشته‌اند چگونه هنر خود را به‌عنوان رسانه‌ای زیبا در خدمت انعکاس فضای اجتماعی خود به کار گرفته‌اند.

هنرمندان مردمی مناسبات اجتماعی دوره خود و تاریخ رنج‌بار سرزمین افغانستان را در تابلوفرش‌هایی ثبت کرده‌اند که برای همیشه در تاریخ و آینده کشورشان ماندگار خواهد شد. در این فرش‌ها نقش سلاح‌ها، نارنجک‌ها، تانک‌ها و سایر ادوات جنگی به شکل مکرر تکرار می‌شود و نشان می‌دهد که چه قدر این جنگ و نمادهای آن با زندگی مردم عجین شده است. پژوهشگران این مطالعه بیان می‌دارند که در هیچ دوره تاریخی فرش افغانستان این‌گونه با ادوات جنگی، حتی ابتدایی، پیوند نداشته است، به همین دلیل آن‌ها این مقطع زمانی را زمانه ظهور فرش مدرن! افغانستان معرفی می‌کنند.

زنان و کودکان بافنده افغان نقش‌مایه‌های سنتی را در هم شکسته و تصاویری متفاوت و البته ناراحت‌کننده را با ابزار و ادوات جنگ رقم زده‌اند. در فرش‌های جنگی افغانستان از گل و گیاه و برگ‌ها و زیبایی‌های خیره‌کننده نقوش خبری نیست و برعکس رژه تانک‌ها، حاشیه‌هایی از نارنجک‌ها و تارقاری از کلاشینکف درون مایه اصلی فرش را تشکیل می‌دهد.

این تابلوفرش‌های جنگی را می‌توان همچون فریاد بلند بلبلی دانست که بر روی شاخه‌ای نشسته است و در فراق گل ناله می‌کند؛ و به‌عبارتی دیگر: پروانه نشسته است به روی گل قالی در فکر چه عطری است در این باغ خیالی



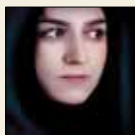
چسبانده به هم بال و پرش را غم گنگی
آنجا که گلی نیست خوشای بی پر و بالی
آری بهراستی که جنگ و عواقب مخرب آن شور و
شوق لازم برای هر کاری را از انسان سلب می کند اما
به واقع مایه تعجب و حیرت است که زنان و کودکان
افغان تا چه اندازه دارای حساسیت بوده اند که با ابزار
و ادوات جنگ و به هم ریختن نقش مایه های قبلی
گونه ای از بافت مدرن را در فرش های خود تجربه
کرده اند.

فرش های جنگی بیانگر این است که هنرمند در هر
سطحی و با هر جامعه ای که در آن زندگی می کند
می تواند با اشخاص و اشیاء به تبادل و تعامل روحی
و روانی بپردازد. او با نگاه تیزبین خود تأثیر پدیده ای
سهمگین مانند جنگ را در زندگی روزمره خود در
رسانه ای مانند فرش به تصویر می کشد. شاید تأثیر
جنگ در شکل گیری گونه ای از فرش با عنوان
«فرش جنگی» یادآور حماسه بزرگ دفاع مقدس و
به تبع آن تأثیر گرفتن هنرمندان کشور برای روایت
جان فشانی های رزمندگان دلاور باشد. هرچند که
گستره هنر دفاع مقدس بسیار وسیع تر، اثرگذارتر و
ماندگارتر است.

ضمن تشکر از همت پژوهشگران فرش های جنگی،
آقای دکتر اردشیر صالح پور و خانم سپیده وزیری، بر
این نکته می توان تأکید کرد که از منظر جامعه شناسی و
مردم شناسی هنر نمونه های زیادی در چهار گوشه کشور
خودمان وجود دارد که می تواند مینا و نقطه عزیمت
برای کارهای پژوهشی باشد. بی تردید در راهنمایی و
راهبری دانش آموزان، نقش دبیران و مدرسان هنر برای
دستورزی های پژوهشی بسیار مؤثر است.

توجه به تصاویر فرش های جنگی و سیر تطور آنها
برای درک بهتر این گونه هنری از فرش افغانستان به
درک بهتر پژوهش کمک می کند.



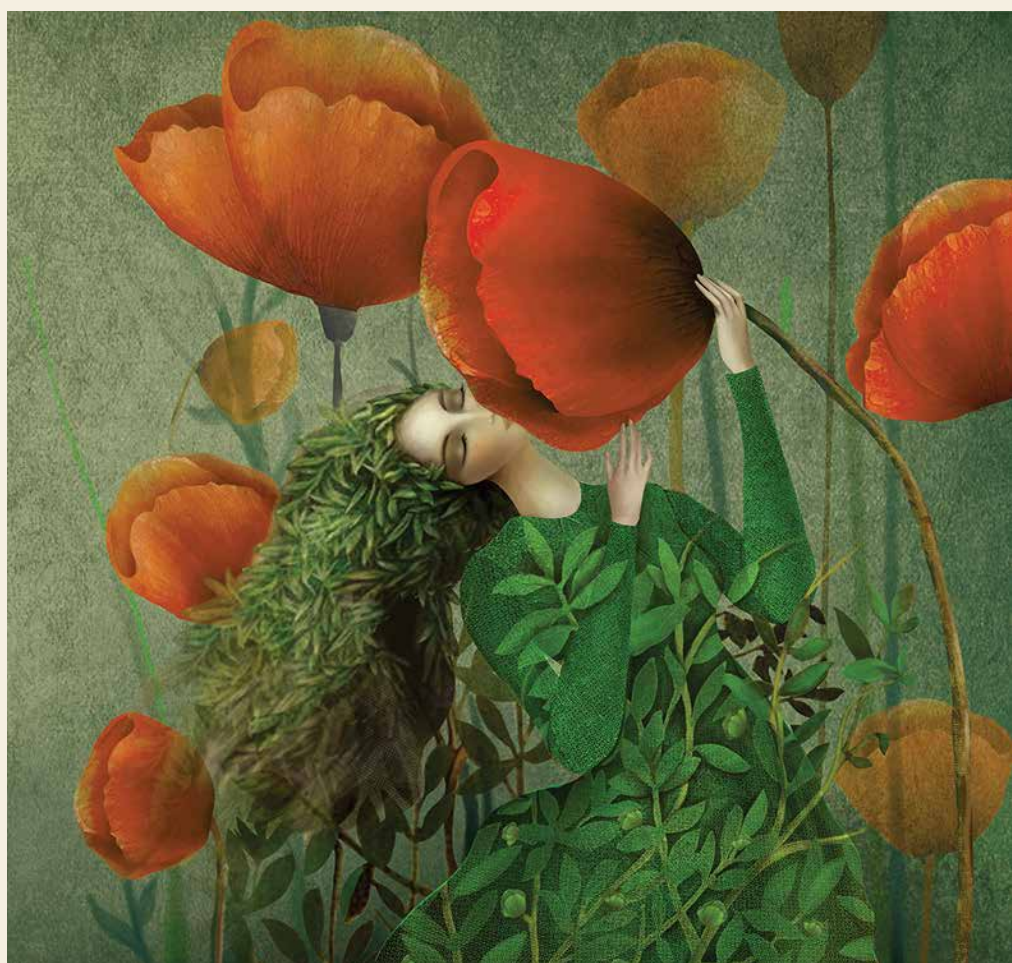


عطیه ضیغمی

بجنورد - ۱۳۶۶

- کارشناس ارشد تصویرسازی از دانشکده هنر و معماری تهران
- کارشناس تصویرسازی از دانشگاه اصفهان

- تصویرساز، مدیر هنری، کرییتور، گرافیکست دیزاینر و مدرس هنر با ده سال سابقه تدریس در هنرستان، آموزشکده و دانشگاه فرهنگیان
- همکاری با سازمان چاپ و نشر کتب درسی ایران در کتاب فارسی پنجم دبستان و کتاب فتوگرافیک، بخش تصویرگری
- تألیف مشترک کتاب هنر پارچه‌سازی (Textile Art)
- همکاری با انتشاراتی‌های یساولی، امیرکبیر، منادی تربیت، نسل نواندیش، ژیماز، حوزه هنری، سازمان زیباسازی شهرداری تهران و اصفهان، دانشکده ادبیات کرمان، سازمان ملی استاندارد و سازمان مطالعات ایران
- همکاری با مؤسسه خانه فرهنگ‌های جهان، آلمان
- همکاری با نشریه بین‌المللی چاپار، آلمان
- همکاری با انتشارات المهدی، لبنان
- همکاری با آژانس هنری Advocate Art، انگلستان
- همکاری با مؤسسه Director house، آلمان
- همکاری با بنیاد آوا (AVA Foundation)، استرالیا
- مدیر هنری نخستین فستیوال ادبیات آلمانی در ایران توسط انجمن ایران و اتریش
- مدیر مسئول بخش تجسمی گروه بین‌المللی جیران

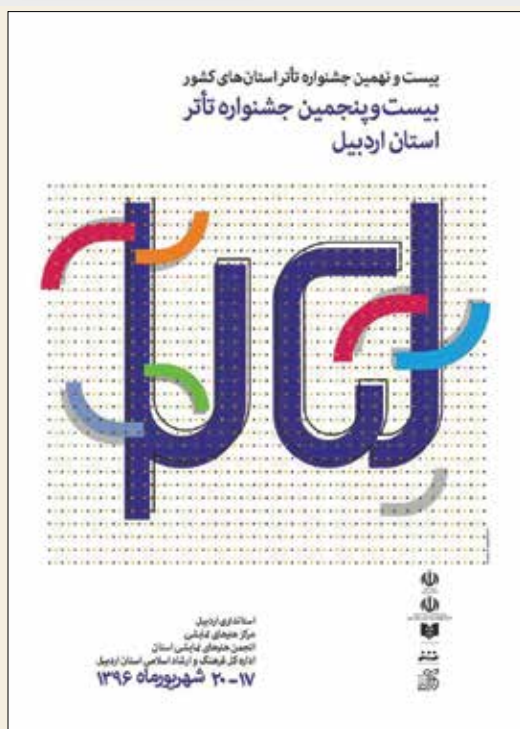
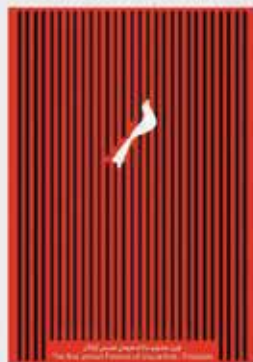


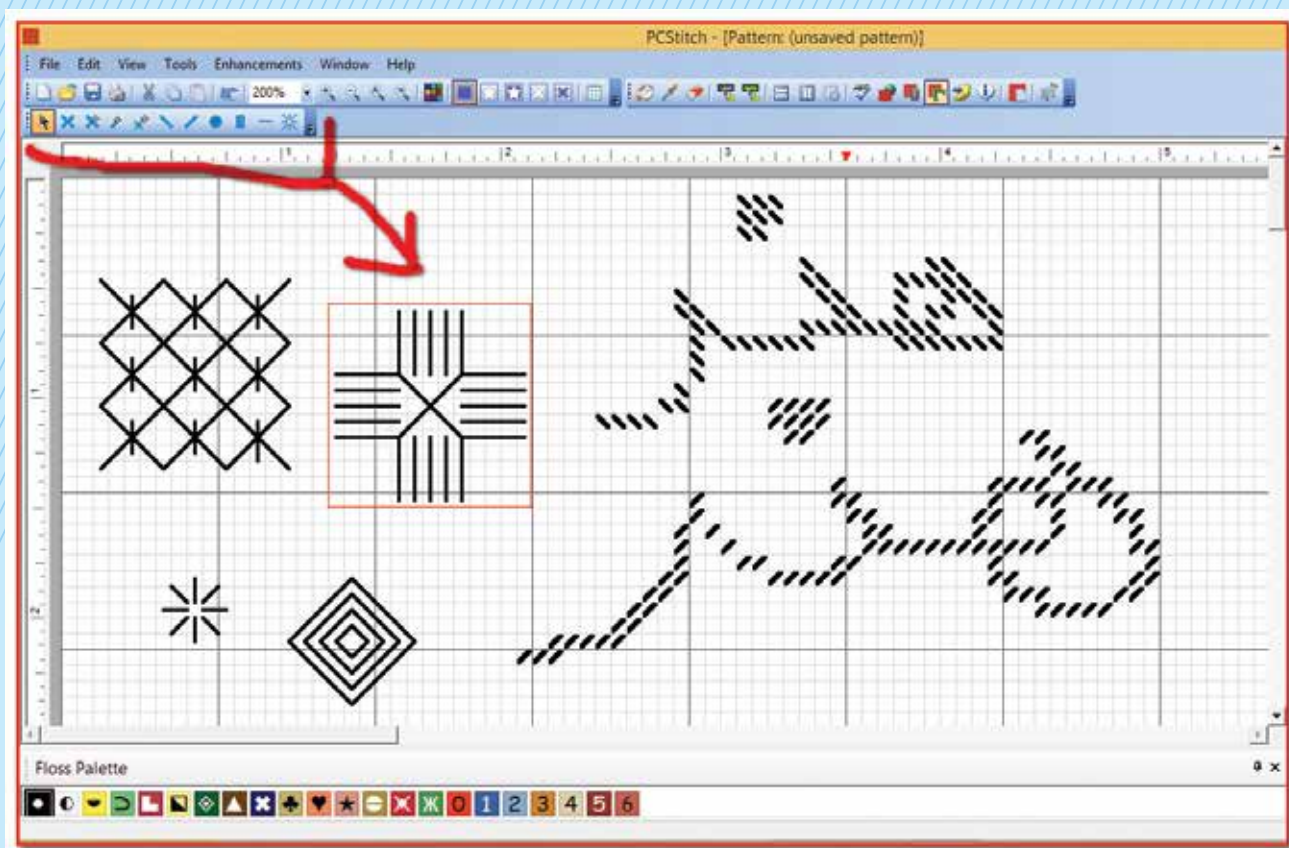


حجّت مجرّد

اردبیل - ۱۳۵۲

- طراح ارشد گرافیک و مدرس دانشگاه
- مدیر گروه گرافیک دانشگاه فنی و حرفه‌ای اردبیل از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ و ...
- عضو هیئت مؤسس و هیئت‌مدیره خانه هنرمندان استان از سال ۱۳۹۳
- عضو انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران از سال ۱۳۸۶
- عضو صندوق اعتباری حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان کشور از سال ۱۳۸۶
- عضو و مؤسس انجمن علمی معلمان هنر استان اردبیل از سال ۱۳۸۵
- عضو مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی از سال ۱۳۸۴
- عضو هیئت مؤسس گروه تئاتر عروسکی «لویون» از سال ۱۳۷۹
- رتبه اول دهمین سوگواره بین‌المللی پوسترهای عاشورایی، تهران، آبان‌ماه ۱۳۹۵
- رتبه اول شانزدهمین جشنواره پرسش مهر، سالن کنفرانس اسلامی، تهران، تیرماه ۱۳۹۵
- رتبه اول شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فنی و حرفه‌ای کشور، زنجان، ۱۳۹۴
- تقدیر شده در جشنواره بین‌المللی نگارش «محمد رسول الله» فیلمی به کارگردانی مجید مجیدی، تهران، ۱۳۹۲
- برگزیده سیزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی کشور، گرگان، سال ۱۳۸۹
- تقدیر شده در نخستین همایش معلمان هنرمند و مؤلف، اردبیل، ۱۳۸۶
- برگزیده دوم بخش گرافیک رایانه، پنجمین جشنواره باغ بسم الله، تهران، ۱۳۸۴
- برگزیده جشنواره معلمان هنرمند، تهران، ۱۳۸۳
- برنده لوح افتخار و نفر اول طراحی پوستر «نمایش جریره» اردبیل، ۱۳۸۱
- برگزیده بخش پوستر، جشنواره تئاتر استانی «نمایش چنبر نشین»، اردبیل، ۱۳۸۰
- برگزیده بخش عکس، مجمع سراسری هنرمندان، تهران، ۱۳۷۸
- برگزیده بخش پوستر، جشنواره کشوری تئاتر «نمایش فدیه» تهران، ۱۳۷۸
- برگزیده بخش پوستر، جشنواره منطقه‌ای تئاتر «نمایش فدیه» تبریز، ۱۳۷۸
- برنده لوح افتخار بخش پوستر، جشنواره هنرهای تجسمی کشور یادمان استاد پیرنیا، یزد، ۱۳۷۷
- برگزیده بخش پوستر، دهمین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان کشور، ارومیه، ۱۳۷۶
- برگزیده بخش پوستر، هشتمین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان کشور، کرمان، ۱۳۷۴
- تقدیر شده در بخش پوستر، هفتمین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان کشور، مشهد، ۱۳۷۳





تصویر ۱

طراحی فرش و گلدوزی با کمک نرم افزار

مصطفی سهرابلو

دبیر شهرستان بیجار

اشاره

هنر به عنوان تجلی باورهای جامعه از وجوه تمایز انسان با سایر موجودات است و می تواند به عنوان یکی از بارزهای هویت و به ویژه هویت فرهنگی و معنوی، موجب رشد و ارتقای تمدن و فرهنگ جوامع مورد توجه قرار گیرد (سند برنامه درسی ملی : ۲۶). استفاده از هنر و قالب های هنری مناسب ترین طریق بازنمایی تجربیات غنی از احساس و عواطف انسانی است. با توجه به کارکردها و جهت گیری های این حوزه از جمله ایجاد شور و نشاط، پرورش حواس، قدرت تخیل، خلاقیت، درک و بیان احساسات به زبان هنر و ... در دانش آموزان (همان) و با عنایت به اهمیت این موضوع در مبانی سند تحول بنیادین از جمله راهبرد کلان: بهره مندی هوشمندانه از فناوری های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی (هدف های کلان ۳، ۲، ۷، ۵، ۱)، در این مقاله به معرفی یک نرم افزار کاربردی جهت طراحی فرش و گلدوزی توسط معلمان و دانش آموزان در راستای اهداف درس هنر پرداخته می شود.

کلیدواژه ها: نرم افزار طراحی فرش و گلدوزی، آموزش هنر، طراحی با نرم افزار

نرم افزار PC Stitch

در فرایند فعالیت‌های یادگیری و تولید اثر هنری، با ایجاد شرایط تصمیم‌گیری و حل مسئله، مهارت رویارویی با مسائل و مشکلات، درک صحیح رویدادها و پدیده‌ها با تکیه بر عواطف، امکان ابراز احساسات، افکار، ایده‌ها، دریافت‌های شخصی، پرورش قوه خيال (تخیل)، خلاقیت و وجه فردی دانش‌آموز، از طریق به‌کارگیری حواس مختلف در قالب‌های متنوع هنری فراهم می‌شود (همان: ۲۷). ازین روی نرم‌افزار PC Stitch با امکانات و محیط مناسبی که دارد می‌تواند در پرورش تخیل و همچنین به‌کارگرفتن حواس دانش‌آموزان و رشد توانایی‌های هنری آنان تأثیر زیادی داشته باشد. این نرم‌افزار علاوه بر طراحی فرش و گل‌دوزی، برای تبدیل تصاویر دیجیتالی به طرح‌های شماره‌دوزی یا کوبلن^۱ نیز کاربرد دارد. از ویژگی‌های نرم‌افزار می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. امکان طراحی آسان بروی صفحه مدرج و شطرنجی با ابزارهای مختلف و با حرکات ماوس رایانه (تصویر ۱) از مسیر زیر:

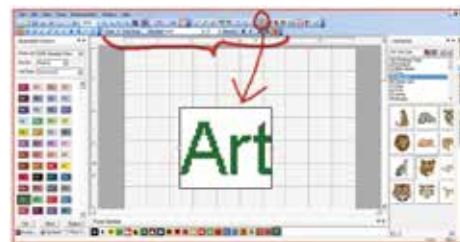
1. File-New-Pattern properties-Ok

یا

Tools-Pattern Properties-Ok

۲. امکان نوشتن متن در طرح‌ها با داشتن بیش از ۵۰ فونت در خود برنامه در بخش Text (تصویر ۲) که از مسیر زیر قابل دسترسی است:

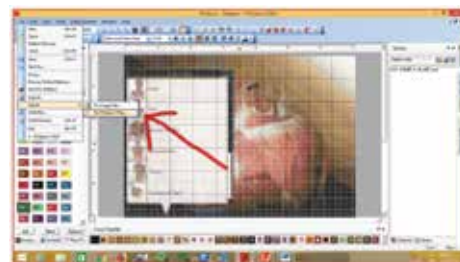
2. Tools-Text



تصویر ۲

۳. امکان تبدیل عکس‌های شخصی و دیجیتالی به الگوهای آماده: بعد از وارد کردن عکس‌های دلخواه خود به محیط برنامه و در صورت لزوم اعمال تغییرات در بخش‌های آن، می‌توان آن تصویر را به عنوان الگو برای استفاده‌های بعدی از مسیر زیر و طبق تصویر ذخیره نمود (تصویر ۳).

3. File-Export-To PC Stitch File/To Image File-yes-save



تصویر ۳

۴. امکان ایجاد قاب‌های زیبا برای طرح‌ها (تصویر ۴) از مسیر زیر:

4. View-Panels-View Borders-Borders

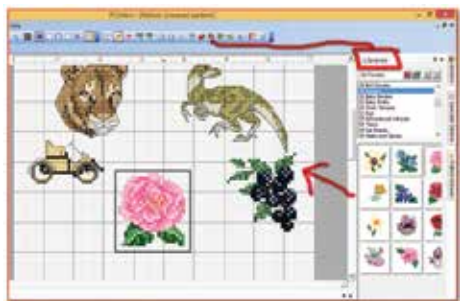


تصویر ۴

همه طرح‌ها و قالب‌ها نیز با کمک ابزارهایی مانند خط‌کش با دقت زیادی قابل تغییر و دست‌کاری می‌باشند.

۵. دارا بودن بیش از ۲۰۰۰ طرح آماده و دسترسی به کتابخانه^۳ طرح‌ها؛ از طریق کتابخانه می‌توان به طرح‌های آماده در موضوعات مختلف و دسته‌بندی شده دسترسی داشت و همچنین تغییرات خلاقانه‌ای در آن‌ها ایجاد نمود (تصویر ۵) که از مسیر زیر قابل دسترسی است:

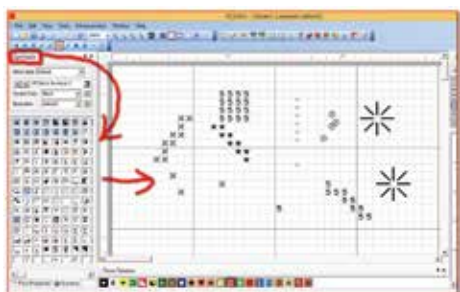
5. View –Panels-Library



تصویر ۵

۶. امکان استفاده از سمبل‌ها^۴ و نمادهای مختلف در طراحی (تصویر ۶) از طریق مسیر زیر در برنامه:

6. View-Panels-Symbols



تصویر ۶



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پسران برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد زنان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فن و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی
- ♦ رشد آموزش برهان متوسطه دوم

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

۷. ابزارهای کامل طراحی مانند برش، کپی و چسباندن، چرخش، تغییر فرمت اندازه به سانتی‌متر و اینچ و پشتیبانی از همه فرمت‌های گرافیکی و تصویری و ... برای مثال در تصویر زیر، طرح پرده سمت چپ (شماره ۱) با کلیک راست روی آن، با تصویر زمینه ادغام شده است درحالی‌که طرح سمت راست (شماره ۲) روی تصویر قرار گرفته است (تصویر ۷).
دسترسی به امکانات مذکور در شماره ۷ از طریق مسیر زیر ممکن است:

7. View-Panels-Palette

یا

Tools-Palette Tools



تصویر ۷

می‌توان طرح‌ها را به اشتراک گذاشت و همچنین از طرح‌های به اشتراک گذاشته‌شده دیگری استفاده نمود.

در پایان لازم به ذکر است که نرم‌افزارهای آموزشی و کاربردی می‌توانند به‌عنوان ابزارهای مفیدی در تدریس و آموزش مورد استفاده معلمان و دانش‌آموزان قرار گیرند. نرم‌افزار معرفی‌شده در این مقاله با داشتن امکانات و ابزارهای متنوع و کاربری ساده‌اش، در پرورش خلاقیت هنری و ایجاد طراحی‌های متنوع دانش‌آموزان و یادگیری بهتر آنان کمک خواهد نمود.

پی‌نوشت‌ها

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی آذرماه ۱۳۹۰
۲. سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

3. Library
4. Symbols



وزارت آموزش و پرورش
معاونت پژوهش و فناوری آموزشی
پرتال نشریات و کتابهای آموزشی

حمایت از کالای ایرانی

رشد برای رشد

نحوه اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر:

الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سمراهر آرمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳.

♦ عنوان مجلات درخواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد: ♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

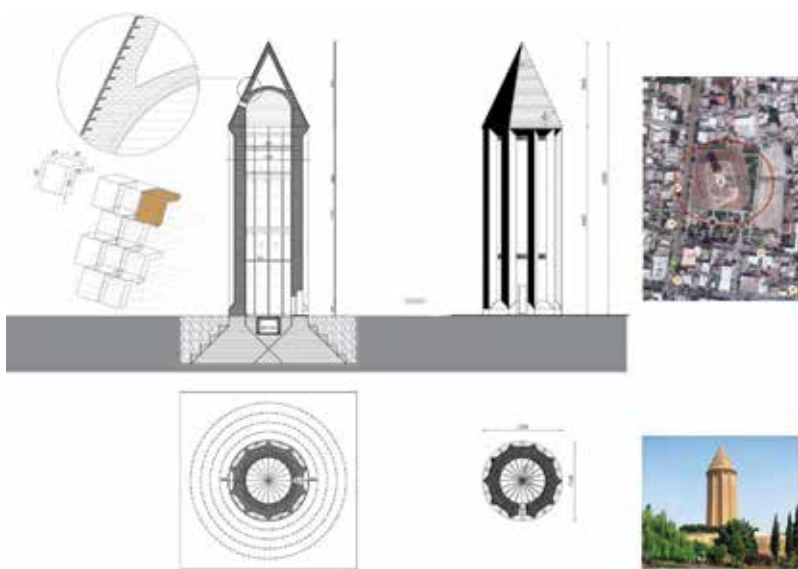
♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۲۰/۰۰۰ ریال



گنبد قابوس بلندترین برج تمام آجری جهان

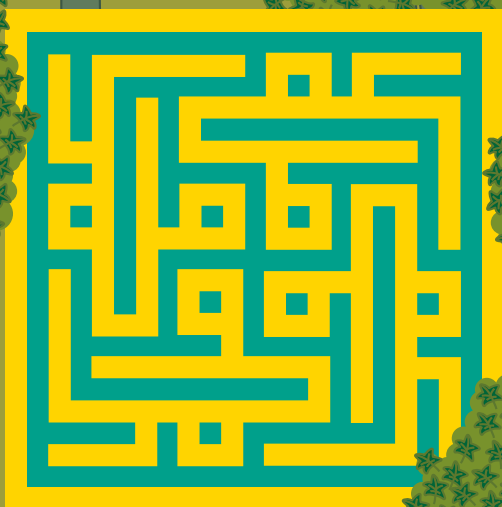


گنبد قابوس، واقع در استان گلستان، برج بلند و زیبایی است که شهر گنبد قابوس، در پیرامون آن شکل گرفته است و در واقع نام خود را به این شهر بخشیده است. این شهر پایتخت پادشاهان آل زیار، بوده است. قدمت این برج یا بنا به سده چهارم هجری (سال ۳۷۵ هجری خورشیدی) و زمان پادشاهی کاووس پور وشمگیر بازمی‌گردد. این بنا بلندترین برج تمام آجری جهان است. ارتفاع بنا به همراه پی آن ۷۲ متر است و بر روی تپه‌ای به ارتفاع پانزده متر قرار گرفته است.

این برج شامل دو بخش است: ۱. پای‌بست بنا و بدنه. ۲. گنبد مخروطی. بدنه گرد بیرونی گنبد کاووس دارای ۱۵ ترک یا دندانۀ نود درجه است؛ همانند ستاره ده‌پر. این ترک‌ها از پای‌بست بنا آغاز و تا زیر سقف گنبدی ادامه می‌یابد و میان این ترک‌ها با کوه‌های آجری پر شده است. گنبد مخروطی بنای برج در بلندای ۳۷ متری قرار دارد. این گنبد دو پوسته است و ۱۸ متر ارتفاع دارد. گنبد درونی مانند گنبد‌های خاکی به شکل نیم تخم‌مرغی و از آجر معمولی است و پوسته بیرونی با آجر دنباله‌دار. بلندای این گنبد مخروطی ۱۸ متر است و در بدنه شرقی روزنه‌ای جای داده شده که بلندای آن یک متر و نود سانتیمتر است. ورودی بنا در گوشه جنوبی آن است که ۱/۵ متر پهنا و ۵/۵۵ متر بلندا دارد. سردر این درب، طاق نیم‌گردی است که مقرنس‌کاری شده است. محققان معماری این طاق را از نخستین نمونه‌های مقرنس‌کاری می‌دانند. دو کتیبه به خط کوفی، کمربندوار، بدنه بنا را تزئین کرده است که یک سوی آن در ۸ متری پای آن و دیگری بالا در زیر گنبد مخروطی قرار دارد. این کتیبه‌ها ساده و آجری، برجسته و خوانا هستند و دورتادور آن‌ها، قاب مستطیل‌شکلی از آجر قرار دارد.

ویژگی‌بنا

چیزی که موجب امتیاز این بنای تاریخی بر بناهای مشابه شده است سازه بی‌نقص آن است که این برج را در زمره بهترین آثار مهندسی تاریخ بشر قرار داده است. این امتیاز در یک نظرسنجی بین‌المللی که بین معماران مشهور جهان برگزار شده به برج گنبد داده شده است. این برج فقط از آجر ساخته شده و هیچ‌گونه استوارکننده‌ای ندارد و در طول عمر بیش از هزارساله‌اش حتی با تحمل دو زمین‌لرزه شدیدتر از ۶ ریشتر، همچنان استوار و پایرجا است. میل گنبد که در میان آثار ملی ایران به ثبت رسیده بود، پس از سال‌ها در همایش سی‌وششم یونسکو، در زمره میراث جهانی یونسکو نیز ثبت شد.



پیامبر اسلام ﷺ در آینه هنر